

مجله ایران

بزمه پرونده
«نقش خانه در سبک زندگی ایرانی-اسلامی»

این خانه ها خاطره شدند



فهرست مطالب

- ۵ امروزه فقط ساختمان می سازیم، معماری نمی کنیم
- ۹ این خانه ها خاطره شدند
- ۱۳ خانه هایی که در گذشته جاماندند
- ۱۶ شهرها کارکرد هویتی ندارند
- ۱۸ خانه هایی در شهر «خشت و خاک و خاطره»
- ۲۱ نبود ضابطه درها را روی فرهنگ غربی باز کرد
- ۲۶ محله های جدید هویت ندارند
- ۲۹ معماری بوشهری در بوبته فراموشی
- ۳۱ معماری دیروز گمشده امروز
- ۳۴ نقش خیال انگیز «هنر» بر خشت و گل خانه های سنتی اصفهان
- ۳۶ نوای روضه در خانه هایی از جنس خاطره
- ۳۸ برای نسل امروز معماری ایرانی به قهوه خانه های سنتی خلاصه شده است
- ۴۲ روایتی از جریان زندگی در خانه های قدیمی
- ۴۵ سبک های اصیل از یاد رفت
- ۵۰ کپرنشینی نشانه فقر نیست

معماری ایرانی - اسلامی



شناسنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، محمدسجاد رحمانی، محمد عکاف

دبیر تحریریه: صدیقه حسینی

مدیر هنری: محبوبه عزیزی

با تشکر از: دبیران استانی خبرگزاری مهر و سرپرستان ۳۱ استان خبرگزاری مهر

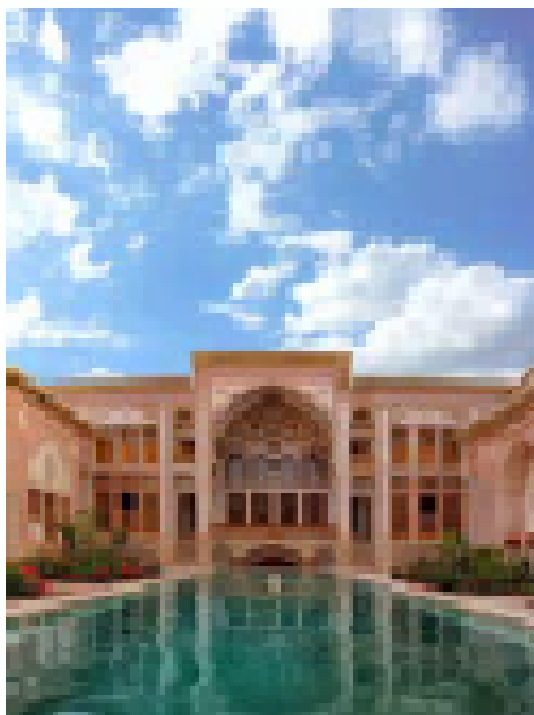
شماره تماس: ۴۳۰۵۱۱۹۰

پست الکترونیک: Township@mehrnnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقه‌مندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله ایران مهر ارسال کنند

معماری ایرانی - اسلامی



همان‌طور که می‌دانید باگذشت زمان ساختار معماری در محیط جغرافیایی استان‌ها تغییر کرده است در صورتی‌که سبک معماری تاریخی خاص هر استان بر اساس اقلیم، مصالح بومی، فرهنگ و سبک زندگی مردم هر استان طراحی می‌شده است.

در این مجموعه گزارش‌ها قصد داریم در راستای تبیین رویکرد سند چشم‌انداز مبنی بر ترویج سبک زندگی و معماری ایران اسلامی مفهوم خانه در جامعه ایرانی را از طریق کار رسانه‌ای احیا کنیم.

در مجموعه گزارش‌های «نقش خانه در سبک زندگی ایرانی-اسلامی» به نقشه، مصالح، المان‌ها، هویت عناصر، طراحی و سبک زندگی مردم هر استان در این خانه‌ها پرداخته شده است.

برای تهیه این گزارش‌ها ضمن توصیف و تشریح ویژگی‌های خانه‌های تاریخی و معماری ایرانی-اسلامی با مسئولان مرتبط، اهل فن، اساتید دانشگاه، پژوهشگران حوزه معماری و شهرسازی و معماران نیز صحبت شده است.

نقش خانه در سبک زندگی ایرانی - اسلامی



امروزه فقط ساختمان می‌سازیم، معماری نمی‌کنیم

خانه‌های تاریخی تیلور معماری اصیل ایرانی - اسلامی و محل ظهور سبک زندگی است؛ معماری ایرانی «خودبسندگی» دارد که تیلور اقتصاد مقاومتی است. یعنی معماری در خدمت رفیع نیازهای زیستی است.



محمدرضا جباری

خانه‌های تاریخی به‌عنوان ظرفیتی منحصربه‌فرد در قلب بافت تاریخی و قدیمی قزوین قرار گرفته‌اند تا همچنان ساختار محله‌های قدیمی این شهر حفظ شود به‌طوری‌که به‌رغم همه تغییرات صورت گرفته در چهره شهرهای امروزی همچنان بافت قدیمی و تاریخی حکایت زیبایی از معماری ایرانی - اسلامی را روایت می‌کند. از جمله خصوصیات خانه‌های قدیمی در بیشتر شهرهای ایران مساحت زیاد آن‌هاست و در سبک معماری آن‌ها نیز دو قسمت اندرونی و بیرونی دیده می‌شود.

رنگ‌های به‌کاررفته در تزئینات ساختمان‌ها متأثر از ویژگی‌های اقلیم گرم و خشک بوده‌اند. مصالح ساختمان‌ها، علاوه بر توانایی‌های سازه‌ای و توجه به مسائل اقتصادی و تأمین مصالح از نقاط نزدیک، بهترین شکل بهره‌برداری از انرژی محیط را نشان می‌دهند. اغلب خانه‌های قدیمی و تاریخی از قسمت‌های سکو، سردر ورودی، در ورودی، هشتی، دالان، ایوان‌ها، حیاط و اتاق‌های اطراف آن، حوض، آشپزخانه، سرویس‌ها، ساخت خانه در جهت قبله، گودال باغچه، بام، سراستان، زمستان نشین، تالستان نشین، بهارخواب، اتاق کرسی تشکیل شده‌اند.

خانه‌های تاریخی که تعداد آن‌ها در استان قزوین کم نیست، همواره به‌عنوان یکی از زیباترین عرصه‌های تیلور معماری اصیل ایرانی مطرح بوده‌اند و اغلب مسافران و گردشگران، مشتاق بازدید از خانه‌های تاریخی هستند. خانه‌های تاریخی قزوین به لحاظ نوع معماری و بهره‌مندی از سازه‌های دارای کاربری متناسب با اقلیم منطقه دارای معماری زیبا و فضایی دل‌نشین هستند؛ حوض‌های فیروزه‌ای، استفاده از خشت و آجر، گچ کاری‌های منحصربه‌فرد، اتاق‌های سه‌دری و پنج‌دری، شیشه‌های رنگی، استفاده از چوب به‌جای فلز علاوه بر اینکه زیبایی قابل توجهی به خانه‌های قدیمی و تاریخی داده‌اند در صورت مرمت و بازسازی می‌توانند برای



حضرتی گفت: حدود ۵۰ خانه تاریخی در شهر قزوین شناسایی شده که می‌توانند به هتل سنتی و اقامتی تبدیل شود که خانه «پهروزی» با همین نگاه در اختیار بخش خصوصی قرار گرفت و با نوسازی به‌عنوان اولین هتل سنتی در نوروز سال گذشته به بهره‌برداری رسید.

وی اضافه کرد: از یک منظر این حرکت فرهنگی می‌تواند موجب حفظ و احیاء بناهای تاریخی شده و در کنار ایجاد اشتغال به افزایش ارزش افزوده و تحقق یکپارچگی در فضای هم‌جوار هم کمک کند و موجب هویت بخشی مناطق مختلف شود.

حضرتی یادآور شد: مهم‌ترین ویژگی معماری خانه‌های ایرانی به شکل مطلق و در منطقه قزوین که از آن به‌عنوان معماری «مکتب‌خانه‌های قزوین» یاد می‌شود مبتنی بر چند اصل از جمله سازگاری با اقلیم است. وی افزود: اگر در یزد و کرمان و کاشان معماری مبتنی بر بادگیر است در قزوین مبتنی بر ایوان و باغ است، خانه‌های قزوین همان چیزی است که سعیدی از آن به‌عنوان «سراستان» یاد می‌کند (سرا همان خانه و بوستان یعنی باغ کوچک) علت پیدایش خصلت ایرانی‌هاست و چون ایران در منطقه‌ای شکل گرفته که پر آب نیست ساکنان این منطقه از دیرباز خود را با شرایط طبیعی وفق می‌دادند که کمترین انرژی مصرف شود و

کاربری‌های گردشگری مورد استفاده قرار گیرند. بسیاری از این خانه‌ها از آنجا که به لحاظ معماری از غنای بیشتری برخوردار بوده و هستند چون متعلق به افراد سرشناس و بزرگان شهر بوده، شاخص شدند و میراث فرهنگی برای ثبت ملی آن‌ها اقدام کرده است.

۱۸۰ هکتار بافت تاریخی در قزوین

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین با بیان اهمیت صیانت از بافت‌های تاریخی گفت: در استان قزوین ۱۸۰ هکتار بافت تاریخی داریم که بیشتر آن در شهر قزوین قرار دارد.

محمد علی حضرتی اظهار داشت: در این بافت بیش از ۱۰۰ خانه تاریخی هر کدام با معماری متفاوتی وجود دارد که برخی می‌تواند ویژگی‌های اقامت‌گردی بومی را داشته باشد و برخی در شهر قابلیت تبدیل شدن به هتل را دارند که باید مورد ارزیابی کارشناسی قرار گیرد.

وی تصریح کرد: بیشتر این خانه‌ها مالک خصوصی دارند و تعداد محدودی هم در اختیار میراث فرهنگی است که در رویکرد جدید شرایط لازم را برای استفاده از این مکان‌ها با تغییر کاربری فراهم خواهیم کرد تا ضمن ایجاد نشاط و شادابی در محله‌های تاریخی به رونق این مناطق کمک شود.



گرفتن کیفیت زندگی مهم نیست و ساختارهای شهری به هم ریخته است. اگر در گذشته مسکن محل آسایش بود امروز این آرامش را نداریم. به همین دلیل در شرایط کنونی نیازمند این هستیم که در مبانی معماری شهری تجدیدنظر کنیم.

شناسایی خانه‌های تاریخی قابل احیا توسط تشکلهای مردمی

الهام حاجی ملکی کارشناس ارشد مرمت بناها و بافت‌های تاریخی و دبیر انجمن دوستاران یادمان‌های ماندگار اظهار داشت: در این انجمن از سال ۹۴ با تشکیل کارگروه «حیات‌بخشی خانه‌های تاریخی قزوین» شناسایی خانه‌های تاریخی را باهدف حفظ و نگهداری آغاز کردیم که در این راستا تاکنون بیش از ۸۰ خانه واجد ارزش تاریخی شناسایی شده است.

وی بیان کرد: خانه به معنای کوچک‌ترین واحد اجتماعی در جامعه که سرمنشأ خوبی‌ها و زیبایی‌هاست همواره به دلیل تعداد، مالکیت‌ها و ارتباط تنگاتنگ با زندگی مردم در معرض تغییرات گسترده قرار گرفته و گستره خانه‌های ارزشمند در قزوین در محدوده‌ای از دروازه درکوشک تا امامزاده حسین (ع) قرار دارد و این محدوده بسیار بالارزش و تاریخی است که باید حفظ شود.

حاجی ملکی شاخص‌های بناهای تاریخی قزوین به‌ویژه خانه‌ها را در ارتباط تنگاتنگ با باغستان می‌داند و می‌گوید: در همه پلان‌های معماری قزوین درختان همچون باغی کوچک هستند و در برخی خانه‌ها به‌ندرت نارنجستان هم دیده‌شده است.

وی می‌افزاید: داشتن آب‌انبار برای تأمین آب در زمان کم‌آبی از دیگر ویژگی خانه‌های قزوین است و بافتخار باید اذعان کرد این خانه‌ها چه بزرگ و چه کوچک معماری کاملی دارند زیرا برای آسایش صاحب‌خانه همه چیز را پیش‌بینی کرده‌اند و مطبخ، حیاط، باغچه، انباری، زیرزمین، رف و سقف‌های منبت‌کاری شده و پنجره‌های ارسی برای نورگیری ملایم و حتی محل برگزاری آیین‌های مذهبی در این مجموعه به‌درستی سبب آسایش ساکنان آن بوده است.

حاجی ملکی می‌گوید: بسیاری به دلیل نداشتن شناخت از معماری ایرانی متأسفانه خیال می‌کنند خانه‌های قدیم به دلیل جمعیت کم شهرها و متمول بودن مالک این چنین به منصف ظهور رسیده‌اند اما پژوهش ما نشان می‌دهد در شهر قزوین همه شهروندان در کنار یکدیگر با سطوح اجتماعی مختلف زندگی می‌کرده‌اند و خانه‌ها اگرچه نمود ظاهری سطح زندگی است اما چیزی از ارزش‌های انسان کم نکرده است.

این کارشناس ارشد مرمت که با نگاهی حسرت‌آمیز از مقایسه این خانه‌ها با آپارتمان‌های کنونی صحبت می‌کند و از تفاوت خانه‌های تاریخی قزوین با سایر مناطق هم‌پرده برمی‌دارد و اظهار می‌کند: خانه‌های قزوین اگرچه در ظاهر شبیه تمام مناطق است، اما در حقیقت حتی شبیه خانه‌های واجد ارزش تهران هم نیست و ارتباط تنگاتنگی با باغستان، محیط و فرهنگ این منطقه دارد و شکلی از زندگی مردم این سرزمین است.

اگر ساعاتی در یک‌خانه ارزشمند وقت بگذراند آنچه روح شما را صیقل می‌دهد آرامش است و هیچ صدایی از بیرون دیوارهای خانه شما آزار نمی‌دهد وی می‌افزاید: خانه‌های تاریخی قزوین از سطح معابر و کوچه‌ها پایین‌تر و امنیت آن تأمین است، این خانه‌ها هم از سرقت محفوظ بوده و هم اهالی خانه با آزادی کامل و به‌دوراز چشم دیگران می‌توانند در خانه رفت‌وآمد کنند برخلاف آنچه که در خانه‌های امروزی نادیده گرفته شده است.

قبل این سنت‌ها برپا می‌شده و برای نمونه خانه حاج سید جوادی، امینی‌ها، رضوی‌ها، اخوی زادگان‌ها دارای حسینیه‌های خانوادگی هستند و ساکنان آن بانی بساط خیر بودند و تشخیص را هم حفظ می‌کردند.

مصالح خانه‌ها عمده خشت و آجر بوده و با توجه به توان مالی و بخش‌هایی که نیاز بوده با کاه‌گل یا در آب‌انبار با ساروج کار می‌شده استحضرتی داشتن آب‌انبار خانگی را از دیگر ویژگی خانه‌های تاریخی این سرزمین می‌داند که امکان ذخیره آب در تابستان کم آب را فراهم می‌کرد و آب‌انبار عمومی هم برای کسانی که توان مالی نداشتند در کوچه‌ها و معابر ساخته می‌شد.

وی در خصوص مصالح بناها می‌گوید: مصالح خانه‌ها عمده خشت و آجر بوده و با توجه به توان مالی و بخش‌هایی که نیاز بوده با کاه‌گل یا در آب‌انبار با ساروج کار می‌شده است.

حضرتی تعداد خانه‌های باقیمانده در شهر قزوین را حدود ۶۰ خانه تاریخی اعلام می‌کند و معتقد است در ۴۰ سال اخیر طرح‌هایی که در خیابان کوروش قزوین اجرا شد خیلی از خانه‌های تاریخی را از بین برده است.

وی اضافه می‌کند: در گذشته شهرها برای وجودشان منطبق زیستی داشتند اما چون امروز منطق اقتصادی حاکم شده دنبال کلان‌شهر شدن هستیم و دیگر در نظر

بیشترین استفاده را داشته باشد. حضرتی می‌گوید: ایرانی‌ها باید با بی‌آبی و کم‌آبی و بیابان‌زایی مبارزه می‌کردند لذا در معماری هم این ویژگی‌ها لحاظ می‌شد به همین دلیل خانه‌های قزوین در سطح پایین‌تر از کوچه قرار می‌گرفت و پله زیادی می‌خورد تا به آب برسد برای اینکه قنات در دسترس خانواده باشد.

به گفته حضرتی بخشی از خانه و در جنوب آن که آفتاب می‌گرفت با تخته‌بندی برای خشک کردن پسته، بادام و زردآلو استفاده می‌شد و فضاهایی مبتنی بر پذیرندگی داشت و یکی دیگر از ویژگی‌های معماری قزوین تورفتگی در معابر به نفع رهگذران بود که کارکرد آن به‌صورت پیرنشین و هشتی‌ها و نیم هشتی‌هایی که امکان استقرار رهگذران و سالمندان و شب‌نشینی محلی را فراهم می‌کرد.

مدیرکل میراث فرهنگی استان بیان کرد: تفکیک اندرونی از بیرونی در معماری و طراحی به‌گونه‌ای بود که امنیت و آرامش و آسایش خانه ایجاد شود و میهمانان اگر محرم نبودند در قسمت بیرونی پذیرایی می‌شدند و اگر محرم بودند به داخل خانه می‌آمدند.

حضرتی تصریح کرد: اختصاص فضاهایی برای مراسم عزاداری و روضه‌خوانی از دیگر ویژگی‌های معماری خانه‌های تاریخی در قزوین بود به‌طوری‌که از ۴۵۰ سال





حاجی ملکی اظهار داشت: خانه‌های تاریخی عایق صوت، گرما و سرمای منطقه قزوین است و صدای ساکنان خارج نمی‌شود تا همسایگان را آزار دهد و کاملاً متناسب با اقلیم و نیاز محلی ساخته شده و هم ظرف زندگی مردم است. اکنون نیز اگر ساعاتی در یک‌خانه ارزشمند وقت بگذارید آنچه روح شما را صیقل می‌دهد آرامش است و هیچ صدایی از بیرون دیوارهای خانه شما را آزار نمی‌دهد. وی می‌گوید: اگر قرار بود بانوی خانواده ساعت‌ها در خانه وقت بگذارد، باید محیط آرام و راحتی داشته باشد به همین دلیل معمار ایرانی با وجود باغچه، حوض، مطبخ، درخت، آسمان بکر، حریم و تمام عناصر تزئینی و سازهای امن این فضا را فراهم می‌کند تا ساعت‌ها بدون مزاحمت اغیار در خانه فعالیت کند و در این بین مصالح نیز آرامبخش است. به گفته حاجی ملکی، وقتی تناسب در همه ابعاد معماری رعایت می‌شود حتی مصالح و تزئینات نیز باهدف به کار می‌رود، آسمان در قاب حیاط نقش بسته می‌شود و استفاده از خشت و آجر و مصالح گرم به آرامش فضا کمک می‌کند.

آنچه در دانشگاه تدریس می‌شود کاربردی نیست/ خانه‌های امروزی خوابگاه است

حاجی ملکی در ادامه می‌گوید: باید معماری گذشته را درک کنیم ولی آنچه در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود نمی‌تواند نیازها را جوابگو باشد و کاربردی نیست لذا دانشجوی معماری و شهرسازی ما نمی‌تواند آموخته‌های خود برای تأمین نیازها به کار گیرد و همچنان رضایت عمومی جلب نمی‌شود و خانه‌های امروزی به‌هیچ‌وجه محل آسایش نیست بلکه تنها خوابگاه است.

حاجی ملکی اظهار داشت: در خانه‌های تاریخی معماری به‌گونه‌ای است که هیچ فضا و عنصری بی‌هدف و الا طراحی نشده، حتی شیشه‌های رنگی برای شکست نور و تلطیف نور خورشید تعریف و طراحی می‌شود و این شکست نور به آرامش خانواده کمک می‌کند اما امروز از این ویژگی هم بی‌بهره‌ایم و معماران ما حتی درک درستی از عنصر کوچک و در عین حال بالارزشی چون پنجره ندارند. این کارشناس ارشد معماری اضافه می‌کند: امروز فقط ساختمان می‌سازیم ولی معماری نمی‌کنیم و فضای خانه ایرانی در خانه‌های جدید گم شده و تناسب معماری در خانه‌ها رعایت نشده است و در این راستا برای تبلیغ معماری گذشته، کتاب سر درب‌های خانه‌های تاریخی قزوین باهدف حفظ الگوی «سر درب» به‌عنوان نمونه بارز عنصر معماری خانه در طراحی شهری، به‌زودی توسط انجمن یادمان‌ها منتشر می‌شود.

شهری چون قزوین که در همه زمان‌ها مشاهیر پرور است اکنون با معماری امروزی و با کدام محیط خانه واقعی قرار است بازهم مشاهیر پرور باشد؟ وی بیان کرد: زمانی که در دانشگاه تهران مشغول تحصیل بودم استادی می‌گفت: «گر من نیز پنج‌ره‌ای رو به باغ و درخت و آسمان آبی و حوضی پر آب داشتم بی‌شک شاعر می‌شدم» همان‌جا بود که پی بردم محیط زندگی (خانه) اولین معلم انسان است که روح انسان‌ها را پرورش می‌دهد. شهری چون قزوین که در همه زمان‌ها مشاهیر پرور است اکنون با معماری امروزی و با کدام محیط خانه واقعی قرار است بازهم مشاهیر پرور باشد؟

حامد مانی فر کارشناس معماری و شهرسازی که هم‌اینک مسئولیت مدیرکلی راه و شهرسازی استان را بر عهده دارد در خصوص معماری خانه‌های تاریخی دیدگاه‌هایی خاصی دارد. مانی فر گفت: معماری اسلامی و ایرانی شاخص‌هایی دارد که سطحی‌ترین نوع نگاه این است که اگر ساختمان ما دارای فرم نمای خاصی باشد معماری ایرانی اسلامی دارد اما در مراتب ارزش‌گذاری این نگاه در پایین‌ترین

سطح است و نشان می‌دهد هنوز به محتوا نرسیده‌ایم و می‌خواهیم ظاهر را درست کنیم. وی معتقد است ارزش معماری ما در گذشته این بود که در واقع محل ظهور تفکر و روش‌های زندگی مردم بود و هر جور فکر و زندگی می‌کردند و رابطه خویشاوندی داشتند و هر اقتصادی داشتند در معماری دیده می‌شد لذا در روستایی که دارای اقتصاد دامداری هست کاملاً نوع معماری آن با روستایی دیگر که کشاورزی بود فرق می‌کرد و این اقتصاد مقاومتی بود که بیشترین بهره‌مندی را داشت.

مانی فر معتقد است: این نوع تفکر در اقلیم‌های مختلف دیده می‌شد و شاخص‌های جغرافیایی و اقلیمی و محلی هم وارد مقوله اقتصاد معماری می‌شد و تأثیر خود را در معماری می‌گذاشت لذا معماری ما در حوزه‌های مختلف تفاوت کلانی ندارد اما در جزئیات متفاوت است، یکی در تزئینات جلو رفته و یکی در مصالح متفاوت است که تفاوت در محل و اقلیم است و همه در محتوا و بطن موضوع مشترک بودند.

مدیرکل راه و شهرسازی بیان می‌کند: استاد پیرنیا که پدر معماری سنتی است یک ویژگی را برای معماری ایرانی تعریف می‌کند و می‌گوید در معماری ایرانی «خودبسندگی» وجود دارد که اقتصاد مقاومتی است و خود را تأمین و مرمت می‌کند. وی می‌افزاید: اگر تابش آفتاب زیاد است جلوی ساختمان ایوانی می‌گذارد که سقف آن مانع نفوذ آفتاب می‌شود و در ساعاتی که لازم ندارد عمق ایوان به‌گونه‌ای است که با زاویه تابش تغییر می‌کند و هر جا نتوانست نور را کنترل کند با شیشه‌رنگی آن را کنترل می‌کند که در شهر یزد این خودبسندگی به‌بادگیر تبدیل می‌شود.

خودبسندگی در قزوین تبدیل به معماری چند طرفه و حیاط مرکزی می‌شود، حیاط مرکزی یک‌گونه جهانی است و در چهار گوشه خانه و در شمال و جنوب و مرکز دیده می‌شودمانی فر اظهار داشت: خودبسندگی در قزوین تبدیل به معماری چند طرفه و حیاط مرکزی می‌شود، حیاط مرکزی یک‌گونه جهانی است و در چهار گوشه خانه و در شمال و جنوب و مرکز دیده می‌شود.

وی می‌گوید: استفاده از شیشه‌های رنگی هم برای شکستن و تابش نور و گرمای تابستان است، لذا خانه‌ها در الموت، تاکستان و بوئین‌زهرها باهم فرق دارد و تفاوت اقلیم تغییر را باعث می‌شود، خودبسندگی بخشی هم در مصالح است و اگر محل اقامت مردم در کوهستان است برای

وقتی یک کوچه با ۵۰ قطعه پلاک خطی در دو سمت هست می‌توان فضایی در وسط کوچه و انتهای آن تعبیه کنیم تا زمینه ارتباط فراهم شودوی اضافه می‌کند: وقتی یک کوچه با ۵۰ قطعه پلاک خطی در دو سمت هست

برای ساخت‌وساز از سنگ و چوب استفاده می‌شود و چون خاک ندارند به سمت مصالح سنگ و چوب می‌روند و در حوزه دشت استفاده از سنگ کم شده به خاک اضافه می‌شود چون اقتصاد از باغداری به کشاورزی رفته و خانه‌ها خشتی می‌شود و استفاده حداقلی از چوب در تیر سقف دارند. وی بیان می‌دارد: زندگی روستایی ساده است و در معماری روستایی تزئینات دیده نمی‌شود و فقط در مساجد جامع و حسینیه‌ها تزئینات داریم و خانه‌ها ساده است چون مردم توان مالی ندارند و کمبود استادکار ماهر هم بوده اما در شهر چون درآمد بیشتر است تزئینات هست و در مجموع در معماری قزوین تزئینات در گچ‌بری و آئینه‌کاری و کارهای چوبی هم دیده می‌شود. مانی فر در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان الگویی از معماری تاریخی گرفت اظهار داشت: هم می‌توان الگو گرفت و هم نه، اگر فکر کنیم استفاده مفهومی است چون در معماری گذشته حریمیت و ارتباطات بین محله‌ای و همسایگی حفظ می‌شد یک سلسله مراتبی از شهر تا واحد مسکونی وجود داشت و مرکز شهر تعریف خود را داشت و در داخل خانه هم حریمیت دیده می‌شد شما همسایه را می‌دیدید و پیر نشین داشتیم و ارتباط واحد مسکونی با بیرون برقرار بود. مانی فر بیان کرد: در گذشته همسایه‌ها از هم خبر داشتند و حدیث دینی را عمل می‌کردند و چون همسایه را می‌شناخت و ارتباط داشت، کمک می‌کرد اما آیا فضای کالبدی امروز شهر موجب می‌شود که شما ارتباط داشته باشید؟ از این فیلتر که عبور می‌کردید همه نیازها تأمین می‌شد. وی می‌گوید: امروز هم می‌توانیم در واحدهای مسکونی آپارتمانی فضای جمعی مشترک ایجاد کنیم جایی برای ملاقات همسایه‌ها مانند سالن اجتماعات، استخر، سونا که هم‌دیگر را ببینند و طراحی ورودی خانه‌ها ما هم باید سلسله مرتب داشته باشد. در گذشته یک فرورفتگی در ورودی درب منزل وجود داشت و امروز درب‌های ورودی کمی عقب می‌رود، دو پلاک در جوار هم هستند و می‌توان جوری طراحی کرد که درب ورودی در کنار هم باشد و همسایه‌ها هم‌دیگر را ببینند و سلام و احوالپرسی کنند.

عباس زرنگار که خود یکی از باغداران بنام شهر قزوین است می گوید که باغ نیز یکی دیگر از میراث های گران بهای ماست که باید برای آن نیز ارزش قائل شد. وی اظهار می دارد: در نسل قدیم خستگی معنایی نداشت و کار بخش مهمی از زندگی روزانه است و من هم از همان نسلم، هر چند این خانه بزرگ و نگهداری از آن سخت باشد که نیست برای من لذت بخش است به همین دلیل بافتنار این بنای ارزشمند را نگهداری می کنم.

معماری اصیل احیا شود

خانه در میان سایر گونه های معماری به دلیل ارتباط تنگاتنگ با زندگی هر انسانی جایگاه ارزشمندی را داراست. به همین دلیل برای تنوع در طراحی از خرد فضاها تا کلان فضاها و تبدیل به عرصه های برای ایجاد فضایی مطلوب، همواره مورد توجه معماران گذشته بوده است. قزوین هم با داشتن محدوده های ارزشمند و تاریخی تعداد زیادی از این خانه های تاریخی را در دل خود جای داده است اما در میان طرح ها و مداخلات شهری خانه ها مورد بی مهری واقع شده اند و تعداد آن ها رو به کاهش است. حال اگر این عنصر کوچک ولی بالارزش اجتماعی از میان رود و تنها چند نمونه معدود آن هم با مداخلات فراوانی که در آن صورت می گیرد باقی بماند، قرار است این نمونه ها ضامن بقای کدام ارزش ها باشند؟

«خانه» نمونه باز معماری ایرانی-اسلامی است. زیرا تمام تلاش معماران و طراحان در گذشته ایجاد فضایی مطلوب برای ترویج سبک زندگی ایرانی بوده است چون انسان جایگاه والایی در جامعه دارد به همین دلیل باید خانه های تاریخی که دارای ارزش های زیبایی، فرهنگی، اقتصادی هستند شناسایی و حفاظت شوند و این نه به دلیل حفاظت از ساختمان تاریخی بلکه برای تداوم سنت و فرهنگ اصیلی بوده که در آن ها جاری است.

قزوین به دلیل ویژگی های تاریخی و شهرنشینی، چه در سطح معماری و چه در سطح شهرسازی همواره مورد توجه بوده بر همین اساس خانه به عنوان ارزشمندترین عنصر معماری و شهرسازی نیز باید مورد توجه باشد که تاکنون شهر قزوین نتوانسته در این زمینه تأثیر گذار باشد. شناسایی و حفاظت از خانه های تاریخی علاوه بر نگهداری از یک میراث تاریخی، الگویی برای معماران و دانشجویان خواهد بود تا بتوانند در عرصه دانشگاهی و اجرایی از الگوی خانه های ایرانی بهره مند شوند.



دارای چندین عملکرد جداگانه است. عنوان زمستان نشین و تابستان نشین هم در خانه دقیقاً متناسب با کاربری آن نام گذاری شده است. زیرزمین ها هم علاوه بر آن کاربرد مختلفی دارند. چنانچه در تابستان به عنوان فضای خنک خانه محل نگهداری مایحتاج زندگی است. به همین دلیل در برخی خانه ها زیرزمین ها هم دارای حوض هستند تا فضای مطلوب تری در تابستان برای ساکنین خانه ایجاد کنند.

وی حیاط خانه را قلب خانه می داند و اظهار می کند: اغلب خانه های قدیمی دارای درختان میوه همچون خرما، سیب، انجیر و ... هستند که برای ساکنان آن بسیار مورد احترام است. زرنگار در پاسخ به این پرسش که آیا حاضر به ترک این خانه و رفتن به خانه دیگری هست می افزاید: هرگز. سال ها با کمک فرزندانم که اکنون آن ها هم نسبت به این سرا بسیار متعصب هستند برای مرمت و نگهداری از این خانه زحمت کشیدیم و با تمام مشکلات توانستیم آن را حفظ کنیم. به علاوه کدام خانه و بنای امروزی مانند این مکان می تواند روح انسان را تعالی بخشد؟ من هر آنچه بدان نیاز دارم در این خانه موجود است و تمام تلاشم نگهداری از این ملک و میراث پدری است.

می توان فضایی در وسط کوچه و انتهای آن تعبیه کنیم تا زمینه ارتباط فراهم شود و به جای دوربردان در یک کوچه عنوان مرکز محله تعریف کنیم.

مانی فر در خصوص این که دانشگاه ها چه کمکی می توانند به معماری ایرانی کنند اظهار داشت: باید آنچه آموزش می دهند درست تبیین کنند، وقتی استاد پیرنیا می گوید «خودپسندگی» آن را تعریف کنیم و ارتباط بخش های مختلف را برقرار کنیم و اگر کسی ویژگی معماری را گفت از دانشجوی بخواهند آن را پیاده کند، دانشجو باید خودپسندگی را بفهمد و آن را در طراحی پیاده کند، یکی از ویژگی های معماری ایرانی، درون گرایی است و موضوعات را در داخل خود حل می کرده و ظهور و بروز در خارج کمتر بوده است.

وی با ابراز خرسندی از فعالیت جوانانی علاقمند در انجمن یادمان ها اظهار داشت: این انجمن به عنوان یک تشکل مردمی خوب کار کرده و اگر آن ها را جدی بگیریم می تواند به مسئولان و دلسوزان این عرصه کمک مؤثری کند.

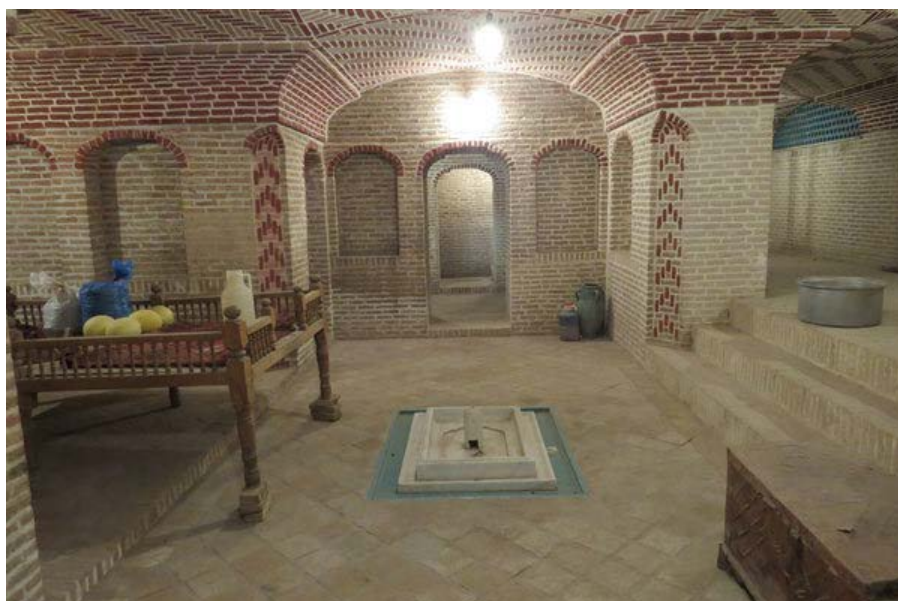
مالک خانه تاریخی: آرامش و آسایش را در خانه های تاریخی یافته ایم

در ادامه گزارش خانه های قزوین به سراغ یکی از مالکان بنای تاریخی به نام «عباس زرنگار» می رویم. وی مالک خانه تاریخی زرنگار در محله آخوند یکی از محله های قدیم و ارزشمند شهر قزوین است. زرنگار بیش از آن که خود را مالک بنا و خانه پدری بداند، خود را امانت دار و عاشق میراث خانوادگی می داند.

زمانی که دلیل ماندن و زندگی کردن در این خانه اجدادی را از وی پرسیدیم با اشتیاق خاطرات کودکی خود را بازگو می کند و از علاقه پدر و مادر خود به این بنای ارزشمند یاد می کند به همین دلیل خود را موظف به نگهداری از میراث پدری می داند.

وی معتقد است که خانه های قدیمی ویژگی هایی دارند که دیگر هرگز نمی توان آن را در خانه های امروزی یافت. یکی از ویژگی های اصلی این خانه ها را آرامش داشتن آن بیان می کند و این آرامش را روح بنا می داند و می گوید: در معماری، تزیینات، طراحی فضای خانه و تمام آنچه برای بناست، قابل لمس است.

زرنگار باعلاقه ما را به دیدن تک تک فضاهای خانه هدایت کرده و از کاربرد و نقش آن در تأمین نیازها و آسایش خانواده صحبت می کند. وی می گوید: ساختمان یک خانه



این خانه‌ها خاطر هشدند؛ از شاه‌نشین و مهتابی خانه تا حوض و نارنج



فاطمه حسینی

خانه‌هایی که خاطره شدند؛ از مهتابی‌خانه و حوض و نارنج تا حریم‌بندی و سلسله‌مراتب دسترسی، خانه‌های امروز دیگر رنگی از هویت و فرهنگ غنی ایرانی ندارد؛ یک مشت سنگ، سیمان، آهن و دیگر هیچ!

خانه‌های قدیمی بخشی از حافظه تاریخی یک شهرند. آن وقت‌ها که هنوز مردمان شهر در آهن و شیشه محصور نشده بودند، با خاک و سنگ، آب و آفتاب در بستر آگاهی و تجربه‌های دیرین، فضاهایی را سامان دادند که امروزه یادگارهای آن جزو میراث فرهنگی ما و آیندگان سرزمین است.

از کهن‌ترین آن‌ها که بگذریم به خانه‌هایی می‌رسیم که در کنار هم‌محله شدند و محله‌هایی که باهم یک شهر شدند. چند خانواده در یک حیاط، هر خانواده یک اتاق و گاه تنها پیوندشان همسایگی بود. هر فضایی از خانه و حیاط نامی داشت. هیچ فضایی بی‌هوده نبود و کاربردی روزمره داشت.

پدربزرگ و مادربزرگ؛ فرزندان، نوه و نتیجه که گاهی به ۲۰ نفر می‌رسیدند، همه بر سر یک سفره می‌نشستند. آن‌هایی که از دوردست‌ها آمده بودند با آنکه باورهای متفاوتی داشتند، خیلی زود با ساکنان قدیمی محله همسایه شدند، انگار که سال‌ها یکدیگر را می‌شناختند، هیچ کدام نسبت به هم احساس غریبی نمی‌کردند. خیلی دور نیست روزهایی که همسایگان عزیزترین و نزدیک‌ترین کسان هم بودند.

● محله بخشی از هویت آدم‌های یک شهر

یک ظرف آش نذری یا خوراکی اگر همسایه می‌آورد، به‌جایش تلافی می‌شد و این آداب کاسه همسا (کاسمسا) نام داشت. هیچ‌کس گرسنه نمی‌ماند، از سفره‌های همدیگر همسایه‌ها هم سهمی داشتند، دردی اگر بود شریک درد هم بودند، غمی اگر بود تا فراموشی غم کسی تنها نمی‌ماند.

عبور از کوچه‌پس‌کوچه‌های باریک محله، سلام و احوال‌پرسی، گپ و گفت رهگذران آشنا و همراهی آن‌ها راه را بر هم کوتاه می‌کردند تا راسته‌بازار، از بازار تا مسجد و هر جایی که نیاز روزانه زندگی بود، راهی نبود. عبور از کوچه‌پس‌کوچه‌های باریک محله، سلام و احوال‌پرسی، گپ و گفت رهگذران آشنا و همراهی آن‌ها راه را بر هم کوتاه می‌کردند و این‌گونه «محله بخشی از هویت آدم‌های یک شهر بود».

این روایتی از محله‌های قدیمی شهر کهن خرم‌آباد است، شهری که در گرداگرد اثری شگرف و ارزشمند چون فلک‌الافلاک شکل گرفته و در حاشیه «گال» به دره‌ای خرم و آباد تبدیل شده است.

● نقش خانه در سبک زندگی ایرانی

«خانه مکانی است که در آن فرد، ضمن حفاظت از خود در برابر عوامل آب و هوایی، می‌تواند از فشارها و محدودیت‌های جامعه به دور باشد. خانه مکانی است برای استراحت آدمی و آرامش ذهن». این موضوعی است که در روند امروز ساختمان‌سازی به نظر می‌رسد از آن غفلت شده است. مطابق این تعریف خانه از ابعاد مختلف فرهنگی، اخلاقی و انسانی دارای ارزش است به‌طوری‌که از دیدگاه قرآنی نیز

خانه به‌عنوان محلی برای تکامل، تعالی و سکون انسان یاد شده است.

در فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی خانه جزو میراث معماری ایرانی محسوب شده و دارای ویژگی‌های خاصی است که هم نیازهای معنوی و هم نیازهای مادی ساکنان خود را تأمین می‌کرده است. فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی خانه جزو میراث معماری ایرانی محسوب شده و دارای ویژگی‌های خاصی است که هم نیازهای معنوی و هم نیازهای مادی ساکنان خود را تأمین می‌کرده است.

باین‌وجود امروزه بافاصله گرفتن از سبک زندگی ایرانی - اسلامی شاهد تغییر معماری و سازه ساختمان‌های ایرانی نیز هستیم، به‌طوری‌که آشنفتگی بصری که در فضای امروزی شهرهای ما وجود دارد خود نیز سبک زندگی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده است و به نظر می‌رسد در این زمینه تعامل دوسویه‌ای بین سبک زندگی و خانه ایرانی وجود دارد.

با نگاهی به سبک معماری و ساختمان‌سازی گذشتگان ما به‌راحتی می‌توان فهمید که در شکل‌گیری خانه‌های سنتی عوامل زیادی نقش داشته‌اند که یکی از این عوامل مهم فرهنگ و سبک زندگی مردم یک منطقه بوده است. فرهنگ خود متأثر از مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات، روش‌های زندگی، ساختار خانواده، روابط اجتماعی، آئین‌های بومی و محلی و ... است، موضوعی که روش خانه‌سازی مردم در جای‌جای ایران از جمله لرستان و شهر خرم‌آباد را تحت تأثیر قرار داده است.

باین‌حال آثار چندانی در زمینه هویت محله‌های تاریخی و خانه‌های قدیمی این شهر تولید و تدوین نشده است و به نظر می‌رسد بررسی سازه، معماری و شهرسازی شهر خرم‌آباد و عناصر فرهنگی تأثیرگذار در نحوه شکل‌گیری شهرها و بناها نیازمند تدوین پژوهش‌های عمیق و گران‌سنگ است.

در کتابچه‌ای که به‌تازگی از سوی اداره کل میراث فرهنگی لرستان به همت «علیرضا فرزین» و «محمد محمدی اصل» در رابطه با سه خانه قدیمی خرم‌آباد (شامل خانه‌های قاضی، چاغروند و کشفی) منتشر شده اطلاعات و تصاویر جالبی در مورد هویت معماری و شهرسازی بافت قدیمی و تاریخی این شهر آمده است که بخش‌هایی از آن در این گزارش بازخوانی می‌شود.

● کشتی در محله درب باباطاهر

محله درب باباطاهر که در زمان محلی با عنوان «دربوطاهر» از آن یاد می‌شود یکی از محله‌های کهن شهر خرم‌آباد است که در ضلع جنوب غربی مجموعه کهن دژ و ارگ تاریخی قلعه فلک‌الافلاک واقع شده است.

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی که گاه به‌صورت تصادفی کشف و مشاهده شده، سکونت در این محله به حدود قرن پنجم هجری قمری می‌رسد.

از بناهای شاخص آن می‌توان به آرامگاه منسوب به شاعر عارف مسلک ایران باباطاهر (دوره سلجوقی)، کتیسه تخریب‌شده یهودیان (دوره صفویه) و خانه‌های مسکونی متعددی از روزگار قاجار و پهلوی اشاره کرد.

از این محله نگاهی به معماری و سازه دو خانه تاریخی «قاضی» و «کشفی» خواهیم داشت تا از رهگذر مرور کارکردها و المان‌های این خانه‌های تاریخی به رهیافتی برای ساختمان‌های مدرن و امروز دست یافت؛ باشد که فرصتی برای احیای فرم و معنای معماری بومی خرم‌آباد در شهرسازی جدید باشد.

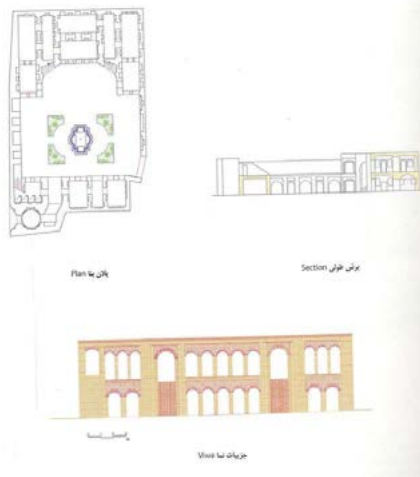
● مقصد: گذر باباطاهر؛ خانه قاضی

این اثر تاریخی یکی از خانه‌های زیبا و به نسبت بزرگ موجود در بافت قدیم شهر خرم‌آباد است. خانه قاضی در محله درب باباطاهر (دربوطاهر) و گذر معروف آن کوچه باباطاهر قرار دارد.

تاریخ ساخت آن مربوط به اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی اول است. خانه متعلق به «شیخ ابوطالب قاضی» معروف به «آخوند ابوطالب» (آخوند ابو) است. قاضی‌های خرم‌آباد از خاندان‌های قدیمی شهر محسوب می‌شوند که از اوایل دوره قاجار در لرستان منصب قضاوت داشته‌اند.

خانه معروف به قاضی در دو جبهه مسکونی شمالی و جنوبی به مساحت تقریبی ۷۳۰ مترمربع ساخته شده است. جبهه شمالی (جبهه اصلی بنا) در دو طبقه احداث و فضاهای اصلی خانه را در خود جای داده است.

تورفتگی نسبتاً بزرگ جلوی بنا به تنوع و زیبایی نمای آن افزوده و باعث گسترش سطح نورگیری فضاها شده است. جبهه جنوبی شامل چند اتاق، مطبخ، راهرو، سردر و هشتی زیبایی خانه است. این بخش از خانه در یک طبقه (کوتاه‌تر از جبهه اصلی بنا) احداث شده؛ این امر باعث تابش نور



خورشید در زمستان به میان سرا (خوش یا قِلا) و جبهه جنوبی می‌شود.

پشت‌بام بخش جنوبی بنا، فضای مهتابی دل‌نشینی را پدید آورده که در ماه‌های گرم سال به‌ویژه شب‌های تابستان فضای مناسبی برای هم‌نشینی و خواب افراد خانواده بوده است. همچنین پشت‌بام بخش جنوبی بنا، فضای مهتابی دل‌نشینی را پدید آورده که در ماه‌های گرم سال به‌ویژه شب‌های تابستان فضای مناسبی برای هم‌نشینی و خواب افراد خانواده بوده است.

شرق بنا به‌صورت یک دیوار ساده و قسمت غرب دارای چند طاق نما است. در گذشته از این طاق‌نماهای به نسبت کوچک برای فضاهایی نظیر انبار هیزم (هیمه دو)، فضای پخت‌پز نان (مطببخ) در اوقات گرم سال استفاده می‌شده است.

گویا در گذشته (علاوه بر میان سرای موجود) در ضلع شرقی بنا هم یک باغچه کوچک از درختان میوه وجود داشته است. آب مصرفی خانه و باغچه مذکور از طریق نهر گرداب (گرداو) که از ضلع شرقی بنا می‌گذرد تأمین می‌شده است.

اما در جبهه اصلی بنا در طبقه همکف دو فضای بلند و کشیده به نام تنبی (تنبیه) وجود دارد در اینجا معمار بنا برای کاهش اثر کشیدگی این فضاها آن‌ها را به دو قسمت تقسیم کرده است. در مرکز این جبهه خانه اتاق پنج‌دری و فضای پشتی متصل به آن قرار دارد که در گویش محلی به این فضا پستو خانه (دما خونه) اطلاق می‌شود.

در فضای مابین تنبی‌ها و پنج‌دری دو اتاق به نسبت کشیده قرار گرفته که پستو نامیده می‌شود. در طبقه اول همانند طبقه همکف دو تنبی کشیده در دو طرف و یک پنج‌دری در مرکز جبهه وجود دارد. در اینجا و در پشت پنج‌دری فضای پیوسته و بزرگ‌تری به نام شاه‌نشین یا تالار قرار دارد.

از این دو فضای به‌هم‌پیوسته - پنج‌دری و شاه‌نشین یا تالار - برای پذیرایی و مهمان‌استفاده می‌شده است. در جبهه جنوبی بنا نیز دو اتاق کوچک دو دری با راهرویی در میان و با کارکردهایی چندگانه وجود دارد.

بدین ترتیب بیشتر فضاهای عمومی نظیر دودری، مطبخ و فضاهای مورد استفاده روزمره خانواده در طبقه همکف و فضاهای مربوط به پذیرایی از میهمان و نشیمن در طبقه نخست بنا بوده است.

خانه قاضی در مجموع دارای ۱۵ اتاق کوچک و بزرگ (دودری، سه‌دری، تنبی و ... و دالان، هشتی، ورودی، مطبخ، آبریزگاه (کنار آو)، انبار و... است. پی‌خانه از سنگ لاشه، دیوارها از خشت و آجر است.

آسمانه‌های بنا (سقف) از طلاق آجری (معروف به طاق سیس در گویش محلی) در بخشی از آسمانه همکف و تیرپوش‌های چوبی در طبقه اول ساخته شده است. برای

بخش‌های مختلف خانه تاریخی قاضی	کاربرد مبتنی بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی
ورودی اصلی	در بیشتر خانه‌های سنتی، درهای ورودی دو لنگه و چوبی هستند و هر لنگه کوبه‌ای نیز دارد. زن‌ها حلقه‌ای که صدای زیری داشت را به صدا در می‌آوردند و مردها کوبه چکشی شکل را که صدای بمی داشت. با به صدا در آمدن هر یک از این کوبه‌ها صاحب‌خانه مطلع می‌شد که آیا زن پشت در است یا مرد. اگر زن بود، زن می‌رفت در را باز کند و اگر مرد بود، مرد می‌رفت و این چنین مهمان آورده نمی‌شد.
طاق‌های چهاربخشی و عرق چین هشتی	هشتی‌ها اغلب به شکل هشت‌ضلعی یا نیمه هشت‌ضلعی و یا بیشتر مواقع چهارگوش است. هشتی دارای سقفی کوتاه و یک منفذ کوچک نور در سقف گنبدی شکل آن است و عموماً سکوهایی برای نشستن در آن طراحی شده است. پذیرایی موقت از مراجع‌کننده‌ای که به اتاق پذیرایی دعوت نشده است از کارکردهای این فضا است. میهمانان غریبه و نامحرم بعد از پذیرایی اولیه در این فضا در صورت تمایل، دعوت به بخش بیرونی با حفظ حریم اندرونی می‌شدند.
حوض آب	آب آن از نهر تأمین و برای کاستن گرما و تأمین رطوبت هوا، وضو ساختن، شستشو و ذخیره آب و آبیاری ساخته می‌شده است. حوض دارای مفاهیم نمادین نیز هست، چنان‌که گاهی آن را منعکس‌کننده تصویر آسمان و پیونددهنده فضای زمینی و آسمانی دانسته‌اند.
دو دری و سه‌دری و محل دسترسی به مهتابی خانه	بهار خواب همان مهتابی است. این فضای بدون سقف در مجاورت حیاط و در طبقات بالاتر از اول ساخته می‌شده و شب‌های تابستان در آن می‌خوابیدند و بسته به محل استقرار آن، در ساعاتی که دیوارهای اطراف بر آن سایه مناسب می‌انداخته از آن استفاده می‌شده. در بهار و پاییز در تمام ساعات روز و در تابستان شب‌ها قابل استفاده بوده است.
اتاق تنبی	اتاق‌هایی بودند که نسبت به تالار اهمیت کمتری داشتند و از اتاق‌های ساده مهم‌تر بودند. نشیمن، محل تجمع افراد خانواده و مهمان‌های بسیار نزدیک به حساب می‌آمد این عناصر از نظر تزئینات بسیار ساده بودند.
اتاق پنج‌دری شاه‌نشین (مهمان‌خانه)	شاه‌نشین‌ها به‌عنوان مهم‌ترین اتاق خانه با تزئینات خاصی همراه و محل پذیرایی مهمانان بوده است. از جمله موارد تطابق معماری خانه با فرهنگ اسلامی را می‌توان در اهمیت معماری اتاق پذیرایی مشاهده کرد، زیرا بهترین فضای خانه و زیباترین جای آن به این اتاق اختصاص یافته است تا به دستور اسلام در تکریم مهمان و اختصاص بهترین مکان خانه به او عمل شود.
حیاط	در خانه‌های قدیمی مرکز و قلب ساختمان بوده است. حیاط مرکزی همراه با ایوان در هر سمت، ویژگی بود که از گذشته‌های دور در معماری ایرانی به چشم می‌آمد. حیاط محلی برای برگزاری مراسم مختلف نظیر مراسم مذهبی، عروسی و تجمع اقوام بود.
فضای سبز محوطه حیاط با درختان نارنج	حیاط و باغچه پیوند فرخنده زیبایی و سودمندی است. در یک حیاط به عبارتی در یک نگاره تجسم و بعد یافته، آب، گیاه، خورشید، باد، هریک به نحوی، از طریق فن‌شناسی سنتی به کار گرفته می‌شوند، و مجموعه‌ای هماهنگ از کاربری‌های زیست‌محیطی را فراهم می‌آورند.

برخی کارکردهای فضاهای داخلی خانه تاریخی قاضی	
تورفتگی نسبتاً بزرگ جلوی بنا	* به تنوع و زیبایی نمانافزوده است * باعث گسترش سطح نورگیری فضاها شده است
جبهه جنوبی شامل چند اتاق، مطبخ، راهرو، سردر و هشتی زیبای خانه است. این بخش از خانه در یک طبقه (کوتاه‌تر از جبهه اصلی بنا) احداث شده است.	* این امر باعث تابش نور خورشید در زمستان به میان سرا (خوش یا قِلا) و جبهه جنوبی می‌شود
پشت‌بام بخش جنوبی بنا، فضای مهتابی دل‌نشینی را پدید آورده است.	* در ماه‌های گرم سال به‌ویژه شب‌های تابستان فضای مناسبی برای هم‌نشینی و خواب افراد خانواده بوده است
شرق بنا به‌صورت یک دیوار ساده و قسمت غرب دارای چند طاق نما است.	* در گذشته از این طاق‌نماهای به نسبت کوچک برای فضاهایی نظیر انبار هیزم (هیمه دو)، فضای پخت‌پز نان (مطببخ) در اوقات گرم سال استفاده می‌شده است
نمای داخلی بیشتر از آرایه‌های گچ‌بری ساده و ارسی‌ها دارای اشکال هندسی بدیعی است که در ترکیب با شیشه‌های رنگی نمای زیبایی را پدید آورده است.	* زیبایی بنا
گویا در گذشته (علاوه بر میان سرای موجود) در ضلع شرقی بنا هم یک باغچه کوچک از درختان میوه وجود داشته است.	* فضای سبز، تأمین میوه، استفاده از سایه، خنکی و تأمین اکسیژن



استحکام و حفظ یکپارچگی بیشتر در داخل و نمای بیرونی از کش های چوبی برای تقویت دیوارها استفاده کرده‌اند. خانه قاضی دارای آرایه‌های تزئینی موقر و زیبایی است. نمای بنا به‌تمامی از آجر ساخته شده است. تزئینات آجری بیشتر به‌صورت خفته‌وراسته ساده و خفته‌وراسته برجسته است.

در رخ‌بام بنا از آرایه‌های آجری موسوم به «زبان گنجشکی» و در سقف فضاهای طبقه همکف از تزئینات «خفته‌وراسته» آجری استفاده شده است. نمای داخلی بیشتر از آرایه‌های گچ‌بری ساده و ارسی‌ها دارای اشکال هندسی بدیعی است که در ترکیب با شیشه‌های رنگی نمای زیبایی را پدید آورده است.

اغلب ساکنین این خانه که عمر سکونت آن‌ها به حدود سه نسل می‌رسد از یک تبار بوده و تمامی فضاها در اختیار خودشان بوده است.

خانه قاضی به لحاظ دارا بودن سبک دوره معماری قاجار یکی از نمونه‌های بارز این دوره در شهر خرم‌آباد است. بنا به روایت ریش سفیدان و آگاهان محلی معماران این خانه‌ها اکثراً بومی بوده‌اند. آن‌ها با الهام از سبک و سیاق معماری قاجار و استفاده از مصالح بومی سازگار، این‌گونه بناها را به یادگار گذاشتند.

● خانه کشفی؛ یادگاری ارزشمند

خانه کشفی در محله حکیم‌آباد و در کوچه‌ای به نام کشفی، در سراسیمبی معروف به کوچه کشفی (بناری آقا محمود) قرار گرفته و یادگاری ارزشمند از خانه‌های تاریخی دوره قاجار خرم‌آباد است. این خانه متعلق به شخصی به نام سید محمود کشفی است.

خانه کشفی به مساحت تقریبی ۱۹۲ مترمربع و زیربنای ۱۰۸ مترمربع، در یک جبهه اصلی در دو طبقه با محوریت شرقی - غربی ساخته شده است. این بنای تاریخی از شمال و شرق به خانه‌های موجود در بافت قدیم محله و از دو جهت دیگر متصل به گذر است. ورودی بنا نیز در جبهه جنوبی بنا واقع شده است.

ابعاد خانه در جهت چهارگانه با هم برابر نیست و کشیدگی ضلع شمالی، زمین را به‌صورت یک دوزنقه درآورده است. این ناهمگونی در جبهه مسکونی خانه حل شده است. در طبقه همکف مجموعه پله و فضای پیوسته زیر آن در مرکز قرار گرفته که نقش ارتباط‌دهنده فضاهای این مجموعه را به عهده دارد.

افزون بر آن چهار روزن کوچک در ارتفاع پله‌ها مکان یابی شده که نور کمی به فضای زیر پله که راهروی ارتباطی بین دو اتاق است، می‌تاباند. در جنوب این جبهه یک اتاق سهدری و انباری کوچک قرار دارد. بخش شمالی نیز از سهدری به انضمام فضایی در پشت این اتاق و یک انباری کوچک تبدیل شده است.

در طبقه اول بعد از گذر از پله‌های ورودی به فضایی راهرو مانند می‌رسیم. در انتهای این راهرو پله دیگری قرار دارد که به اتاق میهمان‌خانه منتهی می‌شود. در سمت چپ فضای راهرو یک اتاق سهدری قرار گرفته است.

نمای خانه ترکیبی است از آرایه‌های آجری «خفته‌وراسته» و «زبان گنجشکی» که در ترکیب با پنجره‌های چوبی و ارسی، نقوش و شیشه‌های رنگی نمای زیبا و منحصر به فردی را ایجاد کرده است. این بنا به جهت دوزنقه بودن زمین، فضای باقی مانده مثلی شکل پشت راه‌پله دوم به‌صورت یک فضای انباری درآمده و با تمهیدات معمارانه به اتاق سهدری این بخش متصل شده و در سمت راست راهرو، اتاق سهدری کشیده‌ای قرار گرفته که در انتهای خود یک فضای انباری کوچک بدان ضمیمه شده است. به‌منظور کاهش اثر روانی کشیدگی طولی اتاق، ستونی در میانه و نیم ستونی در طرفین آن قرار دارد.

مدرن و امروزی انجام نشده است. امیدی نسب این موضوع را از ضعف‌های پژوهشگران حوزه علوم فنی و مهندسی می‌داند و معتقد است که در رشته‌های علوم انسانی کارهای پژوهشی تطبیقی مناسبی انجام می‌شود.

این دکترای عمران ادامه می‌دهد: اگر مهندس معمار و سازه با این دید که چه الگوهایی از گذشته می‌توان گرفت و در ساختمان‌های امروزی استفاده کرد وارد میدان می‌شدند می‌توانستیم به نتیجه‌بخش بودن فعالیت‌ها در این زمینه امیدوار باشیم.

● توفیقی نداشته‌ایم

وی البته به یک مانع پیش روی احیای فضای خانه‌های قدیمی در ساختمان‌های مدرن هم اشاره می‌کند و می‌گوید: سبک معماری و ساختمان‌سازی گذشته نیاز به زمین بیشتری دارد در صورتی که در حال حاضر اکثر مردم در فضاهای کوچکی مثل آپارتمان زندگی می‌کنند که امکان ایجاد این‌گونه فضاها را ندارد.

امیدی نسب ادامه می‌دهد: البته در زمینه انتقال و احیای کارکردهای خانه‌های قدیمی مانند استفاده حداکثری از انرژی‌های پاک و تجدید پذیر مانند انرژی خورشید، باد و تعبیه فضاهای با کاربری نورگیری در ساختارهای جدید می‌توان قدم‌های خوبی برداشت.

وی تحقیق و در نظر گرفتن اعتبار برای انجام کارهای پژوهشی خوب و کاربردی را ضرورت تحقق سند چشم‌انداز در زمینه احیای سبک معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی می‌داند و یادآور می‌شود: مرحله بعد وضع قوانین، مقررات و ضوابط بر اساس پژوهش‌های انجام شده است؛ سپس دستگاه‌های اجرایی مرتبط می‌توانند وارد عمل شوند.

امیدی نسب در مورد وضعیت کنونی هویت شهرهای مختلف کشور معتقد است که در تحقق معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی توفیقی نداشته‌ایم.

این دکترای سازه یادآور می‌شود: از طرف دیگر چون متولیان حوزه ساخت‌وساز چند نهاد یا ارگان هستند این امر موجب فعالیت جزیره‌ای در این بخش شده و فعالیت‌ها هم قابل نظارت نیست. شاید اگر یک نهاد یکپارچه یا سازمان یا وزارت خانه مسئول باشد بهتر و بیشتر می‌شود نظارت و از فعالیت جزیره‌ای جلوگیری کرد.

● حرکتی از پوسته تا معنا

فاطمه رستمی استاد دانشگاه و کارشناس ارشد معماری در مورد احیای کارکردها، ساختمان‌ها و المان‌های مربوط

ستون‌ها از نوع گچی دارای سرستون‌های زیبایی با نقوش گیاهی گل و برگ هستند. نهر مشهور به گرداب (گرداو) از زیر این خانه عبور می‌کند. به‌رغم اینکه (در حال حاضر) شواهدی مبنی بر تمهیدات معماری خاص برای دسترسی مستقیم به آب نهر در این خانه به چشم نمی‌خورد، گمان می‌رود که در اینجا هم چون خانه‌های قرار گرفته در مسیر نهر (خانه چاغرونند، خانه مرحوم سیف‌الله خان والی زاده و...) سازوکارهای بدین منظور ایجاد کرده باشند.

آسمانه خانه در طبقه همکف از نوع طاق گهواره‌ای (سیس) در گویش محلی) و در طبقات اول و دوم از نوع تیرپوش چوبی است و مصالح عمده به‌کاررفته در بنا عبارت‌اند از خشت، گل و آجر.

نمای خانه ترکیبی است از آرایه‌های آجری «خفته‌وراسته» و «زبان گنجشکی» که در ترکیب با پنجره‌های چوبی و ارسی، نقوش و شیشه‌های رنگی نمای زیبا و منحصر به فردی را ایجاد کرده است.

موقعیت خاص قرارگیری پنجره‌های این خانه روزگاری چشم‌انداز بدیعی به باغات جنوب شهر، کوه‌های رو به روی آن و همچنین مجموعه تاریخی قلعه فلک الافلاک داشته است. اکنون نیز می‌توان از لابه‌لای سازه‌های جدید به گوشه‌هایی از این چشم‌اندازها چشم گشود.

● مطالعات زیادی انجام نشده است

دکتر فریدون امیدی نسب دکترای عمران در این رابطه معتقد است که امکان احیا و انتقال بعضی از المان‌ها و کارکردهای مربوط به سبک ساختمان‌سازی خاص هر منطقه به ساختمان‌های مدرن وجود دارد و البته تأکید می‌کند بر سر راه تحقیق این امر موانعی وجود دارد.

وی با یادآوری اینکه متأسفانه مطالعات زیادی در این زمینه انجام نشده است، می‌گوید: با مطالعه و تطبیق می‌توان نسبت به احیا و انتقال سبک معماری و شهرسازی ایرانی اقدام کرد.

متأسفانه افرادی که در زمینه ساختمان‌های سنتی، قدیمی و تاریخی کار می‌کنند بیشتر از دیدگاه تاریخی تحقیق انجام می‌دهند و به‌طور عمده معمار و باستان‌شناس هستند. امیدی نسب یادآور می‌شود: متأسفانه افرادی که در زمینه ساختمان‌های سنتی، قدیمی و تاریخی کار می‌کنند بیشتر از دیدگاه تاریخی تحقیق انجام می‌دهند و به‌طور عمده معمار و باستان‌شناس هستند.

وی بر لزوم انجام کار علمی و تطبیقی در حوزه «سازه» تأکید کرده و می‌گوید: متأسفانه مطالعات و پژوهش تطبیقی برای انطباق ساختار خانه‌های سنتی و بومی با ساختمان‌های

تاریخی وجود دارد به این موضوع رجوع نکرده‌اند و ادامه می‌دهند: خلاً قانونی امروز ما را برای احیای معنا و فرم‌های معماری بومی و ایرانی آزار می‌دهد و این آسیب‌زا است.

این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: به نظر من احیای معماری ایرانی - اسلامی بر اساس تأکیدات سند چشم‌انداز توسعه کشور تعامل هوشمندانه بین قوانین و مقررات از یک سو و پیوند مهندسان و مسئولان در حوزه اجرا می‌خواهد و اگر از تخصص‌های مختلف برای پیوند این دو بخش استفاده نشود راه به‌جایی نخواهیم برد.

رستمی ادامه می‌دهد: امروز شاهد هستیم که بین طراحی و اجرای ساختمان‌ها فاصله افتاده، طرح پیشنهادی از سوی طراح و معمار گاهی اجرا نمی‌شود و جمیع این مسائل باعث شده که پروژه‌های عمرانی سهل‌انگانه طراحی و اجرا شوند.

اگر قانون‌گذاران ما قانون شفاف و با ضمانت اجرایی تدوین کنند می‌توان به احیای معماری ایرانی - اسلامی امیدوار بود چراکه امروز در برخی موارد شاهد هستیم که یا قانون سکوت کرده و یا عملیاتی نمی‌شود و عمده نقدش را به سمت خلأهای قانونی می‌برد و معتقد است که اگر قانون‌گذاران ما قانون شفاف و با ضمانت اجرایی تدوین کنند می‌توان به احیای معماری ایرانی - اسلامی امیدوار بود چراکه امروز در برخی موارد شاهد هستیم که یا قانون سکوت کرده و یا عملیاتی نمی‌شود.

این کارشناس ارشد معماری با یادآوری اینکه فاصله تدوین سند تا عملیات در این حوزه زیاد است، تأکید می‌کند: امروز باید رجوع کنیم به تجربه‌های تاریخی خود و ببینیم در خرم‌آباد چه امکاناتی داریم که می‌تواند وارد فرآیند طراحی و اجرا در حوزه معماری و شهرسازی شود.

رستمی «منظر شهری» خرم‌آباد را از دیگر موضوعات قابل نقد می‌داند و تأکید می‌کند که متأسفانه تعامل جدی میان مشاوران، طراحان و مجریان وجود ندارد به‌طوری‌که حتی اگر معمار متعهدی باشیم و در معماری و طراحی المان‌ها و طراحی فضاها منطبق با سبک معماری بومی و فرهنگ اسلامی طراحی کنیم متأسفانه در اجرا شاهد تغییراتی هستیم و عملاً کارها اتر می‌ماند.

این استاد دانشگاه حرف‌هایش را این‌گونه می‌بندد: انتظار می‌رود متولیان روند ساخت و سازها را رصد کنند و با نظارت جدی‌تر در حوزه منظر شهری، کنترل شود که آیا طراحی‌ها به‌خوبی اجرا می‌شود یا روی کاغذ و نقشه باقی می‌ماند.

و شاید بیشتر طراحی‌ها روی نقشه‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند، مانند خاطره خانه‌های تاریخی که حالا غبار گرفته و کارکرد فضاهای مختلف آن در کوران ساختمان‌سازی مدرن تنها در آلبوم آثار تاریخی و میراث فرهنگی جا خوش کرده است، حرکت جدیدی نیاز است، باید طرحی نو درآید، طرحی شایسته و پایسته فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی.



می‌شود: ما می‌توانیم خصوصیات مدرن را در کنار ویژگی‌های فرهنگی و هویتی در معماری امروز داشته باشیم.

این استاد دانشگاه در ادامه سخنان خود به معماری خاص و بومی خرم‌آباد هم می‌پردازد و می‌گوید: مهم‌ترین رکن ساختمان‌های قدیمی خرم‌آباد احداث آن متناسب با اقلیم خاص این شهر به‌منظور استفاده حداکثری از انرژی گرمایشی و نور خورشید بوده است.

ساختمان‌های شمالی در محله‌های قدیمی خرم‌آباد در دو طبقه و خانه‌های جنوبی در یک طبقه احداث می‌شده است رستمی ادامه می‌دهد: اگر دقت کنیم ساختمان‌های شمالی در محله‌های قدیمی خرم‌آباد در دو طبقه و خانه‌های جنوبی در یک طبقه احداث می‌شده است که این تصمیم کاملاً به خاطر اقلیم خاص این شهر بوده است.

این محقق و پژوهشگر بحث سایه‌اندازی‌ها و نوردهی را از ارکانی می‌داند که در خانه‌های قدیمی از جمله خانه قاضی به آن توجه شده است و یادآور می‌شود: از این موارد باید درس شیوه ساختمان‌سازی مبتنی بر شرایط اقلیمی را بگیریم.

«تاریخ بهترین تجربه‌ها و درس‌ها را به ما می‌دهد»، نکته‌ای که فاطمه رستمی روی آن تأکید دارد و برای این موضوع شاهد مثال می‌آورد و می‌گوید: در بررسی که روی مقاطع دیوارهای خانه تاریخی قاضی خرم‌آباد داشته‌ام متوجه شدم که این دیوارها به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که کاملاً مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان در بحث بهره‌وری انرژی را پاس‌خو بوده‌اند. این نقش توجه به اقلیم در ساختمان‌سازی را نشان می‌دهد تا ساختمان‌های ما هم در تابستان و هم در زمستان بتوانند بهترین کارکرد عایق را داشته باشند.

● مشکل همیشگی خلأ قانونی

فاطمه رستمی که پایه‌یک معماری دارد در ادامه حرف‌هایش تلنگری به ضعف‌های موجود در حوزه شهرسازی امروزی ما می‌زند و می‌گوید: چیزی که الان می‌بینیم حاصل قوانین نامناسبی است که بر شهرهای ما از جمله خرم‌آباد حاکم است.

وی معتقد است مشاورانی که طرح‌های جامع شهری را تدوین می‌کنند به‌رغم تأکیدی که روی نگاه و مطالعات

به معماری و شهرسازی گذشته در ساختمان‌سازی مدرن و امروزی نکات قابل تأمل و مهمی دارد.

وی معتقد است که به‌جای پرداختن به «پوسته» معماری ایرانی باید به «معنای» این سبک معماری و ساختمان‌سازی پرداخت و نسبت به احیای معنا در قالب ساخت‌وسازهای امروزی اقدام کرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای خرم‌آباد با تأکید بر اینکه خانه‌های امروزی باید معرف معماری، اصالت و شخصیت بومی و ملی ساکنان آن باشند، می‌گوید: موضوع «حریم بندی» خانه‌ها نکته مهمی است که در معماری و فضای خانه‌های قدیمی و سنتی ما به آن توجه جدی می‌شده ولی امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

«باید معناها را از معماری قدیمی بگیریم» این موضوعی است که فاطمه رستمی روی آن تأکید دارد و معتقد است: «سلسله‌مراتب دسترسی» در خانه‌های قدیمی و «تعیین حریم» باید در ساختمان‌های امروزی نیز احیا شود.

وی با یادآوری اینکه در خانه‌های قدیمی جای مهمان مشخص بود و حتی برای در زدن نیز زن و مرد هر کدام کوبه‌ای با صدای خاص خود را داشتند، می‌گوید: فراموش نکنیم هرچقدر که ما مدرن شویم شخصیت ایرانی و هویت اسلامی ما تغییر نکرده است و باید این هویت و شخصیت را در خانه‌هایمان هم احیا کنیم.

این پژوهشگر حوزه معماری تأکید می‌کند: انتقال معنای معماری ایرانی به این معنی نیست که پوسته یعنی طاق و قوس‌ها را منتقل کنیم، قوسی که در ساختمان‌های قدیمی وجود دارد به این دلیل است که تکنیک دیگری برای دهانه‌های وسیع وجود نداشته، بلکه باید معنای این نوع معماری را بگیریم و منتقل کنیم.

● اقلیم، اقلیم و اقلیم

رستمی نکته قابل تأمل دیگری نیز دارد و آن هم موضوع «بوم اور» بودن مصالح در معماری گذشتگان ماست، در این مورد توضیح می‌دهد: بحث بوم اور بودن، خودبستگی، مردم‌واری و پرهیز از بیهودگی چهار شاخصی است که اساتید این حوزه برای معماری گذشته ما برمی‌شمارند. وی تلفیق معنای معماری سنتی و قالب مدرن را منجر به شکل‌گیری معماری پست‌مدرن منطبق بر هویت و شخصیت بومی و ملی هر منطقه می‌داند و یادآور

کارکردهای قابل احیای معماری گذشته در ساختمان‌سازی مدرن

- لزوم حریم بندی خانه‌ها متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی
- ایجاد سلسله‌مراتب دسترسی به فضاها و بخش‌های مختلف خانه
- بوم اور بودن مصالح متناسب با اقلیم منطقه
- پرهیز از بیهودگی در طراحی و اجرای فضاها
- احداث بنا متناسب با اقلیم به‌منظور استفاده حداکثری از انرژی گرمایشی و نور خورشید و بهره‌وری انرژی

پیوند معماری، اقلیم و سبک زندگی؛ خانه‌هایی که در گذشته جاماندند

خانه‌های قدیمی همدان تجلیگاه پیوند میان زیبایی‌های معماری ایرانی، توجه به اقلیم و سبک زندگی اسلامی بوده‌اند، خانه‌هایی که در گذشته جامانده تا شاهد تغییرات جدی در سبک زندگی مردم باشیم.



پروین قادری
دانشمند

استان همدان هزار و ۸۲۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و در گستره‌ای به مساحت ۱۹ هزار و ۵۴۷ کیلومترمربع در غرب ایران قرار گرفته است. مرکز این استان پیشینه‌ای کهن دارد به طوری که در دوره اشکانی و ساسانی یک مرکز مهم اداری - بازرگانی بوده و به مرور بر محور مسجد جامع و بازار گسترش یافته و مورد توجه قرار گرفته است.

شهر همدان از ساختارهای مذهبی همچون مساجد و آرامگاه‌ها برخوردار بوده و تعدد محله‌ها و مراکز محله‌ای با بناهایی همچون مساجد و بناهای عمومی همراه بوده که شمه‌ای از اوضاع اجتماعی و ساختار معماری محلات شهر همدان را نشان می‌دهد.

همدان در گذشته‌های نه چندان دور دارای محله‌ها و آبادی‌های فراوانی بوده و نزدیک به ۳۰ کوی و محله داشته که به دو صورت «گره» و حالت «مطول» یا «دراز» طراحی و ساخته شده بودند.

محله قدیمی جولان همدان

برای مرور ساختار معماری و شهرسازی همدان از محله‌های این شهر شروع می‌کنیم و سپس سراغ خانه‌های قدیمی و تاریخی خواهیم رفت؛ خانه‌ها و محله‌هایی که حالا ردپای چندان از آن‌ها در سطح شهر دیده نمی‌شود.

کمرنگ شدن هویت محله‌ها

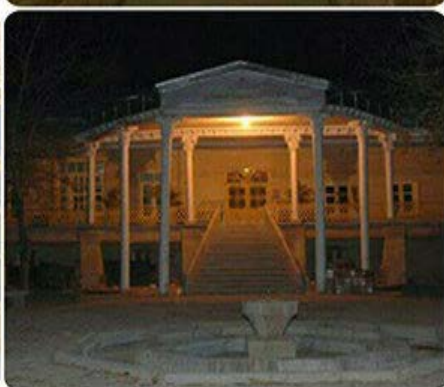
از ۳۰ محله‌ای که در شهر همدان وجود داشته است تنها محله بنه بازار، محله بازار، محله میدان میرعقیل، محله کبابیان، محله کولانچ، محله آقاجانی بیک، محله کلیا، محله امامزاده یحیی، محله حاجی و جولان کم‌وبیش به همان صورت سابق باقی مانده و تغییرات زیادی از نظر شکل در آن‌ها دیده نمی‌شود و از مابقی فقط نامی باقی مانده است.

نکته قابل تأمل در ساختار محله‌ای همدان وجود فضاهایی برای گسترش مشارکت اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی بوده است که قابل تأمل در ساختار محله‌ای همدان وجود فضاهایی برای گسترش مشارکت اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی بوده است. به طوری که در محله‌های مختلف کوی گرد و دایره‌ای وجود داشت که دارای میدانچه‌ای در وسط بوده و به آن «چمن» می‌گفته‌اند.

در وسط هر یک از این میدان‌ها علاوه بر حوض آب، چاه، چشمه و قنات، چمن کاری و گل کاری نیز شده بود و در اطراف هر یک از این چمن یا میدان‌ها تأسیساتی از قبیل مسجد، حمام، نانوا، قصابی و چند دکان بقالی و عطاری وجود داشته است؛ این ترکیب موجب ارتباط بیشتر مردم با هم و افزایش روابط اجتماعی می‌شد به طوری که بیشتر اهل محل روزانه باهم در ارتباط بودند و جویای احوال هم می‌شدند.

همین‌طور وجود صنوف مختلف در محله‌های خاص دسترسی مردم به خدمات اقشار مختلف را تسهیل می‌کرده است، در جدول زیر نگاهی به برخی محله‌های قدیمی همدان و دلیل نام‌گذاری آن‌ها می‌اندازیم.

به مرور با از دست رفتن هویت محله‌ها شاهد کمرنگ شدن تعلق خاطر شهروندان به شهرها هستیم که این امر



نام محله	دلیل نام‌گذاری مبتنی بر شغل ساکنان	مکان کنونی
قاشق تراشان	در گذشته‌های دور، در خانه‌ها و دکان‌های آن کوچه قاشق، چمچمه و ملاقه چوبی می‌ساختند.	کمربندی خواجه رشید
جولان	محله‌ای که جولاه (بافندگان) در آنجا مقیم بوده، و در اغلب خانه‌هایشان کارگاه‌های بافندگی سنتی وجود داشت. البته گفته می‌شود که قبل از آن سورچی‌ها و درشکه داران هم اسب‌هایشان را در این محل نگهداری می‌کردند.	انتهای خیابان شهدا
کوچه صابونیا	در بسیاری از خانه‌های این محله صابون‌پز خانه وجود داشته و صابون‌های پخته شده را در پشت‌بام‌ها خشک کرده و به بازار عرضه می‌کردند.	حوالی میدان آرامگاه بوعلی، کولانچ
حکیم‌خانه	در این محله شهر همدان بیشتر پزشکان تجربی و سنتی مطب داشتند.	اواسط خیابان فعلی باباطاهر
چپر خانه	محله‌ای که چپارها در آن مستقر بودند.	انتهای خیابان شهدا

نیز همبستگی اجتماعی را کاهش داده است؛ موضوعی که بی‌ارتباط با تضعیف سرمایه اجتماعی نخواهد بود؛ اساساً مؤلفه سرمایه اجتماعی به‌عنوان بستر اصلی توسعه در ابعاد مختلف مبتنی بر دو رکن مشارکت اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی است، موضوعی که در ساختارهای محله‌ای به‌خوبی مورد توجه بوده است.

خانه‌هایی که در گذشته جاماند

اما همه مشکلات در بعد از دست رفتن هویت معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی به ساختار محله‌ای بر نمی‌گردد، بلکه ساختار خانه‌ها مسکونی در همدان نیز به‌مرور زمان تغییرات زیادی داشته است.

شهر همدان به‌عنوان نخستین پایتخت ایران و یکی از قدیمی‌ترین شهرهای کشور دارای خانه‌ها و محله‌هایی است که گاهی از آن‌ها به‌عنوان قدیمی‌ترین محله‌های ایران یاد می‌شود. در حال حاضر از خانه‌های قدیمی این استان کمتر از ۳۰ خانه شاخص باقی مانده و برای نمونه می‌توان به خانه تاریخی اشاره کرد که هم‌اکنون سازمان میراث

فرهنگی در آن مستقر است و حدود ۴۰ اتاق دارد. تعداد اتاق‌های خانه‌های تاریخی همدان بستری برای دوره‌هم بودم خانواده‌های فامیل، حمایت از زوج‌های جوان، مشارکت در انجام کارها و فعالیت‌های دسته‌جمعی و اجتماعی و صدا البته همگرایی و رشد مشارکت و انسجام اجتماعی بوده است.

علاوه بر این «بسیاری از خانه‌های قدیم همدان «تقب» داشتند به طوری که تقب از راه زیرزمینی چند خانه را به هم متصل می‌کرد و به‌علاوه دارای کنج‌هایی برای مخفی شدن و مخفی کردن اجناس در قدیم بود و برخلاف امروز، خانه هر قدر داخل کوچه تنگ و با دیوارهای بلند بود ملکی بهتر و مرغوب‌تر حساب می‌شد و اگر در کوچه بن‌بست قرار داشت دارای امتیاز بزرگی بود.»

در حال حاضر با از هم‌گسیختگی ایجاد شده در ساختار خانه‌ها، محله‌ها و شهرهای امروزی میزان مشارکت اجتماعی، اعتماد و انسجام اجتماعی دستخوش تغییرات جدی شده و شاهد روند رو به افول سرمایه اجتماعی هستیم، موضوعی که بی‌تأثیر از سبک زندگی و ساختار و هویت خانه‌ها و شهرهای

شامل سیزان که مطبخ و انبار را دربرمی گیرد، حوض خانه، شاهنشین، سهدری ها، دالان، ایوان و حیاط بوده است. وی در توضیح «سیزان» گفت: سیزان از فضاهای زیستی خدماتی بوده که در مسکن همدان نقش مهمی داشته و ترکیبی از حوض خانه، مطبخ، انبار با سقف کوتاه و کم پنجره بوده و عمدتاً به صورت زمستان نشین مورد استفاده قرار می گرفته و در سطح همکف یا پایین تر از سطح حیاط قرار داشته است.

حسینی به تبادل حرارتی کم سیزان با بیرون اشاره کرد و گفت: همین امر سبب حفظ گرمای درونی می شده بنابراین در زمستان، زیرزمین دارای هوای گرم تر از محیط بیرون و در تابستان خنک تر بوده که این امر وجود زیرزمین در خانه را توجیه می کند.

وی در توضیح «شاهنشین» نیز گفت: شاهنشین اتاقی با ارتفاع نسبتاً بلند بوده که معمولاً ارتفاع آن ۲ برابر اتاق های دیگر در نظر گرفته می شده و در قسمت بالایی این ارتفاع، سقف نیم گنبدی طراحی می شده تا ارتفاع زیاد باعث خنک شدن اتاق شود.

حسینی ادامه داد: تالار نیز معمولاً فضایی با تزئینات بسیار زیبا بوده که در کنار اتاق های ساده در خانه های سنتی کاملاً مشهود بوده چراکه تالارها با گچ بری، آینه کاری، نقاشی روی گچ و غیره تزئین می شدند.



شاه نشین



تالار



سیزان



سه دری

سهدری و ارتباط با حیاط خانه

وی در توضیح «سهدری» ادامه داد: اصولاً ورودی اتاق ها به صورت سهدری بوده که آن ها را با فضای حیاط مرتبط می ساخته به نحوی که با باز شدن درها در تابستان، باغچه، حیاط، حوض، آب نما، با داخل اتاق ها پیوند می خورد و طبیعت را به داخل اتاق ها می آورد و در زمستان نیز با بسته شدن درها فضایی گرم به وجود می آمد.

حسینی یادآور شد: «دالان» نیز به صورت فضای مسقفی است که از عرض با فضای باز در ارتباط بوده و به صورت فضای ورودی حد واسط کوچک و حیاط مدنظر قرار می گرفته به طوری که قبل و بعد از در ورودی دیده می شود و پوشیده بودن معبر ورودی از ایجاد یخبندان در سطح معبر جلوگیری می کرده است.

وی افزود: «ایوان» نیز به صورت فضای نیمه باز مسقف، از طول در کنار فضای باز قرار دارد و حد واسط حیاط و فضاهای بسته شامل تالار و سهدری هاست و ارتباط ایوان با فضاهای بسته دو نوع است، یا ایوان در جلوی تالار و سهدری قرار دارد و یا در بین سهدری ها قرار گرفته است.

حسینی در توضیح ویژگی حیاط خانه های قدیمی همدان نیز عنوان کرد: فرم و تناسب حیاط ها به طور کلی در خانه های همدان

به فراموشی سپرده شود، گفت: خصوصیات کلی و شمایل اصلی بافت شهری همدان در گذشته به گونه ای بوده که می توان گفت فضاهای شهری کوچک و محصور، بافت شهری متراکم و ابنیه متصل به هم و کوچه ها و معابر اصلی به موازات خط تراز زمین و اغلب با عرض کم از اصلی ترین ویژگی های آن است.

وی بایان اینکه با توجه به شرایط اقلیمی سرد و نیز سرمای شدید همدان در بخش عمده ای از سال، بافت شهری متراکم و ابنیه متصل به هم ساخته می شدند تا بدین صورت سطح تماس فضاهای گرم مسکونی با محیط سرد خارج کمتر شود، گفت: در این اقلیم ایوان ها کوچک تر از ایوان های منطقه گرم و خشک بوده و تنها برای حفاظت ورودی ها و پنجره ها از تجمع برف استفاده می شدند.

معماری خانه های سنتی همدان شامل سیزان که مطبخ و انبار را دربرمی گیرد، حوض خانه، شاهنشین، سهدری ها، دالان، ایوان و حیاط بوده است وی ادامه داد: سطح حیاط به طور معمول از پیاده روها پایین تر و سقف فضاهای اتاق ها و بازارها و غیره برای حفظ گرما در سطوح پایین تر و کوتاه طراحی می شدند.

حسینی گفت: به طور کلی معماری خانه های سنتی همدان

ما نیست.

نگاهی به ساختار خانه های تاریخی همدان

سرماي شديد و طاقت فرسا در زمستان و هوای معتدل و مطلوب در تابستان، تابش شدید آفتاب، اختلاف بسیار زیاد درجه حرارت شب و روز، وزش بادهای سرد در زمستان و بارش برف سنگین از خصوصیات شهر همدان در گذشته بوده که بر اساس این اقلیم عناصر معماری خانه های سنتی همدان شامل حیاط مرکزی، تالار، شاهنشین، سهدری، دالان، ایوان، سیزان و حوض خانه بوده است.

خانه های سنتی همدان در دو یا سه طبقه ساخته می شدند که طبقه زیرین در اکثر نمونه ها به اندازه نیم تا یک متر زیر زمین قرار می گرفت در همین زمینه کارشناس میراث فرهنگی همدان بایان اینکه در گذشته در الگوی متداول مسکن در همدان، محور اصلی شمالی جنوبی بوده که جبهه روبه جنوب بنا، در زمستان نور بیشتری را دریافت می کرده است، گفت: خانه های سنتی همدان در دو یا سه طبقه ساخته می شدند که طبقه زیرین در اکثر نمونه ها به اندازه نیم تا یک متر زیر زمین قرار می گرفت.

«میر حسینی» بایان اینکه معماری هر منطقه در اثر شرایط اقلیمی خاص منطقه شکل می گرفته و بیانگر نوعی متفاوت از طراحی اقلیمی بوده است، گفت: معماری خانه های بومی همدان به عنوان عملکرد واحد های مسکونی مطلوب بوده و از نظر اقلیمی شرایط مناسب برای ساکنین این منطقه را فراهم می کرده است.

وی از جمله دلایل مناسب بودن معماری همدان و تطابق آن با اقلیم منطقه را جهت گیری مناسب بنا با توجه به دریافت حداکثر تابش آفتاب در زمستان و حفاظت آن در برابر باد سرد و استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی زیاد مانند گاه گل برای کنترل حرارت از طریق پوسته ساختمان و استفاده از سنگ برشمرده.

وی با تأکید بر اینکه به نظر می رسد در گذشته معماری سنتی شهر همدان از مصالح مورد استفاده تا فرم کلی بنا، تحت تأثیر محیط پیرامون بوده است، گفت: برای شناخت این معماری باید تأثیر عوامل اقلیمی بر ساخت و ساز ابنیه مورد بررسی قرار گیرد.

ارزش های معماری سنتی به فراموشی سپرده نشود

حسینی با تأکید بر اینکه نباید ارزش های معماری سنتی

کاربرد مبتنی بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی

ویژگی ها و بخش های مختلف خانه های تاریخی همدان

دریافت حداکثر تابش آفتاب در زمستان و حفاظت آن در برابر باد سرد (صرفه جویی در مصرف انرژی و اصلاح الگوی مصرف)	جهت گیری مناسب بنا مبتنی بر اقلیم
استفاده از گاه گل برای کنترل حرارت از طریق پوسته ساختمان و استفاده از سنگ به عنوان مصالح بومی (بوم اور بودن مصالح)	استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی
با توجه به شرایط اقلیمی سرد و نیز سرمای شدید همدان در بخش عمده ای از سال به وسیله این ساختار سطح تماس فضاهای گرم مسکونی با محیط سرد خارج کمتر شود	بافت شهری متراکم و ابنیه متصل به هم
سطح حیاط به طور معمول از پیاده روها پایین تر و سقف فضاهای اتاق ها و بازارها و غیره برای حفظ گرما در سطوح پایین تر و کوتاه طراحی می شدند	ساختار حیاط و سقف خانه ها
سیزان مطبخ و انبار را دربرمی گیرد سیزان از فضاهای زیستی خدماتی بوده که در مسکن همدان نقش مهمی داشته و ترکیبی از حوض خانه، مطبخ، انبار با سقف کوتاه و عمدتاً به صورت زمستان نشین مورد استفاده قرار می گرفته و در سطح همکف یا پایین تر از سطح حیاط قرار داشته است همین امر سبب حفظ گرمای درونی می شده بنابراین در زمستان، زیرزمین دارای هوای گرم تر از محیط بیرون و در تابستان خنک تر بوده که این امر وجود زیرزمین در خانه را توجیه می کند.	سیزان

عملکرد مناسبی در بعد مسکونی بوده است، گفت: نحوه ساخت واحدهای مسکونی از نظر اقلیمی شرایط مناسبی را برای ساکنان این خانه ها فراهم می کرده است.

«مریم طریقتی» از جمله دلایل مناسب بودن معماری همدان و تطابق آن با اقلیم منطقه را استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی زیاد مانند گاه گل برای کنترل گرما و سرما عنوان کرد و گفت: متأسفانه در حال حاضر علی رغم وجود سابقه تاریخی غنی و همچنین معماری بومی با شاخصه های مهندسی، ولی هیچ ضابطه ای در استفاده از مصالح وجود ندارد.

طریقتی بایان اینکه در گذشته استفاده از سنگ در پی سازی برای جلوگیری از نفوذ رطوبت ناشی از برف مورد استفاده بوده است، گفت: وجود حیاط مرکزی برای استفاده فصلی از بناهای چند کله و دارای فضاهایی مانند ایوان و دالان

به منظور جلوگیری از ریزش برف در ورودی و مسیرها و وجود بافت متراکم و اینبه متصل به هم برای کاهش سطح تماس با محیط سرد و فرورفتن خانه ها در دل خاک برای کاهش تبادل حرارت از ویژگی های بناهای همدان در گذشته است که کمتر به آن توجه می شود.

وی به وجود پنجره ها در جبهه آفتاب گیر ساختمان اشاره کرد و گفت: به واقع می توان گفت خانه های سنتی در پاسخ به مشکلات اقلیمی و کاهش در هزینه های مصرف انرژی بسیار مثبت عمل می کردند.

سبک های اصیل را یادآوری کنیم

وی با تأکید بر اینکه مسئله اصلی در معماری معاصر جهان امروز، قطع ارتباط میان معماری بومی و نیازهای مدرن است، گفت: باید متدهای استفاده شده در دنیای قدیم را به منزله سمبلی از راه حل یادآوری کرد و سپس، آن ها را توسط پیشرفت های فناوری عصر حاضر با دنیای جدید تطبیق داد. این کارشناس ارشد معماری عنوان کرد: دلیل و لزوم مرور راه حل های گذشته برای تطبیق با شرایط سخت آب و هوایی، این است که معماری آن روزها حاصل فرآیند متداوم معماری محلی بوده است که از نسلی به نسل دیگر در طی زمانی طولانی منتقل شده است و جایگاه و پیوستگی آن ها توسط آزمون و خطا طی صدها سال آزمایش شده است.

طریقتی گفت: معماری پایدار دارای اصول و قواعد مخصوص خود است اما به عنوان مثال به کار بردن دیوارهای قطور یک متری در زمان حاضر نمی تواند راهکار مناسبی برای جلوگیری از انتقال حرارت و نفوذ سرما باشد و یا لاقبل بهترین راه نیست اما جهت گیری صحیح نسبت به باد مزاحم در معماری گذشته می تواند در هر زمانی مناسب باشد. احیای این شیوه معماری و یا دست کم برخی مؤلفه های آن در ساختار کنونی نظام محله ای و شهرسازی همدان می تواند به احیای برخی از ویژگی های سبک زندگی گذشته کمک کند به هر روی نگاهی به ساختار، فضاها و المان های خانه های قدیمی همدان نشان می دهد که معماری این بناها در سبک زندگی گذشته مردم این شهر در ابعاد مختلف مرتبط با سرمایه اجتماعی اعم از مشارکت، اعتماد، انسجام اجتماعی و احساس تعلق و هویت شهری تأثیر گذار بوده است. از سوی دیگر استفاده از مصالح مبتنی بر اقلیم منطقه تأثیر زیادی در صرفه جویی در مصرف انرژی و احداث ساختمان هایی که امروزه از آن ها با عنوان «ساختمان سبز» یاد می شود، داشته است.

احیای این شیوه معماری و یا دست کم برخی مؤلفه های آن در ساختار کنونی نظام محله ای و شهرسازی همدان می تواند به احیای برخی از ویژگی های سبک زندگی گذشته کمک کند، موضوعی که نیازمند پژوهش متخصصان، تلاش معماران و همچنین قانون گذاری و سیاست گذاری برنامه ریزان است.



تعبیه شده که جهت نورگیری و تهویه ساخته شده است.

نقش خانه در سبک زندگی ایرانی - اسلامی قابل انکار نیست

اما گذشته از تغییر در بناهای مسکونی همدان، تغییرات ایجاد شده بر نحوه زندگی مردم نیز اثر گذاشته است به طوری که یک کارشناس جامعه شناسی استان همدان معتقد است: نقش خانه در سبک زندگی ایرانی - اسلامی قابل انکار نیست.

مهرداد هوشمند بایان اینکه سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت اجتماعی بوده و غالباً به عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است، گفت: سبک زندگی خانواده های ایرانی در سال های اخیر متحول شده است. وی بایان اینکه متأسفانه سیاست گذاری ها در جامعه بدون مطالعه و بررسی و فاقد یک پیوست فرهنگی است، گفت: در حال حاضر برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها در زمینه های مختلف در سطح جامعه، بدون بررسی وضعیت موجود و درک شرایط و فقط با تکیه بر ذهنیات و تصورات شخصی طرح دهندگان و برنامه ریزان، اجرا می شوند.

رابطه معماری، اقلیم و سبک زندگی

این کارشناس مسائل اجتماعی بایان اینکه معماری گذشته نه تنها با اعتقادات دینی و مذهبی مردم سازگاری دارد بلکه سازگاری بسیار خوبی با اقلیم های مختلف ایران دارد، عنوان کرد: متأسفانه امروزه رفتارهای شخصی مثل لباس پوشیدن، نوع غذا خوردن، راه رفتن و غیره ما هم تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته است.

فناوری امروز باعث شده از وسایلی استفاده کنیم که راحتی ما را بیشتر فراهم می کند اما این حال اگر ویژگی های اقلیمی را در نظر بگیریم می توانیم با مصرف انرژی کمتری به راحتی برسیم وی گفت: فناوری امروز باعث شده از وسایلی استفاده کنیم که راحتی ما را بیشتر فراهم می کند اما این حال اگر ویژگی های اقلیمی را در نظر بگیریم می توانیم با مصرف انرژی کمتری به راحتی برسیم. این در حالی است که بررسی دقیق نوع و سبک زندگی خانواده های ایرانی و غربی نشان می دهد سبک زندگی و زیست آن ها با یکدیگر متفاوت و در مقابل هم قرار دارد.

وی راه حل اصلاح شیوه و سبک زندگی امروز ایرانیان را روی آوردن به سبک زندگی اسلامی عنوان کرد و گفت: سبک زندگی اسلامی تفاوت های بارزی با سبک زندگی غربی دارد چراکه اخلاق و بخشی از شریعت اسلامی، سبک زندگی اسلامی را تشکیل می دهند و بر این اساس، ترویج اخلاق اسلامی و شریعت اسلامی با ترویج سبک زندگی اسلامی همخوانی دارد.

هیچ ضابطه ای وجود ندارد

یک کارشناس ارشد معماری نیز در این خصوص در گفت و گو با مهر بایان اینکه در گذشته معماری خانه های بومی همدان دارای

کوچک بوده به جز در خانه های کوشکی که خانه باغی هستند و بنا در باغ وسیعی قرار گرفته است.

در شهرهای سردسیر باید از مصالحی با ظرفیت حرارتی زیاد برای کنترل حرارت از طریق پوسته ساختمان استفاده شود کارشناس میراث فرهنگی همدان همچنین در توضیح مصالح بکار رفته در بناهای همدان بایان اینکه در شهرهای سردسیر باید از مصالحی با ظرفیت حرارتی زیاد برای کنترل حرارت از طریق پوسته ساختمان استفاده شود، گفت: مصالح به کار رفته در خانه های همدان سنگ، آجر و چوب بوده است.

وی گفت: سنگ در این نواحی ماده ای در دسترس بوده و البته سنگ نسبت به خشت و آجر ظرفیت حرارتی خوبی نداشته و با اضافه کردن به ضخامت دیوار سنگی این عیب برطرف می شده است.

حسینی با اشاره به اینکه خانه های سنتی همدان بافتی نسبتاً متراکم دارند و معمولاً در دوطبقه ساخته شده اند، گفت: فرم بنا نیز مانند بافت شهری بر اساس اقلیم منطقه و برای مقابله با سرمای شدید طراحی و اجرا می شده به طوری که احجام متراکم نظیر مکعب مستطیل که نسبت سطح بیرونی آن ها و حجم داخل بنا کم است برای مناطق سردسیر مناسب بوده است.

وی همچنین بایان اینکه به منظور استفاده از انرژی حرارتی حاصل از تابش آفتاب، پوشش سطوح خارجی به رنگ تیره انتخاب می شده است، گفت: خانه های سنتی همدان به صورت حیاط مرکزی احداث می شده و بسیاری از فضاها تودرتو بوده به طوری که دسترسی از یک فضا به فضای دیگر را بدون نیاز به عبور از فضای باز فراهم می کرده و از طرف دیگر سطح تماس با خارج را کاهش می داده است. اتاق ها نیز در خانه های بومی همدان عموماً از یک سمت پنجره داشته تا در فصول سرما، کوران ایجاد نشود.

مطالعه موردی؛ خانه «نظری» همدان

پیش طاق ورودی ساختمان به طرز زیبایی با آجرکاری خفته و راسته تزئین شده و پس از آن محوطه ای مدور موسوم به هشتی قرار دارد. حسین در توضیح ویژگی های ساختمان «نظری» همدان که از بناهای به جا مانده از دوران قدیم در این منطقه است، گفت: پیش طاق ورودی ساختمان به طرز زیبایی با آجرکاری خفته و راسته تزئین شده و پس از آن محوطه ای مدور موسوم به هشتی قرار دارد که سقف گنبدی آن با ردیف های منظم یکنواخت آجری پوشش یافته است. وی ادامه داد: در گوشه شمال شرقی هشتی راه پله ای مسقف با آجر ساخته شده که دسترسی به بام هشتی را امکان پذیر می سازد و بعد از طی مسیری در محوطه باغ به ساختمان اصلی می رسیم که ورودی بنا دارای فضایی موسوم به «جلوخان» است که سقف هرمی شکل شیروانی آن بر روی چهارستون بلند چوبی با پوشش گچ و سرستون های دارای گل و بوته استوار شده و راه پله ورودی بنا که از تپاها دهنده فضای حیاط دوطبقه فوقانی است از طریق فضای جلوخان احداث شده است.

وی بایان اینکه بنا دارای دو اشکوب است و طبقه فوقانی که در چهار ضلع دارای مهبتابی است با نرده های چوبی ظریف و ۲۴ ستون چوبی و با گچ پوشش یافته است، گفت: سرستون ها دارای تزئینات گل و بوته بسته شده بوده و این ستون ها دارای کاربری باربر سازه ای هستند.

حسینی یادآور شد: سقف بنا دارای پوشش شیروانی است و در فضای داخلی بنا تعدادی اتاق طراحی و ساخته شده که برای دسترسی به آن ها باید از راهرو پارکی عبور کرد و سقف بعضی از اتاق ها لمبه کوبی شده و در وسط راهرو، روزنه ای

توهم سبک زندگی مدرن خانه‌ها را تغییر داد / شهرها کارگر دهوتی ندارند



این خانه دور است؛ خانه‌های مکعبی و توخالی که سنخیتی با فرهنگ و سبک زندگی مردمان دیار شالیزار ندارد و صدای آوای باران را به گوش ساکنانش نمی‌رساند.



نگاه مردم مازندران به طبیعت همواره نگاهی آکنده از احترام بوده و با همگون‌سازی ساخته‌های خویش با محیط پیرامون زیباترین ترکیبات ممکن را در دل طبیعت جستجو کرده‌اند. طبیعت هنوز خانه‌هایی را به یاد می‌آورد که باد در باغ‌های اطرافش می‌پیچید و طواف کنان از ایوان دورتادور خانه گذر می‌کرد، از ستون‌های چوبی بالا می‌رفت و از زیر سقف‌های شیروانی هوهو کنان می‌گذشت و از روزنی کوچک به زیر شیروانی می‌خزید و جست‌و‌خیز کنان از نردبان به درون اتاق‌ها سرک می‌کشید و بر زغال‌های گداخته بخاری می‌دمید، شعله‌ها به بیرون زبانه می‌کشیدند و اتاق در گرگ‌ومیش هوای مه‌آلود جنگل‌ها روشن‌تر و گرمی می‌یافت.

امروز اما خانه‌ها به مکعب‌های سیمانی بزرگ و توخالی‌ای می‌مانند که فرقی ندارد در کدام سرزمین سر برآورده‌اند. امروز اما خانه‌ها به مکعب‌های سیمانی بزرگ و توخالی می‌مانند که فرقی ندارد در کدام سرزمین سر برآورده‌اند و در مازندران، این خانه‌ها صدای آواز باران را به گوش ساکنانش نمی‌رسانند، باغ‌ها از حیاط خانه‌های شهرهای کوچک هم پرکشیده‌اند، دیگر سفره عصرانه‌ای در خنکای ایوان خانه‌ها در موسم بهار و تابستان گسترده نمی‌شود و ایوان‌های سرتاسری به بالکن‌ها و انبارهای کوچک پشت اتاق‌ها تغییر کاربری داده‌اند.

سرشت و ذات‌ه برون‌گرا و سرزنده مردم مازندران در پستوی خانه‌ها و پشت پنجره‌های بسته و پرده‌های ضخیم در خود فرورفته است و خانه‌ها دیگر نه مکانی برای آرامش و نه حتی آسایش که همچون صحنه نمایشی شده‌اند برای نشان دادن مصرف‌انبوه ساکنانش، نمایشی برای به‌روز بودن به هر قیمتی و تمایل به متمایز بودن و برگ‌وبال گسترده بدون داشتن ریشه‌ای در خاک.

شفافیت ساختمانی های بومی با وجود تراس‌ها

وی اظهار داشت: شفافیت و سبک ساختمان‌های بومی نیز به راحتی قابل حس است؛ هم به خاطر مصالح بومی مانند چوب و خشت و هم به دلیل وجود تراس‌ها، قرارگیری اتاق‌ها در کنار هم و پیوسته‌های کوچک در زیربنا، درحالی که در مناطق کویری ساختمان‌ها درون‌گرا و سنگین هستند که از بیرون تنها دیوار قابل مشاهده است.

وی با اشاره به اینکه از دوره پهلوی اول با ورود شیوه زندگی مدرن، معماری و شهرسازی ما دچار چالش شده، افزود: باوجود آنکه این تغییر در شیوه زندگی مردم اجتناب‌ناپذیر بوده و دیر یا زود باید اتفاق می‌افتاد، اما از آن زمان معماری ما به شکل نامأنوس و ترکیبی نامگون از مناطق مختلف جهان شکل گرفت و نتیجه آن ساختمان‌های امروزی است که هویت مشخصی ندارند و حتی در معماری چند بنا در داخل یک کوچه نیز از الگوهای ثابت پیروی نمی‌کنند، شاید این خانه‌های نامگون آسایش به همراه داشته باشند اما هویت را از میان می‌برند و این امر موجب خواهد شد نسل آینده توان شناخت پیشینه تاریخی شهری خود را نداشته باشند.

در معماری قدیمی و سنتی خانه‌های مازندران می‌توان بهره‌گیری از عناصری نظیر چوب، کاشی کاری، گچ‌بری، آهک‌بری، آینه‌کاری و بندکشی را به نظاره نشست و نمونه‌های این نوع را می‌توان در خانه نیما مشاهده کرد. همچنین یکی از مهم‌ترین اصولی که در معماری سنتی ایران زمین بال‌آخص پس از اسلام مورد توجه قرار گرفته است، اصل محرمیت (حریم) در فضای خانه است که به بهترین وجه در تمامی بناهای قدیمی به کار گرفته شده است.

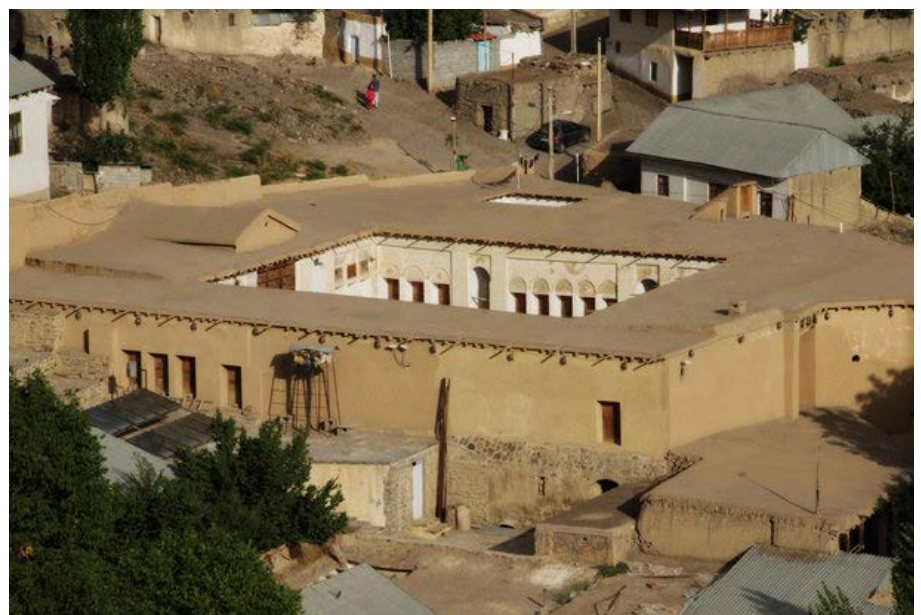
«پهنام رجبی فر» استادیار معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر، مهم‌ترین اصول معماری بومی مازندران را شفافیت و لایه‌ای بودن پرشمرد و گفت: از جمله ویژگی معماری بومی مسکونی مازندران لایه‌ای بودن است به این صورت که لایه اول، حیاط یا فضای بیرونی و لایه دوم، ایوان یا فضای نیمه‌باز و لایه آخر، فضای بسته یا همان اتاق‌ها بوده که در برخی مناطق شهری این فضای باز حیاط به کوچه‌ها و فضای نیمه‌باز ایوان‌ها به شکل پنجره‌های بزرگ یا ارسی نمود یافته است.

الگوهای قدیمی و بومی دچار شوک شده

رجبی فر با اشاره به اینکه الگوهای قدیمی و بومی در مواجهه و انتقال به معماری مدرن دچار شوک شده، اظهار کرد: بخشی از این امر به خاطر مصالحی بود که قابل انتقال به معماری امروز نبوده، اما در سال‌های اخیر توجه دوباره‌ای به این امر شده و از موادی مانند آجرهای ضدآب در بنا و چوب‌ها در نمای ساختمان به‌طور محدود استفاده شده تا از لحاظ مصالح به ساختمان‌های قدیم نزدیک شویم. باین حال، معماری ما هنوز در مرحله تحول و گذار از این بحران است و برای تثبیت نیازمند زمان و شرایط اجتماعی و اقتصادی مناسب است.

این استاد دانشگاه، راهکار برون‌رفت از این شوک و رسیدن به یک نوع پایداری را در بازشناسی ریشه‌های فرهنگی به مردم، اصلاح قوانین اجرایی، استخراج الگوهای جذاب همراه با در نظر گرفتن عنصر آسایش از الگوهای معماری بومی پرشمرد.

وی با اشاره به اینکه، فرم امروز ساختمان‌ها را زمین‌های شهری مشخص می‌کنند، خاطر نشان شد: این امر همه



انتخاب نمایند و تحت تأثیر این سبک زندگی، هویت و پایداری مکانی افراد کاسته شده و یکی از پیامدهای تعلق مکانی پایین، عدم گرایش به معماری بومی و عدم دغدغه برای کاربرد و حفظ آن است.

معماری التقاطی؛ راهکار درست

وی بایبان اینکه بازگشت به گذشته یک راهکار منطقی نیست، افزود: راهکار درست، ایجاد معماری التقاطی است، معماری ای که هرچند کاملاً یک معماری بومی نیست اما جدا از زیست بوم خود نیز نیست، به این معنا که آیت‌هایی از معماری بومی را در خود قرار می‌دهد تا بتواند رنگ منطقه خود را بیابد و امکان هویت و شناخت مکانی یابد.

حسنی با اشاره به اینکه تغییر ذائقه بسیار سخت است و این ساختار نظام و قوانین شهری است که باید آن را آموزش، اعمال و حتی اجبار کند، افزود: برخلاف گذشته که مردم از رابطه خود با طبیعت بهره می‌جستند و بناها را ایجاد می‌کردند و در این میان از نهادی دستور نمی‌گرفتند، امروزه مردم تصمیم‌گیرنده نیستند، سبک زندگی به آن‌ها داده می‌شود و بر اساس همان، بازخورد ارائه می‌دهند. اول نظام مدرنیته، بعد نهادهای رسمی و سپس مردم در این چارچوب رفتار می‌کنند و انتخاب می‌کنند، از این‌رو، تنها راه این است که امروز باید به آن‌ها تعریف جدید ارائه شود و ارائه این تعریف از شکل آموزش و آگاهی بخشی از اثرات تخریبی این نوع عادت‌واره بر هویت و محیط زیست تا اجبار قانونی گسترده است.

«محمدرضا حائری» محقق و پژوهشگر معماری به علل نابسامانی‌های موجود در ساخت و سازهای استان اشاره کرد و گفت: کوتاهی عمر مدیریت به‌ویژه مدیریت شهری، بخشی نگری، منفعت طلبی سازمان‌ها و عدم تبعیت از برنامه‌های کلان استان به‌ویژه طرح‌های جامع و تفصیلی از شاخصه‌های عدم توسعه شهری است.

وی به سهم بانک‌ها در ساخت و سازها اشاره کرد و گفت: در استان تسهیلات بانکی پرداخت شده توسط بانک‌ها بیش از ۲۵ برابر مجموع بودجه عمرانی استان است و بانک‌ها نقش مهمی را در ساخت و ساز ایفا می‌کنند.

حائری با اشاره به تنوع استان از حیث سرزمین، سکونت، فرهنگ و ساختار گفت: در همه اینها تنوع از بین رفته و ساخت و ساز از میراث طبیعی، از میراث تمدنی و از سرمایه اجتماعی بهره می‌گیرد و آنها را مورد استفاده قرار می‌دهد و چرخه‌های باطلی وجود دارد نظیر افزایش جمعیت، افزایش سکونتگاه، رشد صنعت، افزایش صنایع غیر فلزی، تخریب جنگل، رود و دریا و تخریب سرزمین.

آنچه امروز در شهرها دیده می‌شود، ملغمه آشفته‌ای از ترکیب بناهای مختلف که نشان‌دهنده انتخاب‌گری مردم و نهادها طی سالیانی است که در مواجهه با انبوه‌گزینه‌های انتخابی، بهترین را به ذائقه و امکان مالی خویش برگزیده‌اند و این امر یادآور داستان فردی است که در خیال خویش به تمامی امکان‌ها برای راحتی خویش اندیشید، پایی چرخ مانند برای حرکت سریع‌تر، چشمی در پشت سر برای دید بهتر، بالی برای پرواز، دستی قوی برای حمل بار سنگین و هر آنچه به‌تنهایی بهترین می‌نمود و هنگامی که این خیال محقق شد؛ نتیجه موجودی عجیب‌الخلقه شد که حتی توانایی اولیه خود را نیز از دست داده بود.

حتی اگر مفروض گرفته شود، که هر خانهای که در شهرهای امروزی وجود دارد به‌تنهایی بهترین است اما باز این بهترین بودن هنگامی که در یک اجتماع قرار می‌گیرد، صورت دیگری می‌یابد و یکی از بی‌شمار پیامدهای آن، این خواهد بود که شهرها یکی از کارکردهای مهم خود که هویت بخشی است را از دست خواهند داد و این امر زنگ خطری است که به صدا درآمده است.

را می‌توان از این نوع معماری استخراج و در معماری امروز استفاده کرد. همچنین، هرچند نمی‌توان معماری امروز را همسان با معماری گذشته درآورد اما می‌توان وحدتی میان آن‌ها ایجاد کرد و المان‌های بومی را با ترجمان دیگری در ساختمان‌ها بکار برد تا حداقل نمای ساختمان‌ها مانند نمای معماری بومی شود.

رابطه معماری تاریخی - سنتی

«قاسم حسنی» استادیار مردم‌شناسی دانشگاه مازندران، با ایجاد تمایز میان سه نوع معماری بومی، مدرن و تاریخی - سنتی، اظهار داشت: معماری تاریخی - سنتی که با قدرت حاکم یا ارادات دینی رابطه داشته و مردم به عنوان عنصر مؤثر نقشی در خلق آن نداشته‌اند، این نوع معماری، تنها اصالت تاریخی دارد و لزوماً از بوم تولید نمی‌شود، اما معماری بومی

جوامع شهری را تحت تأثیر خود قرار داده اما کشورهای توسعه یافته سعی کردند تا قوانین جامع و طرح‌های تفصیلی خود را بر اساس الگوهای منطقه و معماری بومی تدوین کنند اما در کشور ما در بخش طراحی شاید توجهی صورت گرفته باشد اما در بخش اجرا و تصمیمات کوچک‌تر توجهی به این امر نمی‌شود و در کنار آن، مشکلات اقتصادی و روند سودجویانه‌ای که بر ساخت‌وسازها حاکم شده نیز تشدیدکننده این امر است.

نماهای ساختمان‌ها دستخوش عناصر سلیقه‌ای شده

رجبی فر بایبان اینکه امروزه نمای ساختمان‌ها دستخوش عناصر سلیقه‌ای شده، افزود: نماها مطابق با مد صورت می‌پذیرد و هیچ سنجی با منطقه ندارند و از لحاظ چشم‌انداز نیز این درهم آمیختگی و ناهمگونی نماها



در تعامل انسان، محیط زیست، فرهنگ باوجود می‌آید و در طول زمان، بر اساس پیشینه محیطی، فرهنگی و تکنولوژی موجود و نیاز شکل می‌گیرد که در مازندران با توجه به همین امر ایوان، نهار، سقف شیب‌دار را در ساخت خانه‌های بومی مشاهده می‌کنیم و معماری مدرن، یک رویکرد پوزیتیویستی است که با نیازهای افزایش جمعیت به‌پیش می‌رود و با شهر مدرن و خیابان‌کشی‌های شهر مدرن در ارتباط است. این نوع معماری به طبیعت نه تنها نگاهی ندارد، بلکه تسخیرگر و از بین برنده طبیعت نیز هست اما معماری بومی در دل طبیعت ساخته می‌شود و با آن هم‌زیستی دارد.

به بیان وی، فرهنگ مدرن باوجود آورنده سبک جدید زندگی و زاده تمدن مدرن اروپایی است. این فرهنگ جدید دارای بخش کابردی است که یکی از تجلیات آن شهرسازی و معماری مدرن است. به همین سبب، سبک زندگی مدرن با معماری مدرن کاملاً در انطباق است و رابطه دوسویه‌ای میان آن‌ها وجود دارد که هر کدام موجب تشدید دیگری می‌شود.

این استاد مردم‌شناس در ادامه افزود: سبک زندگی جدید در فرهنگ سنتی وجود نداشته چراکه گزینه‌های انتخابی مردم گذشته بر اساس زیست‌بومشان بوده و به همین دلیل، معماری بومی نیز انتخاب افراد تحت تأثیر زیست‌بوم، فرهنگ و طبیعت بوده اما امروز به دلیل کثرت انتخاب‌ها، انسان‌ها سعی می‌کنند سبک زندگی جدید را با تنوع زیاد

آزادرنده شده است و متأسفانه ساختمان‌های دولتی نیز سلیقه‌ای رفتار می‌کنند، درحالی که آن‌ها باید الگو و هویت بخش منطقه باشند اما خودشان دچار چالش هویتی‌اند.

این استاد دانشگاه اذعان کرد: به‌عنوان بخش دانشگاهی و طراحانی که در سطح شهرها مشغول به کار هستیم، با چالش کارفرمایانی مواجهیم که هویت معماری بومی خود را جدی نمی‌گیرند و برایشان معماری بومی جذاب نیست و بخشی از این عدم علاقه هم مربوط به ماست چراکه نتوانسته‌ایم آن‌چنان که باید به وظیفه‌مان عمل کنیم و عناصر معماری گذشته را به‌روز نماییم.

وی از دیگر عوامل سلیقه‌ای شدن نماها، جامع‌ومانع نبودن قانون و عدم بازدارندگی آن را برشمرد و افزود: عدم نظارت دقیق، تغییر سبک زندگی و مطرود شدن هویت بومی از دیگر دلایل این امر است که همه این‌ها در نهایت ناشی از عدم آموزش و برنامه‌ریزی است، از این‌رو، تنها با تغییر معماری نمی‌توان چهره شهر را تغییر داد بلکه به‌موازات آن آموزش فرهنگی و برنامه‌مدون شهری هم باید وجود داشته باشد.

این دکترای معماری، بایبان امکان کاربست شفافیت و لایه‌ای بودن معماری بومی مازندران در معماری امروزی اذعان نمود: ساختمان‌های امروزی را دیگر نمی‌توان مانند گذشته ساخت اما دو اصل شفافیت و لایه‌ای بودن



لیله شفیع پور

اینجا یزد است، قدیمی ترین شهر خشتی جهان که خانه های خشت بر خشت، با پوششی از کاه گل و تزئیناتی از گچ و شیشه، شهر خشت و خاک و خاطره، را بر دل کویر نقاشی کرده است.

برای تماشای یکی از زیباترین خانه های قدیمی یزد شال و کلاه می کنیم تا وسعت همه زیبایی هایی که شنیده و بارها در ذهن تصویر کرده ام را از نزدیک ببینم خانه ای که در دل بافت تاریخی یزد جا خوش کرده و بی توجه به همسایگان سنگی و سیمانی اش حیات خود را ادامه می دهد. آدرس به دست، راهی کوچه های تنگ و باریک کاه گلی بافت تاریخی می شوم، کوچه هایی که مملو از زیبایی است اما چهره های نا آشنا با لباس هایی از دیاری دیگر، همان ها که مهمانان ناخوانده می خوانندشان، گویی تناسبی با این خانه های خشتی ندارد.

از پلاک خبری نیست اما کد پستی در کنار یک در چوبی قدیمی اما خوش رنگ و لعاب خودنمایی می کند، یک تکه فلز آبی رنگ در کنار آن همه رنگ خاکی.

● معماری زیبای یزدی از در ورودی تا سرداب زیرزمین

به دنبال رنگ می گردم اما خبری از رنگ نیست، فقط دو کلمه در دو سمت در دیده می شود، شنیده بودم که در قدیم یکی از این کلمه ها را زنان و دیگری را مردان می نواخته اند تا صاحب خانه با صدایی که از در شنیده می شود، بفهمد پشت در زن است یا مرد، کلمه دایره ای شکل را چندین بار به در کوبیدم اما خودم احساس می کردم باین همه صدای موتور و ماشین، بعید است این صدا به داخل خاله برسد. مدتی کوتاه منتظر ماندم و در گشوده شد، مقابل چشمانم فضایی تاریک بود، از دو پله که آن ها هم خشتی بود، پایین رفتم، دو پله دیگر در سمت راست و این بار وارد فضای «هشتی» شدم، جایی شبیه اتاقکی چهار پنج متری، با سقفی بلند و گنبدی شکل و تزئینات زیبایی در سقف، با عبور از این اتاقک یا همان هشتی که انگار هشت ضلعی

خانه هایی در شهر «خشت و خاک و خاطره» / دل ها هنوز برای بادگیر می تپد

بادگیر بود، اگر چه گردوغبار همه جا را فرا گرفته اما چیزی از زیبایی های تالاری که دیوارش مثل دیوار حیاط کاه گلی و با رده هایی از گچ تزئین شده بود و بر دیوارش چهار پنج طاقچه در آورده و از آن پارچه های ترمه آویزان و کف با زیلو و پشتی های ترمه پوشیده بود، کم نمی کرد. به قول امروزی ها کاملاً نوستالژیک بود، گرچه از این خانه ها کمتر دیده بودم و هر گز سعادت زندگی در چنین خانه هایی را نداشتم اما کاملاً می شد انرژی نهفته در این خانه ها را حس کرد، سفره هایی که در همین تالار گسترده می شد، عصرهایی که با آب پاشی بر روی کاه گل و خشت های حیاط، بوی خاک همه جا را فرامی گرفت و با عطر شکوفه های بهار نارنج در هم می آمیخت و یک عالم زیبایی و دل انگیزی دیگر.

خانم صاحب خانه، نوه مالک اصلی این بنا بود و پدر بزرگش که معماری مشهور و چیره دست بود، حدود ۱۰۰ سال پیش این خانه را خود ساخته و تا حدود هفت، هشت سال پیش هم، یعنی تا زمانی که مادر بزرگش زنده بود، این خانه هنوز بوی زندگی می داد و مسکونی بود. خانم صالحی که نوه دختری استاد سید محمد بنا است، خود یکی از پژوهشگران فرهنگ عامه یزد بوده و سال ها است درباره یزد و فرهنگ آن دست به قلم است. انگار می دانست چه می خواهم، تک تک عناصر موجود در بنا را توصیف و فلسفه ایجاد آن را بیان کرد، از این همه هوش و درایت معماران یزدی شگفت زده شده بودم.

● قبه های طلایی روی درهای قدیمی نشان از دین صاحبانه دارد

از همان در ورودی شروع کرد، می گفت: در قدیم همه درها چوبی بوده و تقریباً تزئینات یکسانی برای درها به کار برده می شد، آن قبه های طلایی رنگی که اغلب بر روی درهای قهوه ای رنگ خودنمایی می کنند، بسته به کوچک یا بزرگ بودن در، پنج تایی، دوازده تایی یا چهارده تایی است که این قبه ها نشان از مسلمان بودن صاحب خانه و اعتقاد آن ها به پنج تن آل عبا، دوازده امام یا چهارده معصوم دارد و از آنجا که زرتشتی ها و مسلمانان و تعدادی از خانوارهای یهودی در یزد





سال‌ها در کنار هم می‌زیسته‌اند، درها و نشان‌هایی که روی آن‌ها می‌گذاشتند معمولاً نشان از دین صاحب‌خانه داشت.

از کلون‌ها هم می‌گوید، همان‌هایی بود که من هم شنیده بودم، کلون گرد صدای ظریف‌تری دارد و به‌اصطلاح صدای زیر دارد که زنان آن را می‌نواخته‌اند و کلون مستطیل شکل صدایی بم دارد و مردان آن را می‌نواخته‌اند و این کلون‌ها دقیقاً کاربرد آیفون تصویری امروز را دارد، با توجه به اعتقاداتی که مردم آن زمان داشتند، اگر زنی پشت در بود، تا حد امکان زن خانه برای باز کردن در مراجعه می‌کرد و اگر مرد بود، مردان مراجعه می‌کردند یا زن خانه با حجاب کامل بر آستانه در ظاهر می‌شد. برعکس حالا که با باز شدن درب خانه، تا ته آشپزخانه و گاهی اتاق خواب و ... پیداست، آن موقع‌ها حتی برای حیاط خانه‌ها هم حرمت قائل بودند و هشتی در واقع حد فاصل میان فضای بیرون و فضای درون خانه بود.

هشتی‌ها هم کاربردی برآمده از فرهنگ مردم یزد داشته‌اند. خانم صالحی در مورد هشتی می‌گوید: برعکس حالا که با باز شدن درب خانه، تا ته آشپزخانه و گاهی اتاق خواب و ... پیداست، آن موقع‌ها حتی برای حیاط خانه‌ها هم حرمت قائل بودند و هشتی در واقع حد فاصل میان فضای بیرون و فضای درون خانه بود که همین فضا را در برخی شهرها به‌جای هشتی، بیرونی می‌خوانند. کاه‌گل هم اوج درایت یزدی‌ها برای خانه‌سازی بوده، در این مورد می‌گوید: کاه‌گل زودتر از بقیه مصالح ساختمانی خشک می‌شود و این قابلیت را دارد که خنکی را تا ساعتی در خود ذخیره کند دقیقاً مثل کوزه که می‌تواند آب درون خود را گوارا نگاه دارد، از آنجاکه یزد اقلیمی گرم داشته، کاه‌گل در خنک نگاه‌داشتن تأثیر بسزایی داشته ضمن اینکه همین کاه‌گل، در هوای سرد، نور خورشید را زودتر به خود جذب می‌کند و در زمستان‌های سوزان و خشک کویر، سبب گرم‌تر شدن فضا می‌شده است. مریم صالحی در مورد اتاق‌های سهدری و پنج‌دری نیز دانسته‌هایش با دنیایی از خاطرات شیرین زندگی

معمولاً در زیرزمین بود زیرا در قدیم که یخچالی وجود نداشت، از زیرزمین و سرداب خانه‌ها به عنوان یخچال استفاده می‌شد.

اما بادگیر یکی از بی‌نظیرترین سازه‌های ساختمان‌های قدیمی یزد است، بادگیرها معمولاً بر روی تالارها، همان اتاق‌های بی‌در بزرگ ساخته می‌شدند و این اتاق‌ها در تابستان محل استراحت و نشست و برخاست اهالی خانه بود زیرا این سازه‌ها دقیقاً کار کولر را انجام می‌دادند.

خانم صالحی می‌گوید: تالارها دقیقاً مقابل حوض و در ارتفاعی حدود یک تا دو متر بالاتر از حوض ساخته می‌شدند و بادی که از بادگیر وارد تالار می‌شد، از تالار به روی آب حوض می‌رسید و به این ترتیب بقیه فضاهای خانه نیز اندکی خنک‌تر می‌شد و به این دلیل بود که گرمای هوا در روزهای گرم تابستان قدیم یزد، قابل تحمل بود. وی می‌افزاید: روزهایی که هوا خیلی گرم بود، در اتاق‌هایی که معمولاً کنار سرداب در زیرزمین ساخته می‌شد، اقامت می‌کردند و با آب ریختن در حوض سرداب، فضایی بسیار مطبوع و دل‌نشین و خنک در زیرزمین خانه‌های قدیمی فراهم می‌شد و معمولاً روزهای مردامه‌کاه که گرما به اوج می‌رسید، اهالی خانه اغلب در سرداب به سر می‌بردند البته برخی خانه‌ها نیز سرداب نداشتند.

فلسفه شیشه‌های رنگی از زبان خانم صالحی نیز شنیدنی بود، اولین دلیلی که معماران یزدی از شیشه‌های رنگی در قاب‌های گره‌چینی شده استفاده کردند، رنگ و نما بخشیدن به حیاط خانه‌ها بود زیرا کاه‌گل رنگ خاکی دارد و اگر رنگ‌های دیگر به خانه‌ها اضافه نمی‌شد، خانه‌ها دل‌مرد می‌شدند به همین دلیل حوض‌های فیروزه‌ای، شیشه‌های رنگی، پارچه‌های رنگ‌به‌رنگ ترمه و دارایی، گل‌های لاله‌عباسی و درختان نارنج و انار به‌خوبی توانسته بودند روح زندگی را در خانه‌های ظاهراً بی‌روح کاه‌گلی بدمند.

وی می‌گوید: کم‌کم به این کشف رسیدند که شیشه‌های رنگی در دید حشرات به خاطر ساختار چشم آنها اختلال ایجاد می‌کند و مانع ورود حشرات می‌شود و از آنجا که یزد به عنوان یک منطقه گرمسیر، حشرات بسیاری داشت، به

تدریج استفاده از شیشه‌های رنگی در خانه‌ها باب شد. همه عناصر موجود در این خانه‌ها از دیدگاه این پژوهشگر فرهنگ عامه یزد از بادگیر، هشتی، حوض، درب‌های چوبی، زیرزمین، سرداب، تالار، شیشه‌های رنگی، اتاق‌های سه دری و پنج‌دری، سقف‌های گنبدی شکل، گچبری‌ها و

با مادربزرگ و پدربزرگ و خاله‌هایش آمیخته می‌شود، می‌گوید: در قدیم بچه‌ها به‌ویژه پسرها بعد از ازدواج بلافاصله مستقل نمی‌شدند و معمولاً حداقل ۱۰ سالی با پدر و مادر خود در این خانه‌ها زندگی می‌کردند.

● سرداب‌هایی که یخچال مردمان قدیم بود

اتاق‌های سهدری و پنج‌دری از لحاظ رفت و آمد، اتاق‌های کاملاً مستقلی هستند و گرچه همه دورتادور حیاط ساخته شده و پنجره‌هایی رو به حوض دارند اما ورودی همه آنها مستقل است، آنهایی که با فرزندان‌شان زندگی می‌کردند، این اتاق‌ها را در اختیار آنها قرار می‌دادند و همیشه بهترین اتاق برای نوجوس‌ها بود و مطبخ یا همان آشپزخانه نیز

کارکرد فضاهای خانه‌های قدیمی یزد مبتنی بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی

نام فضا یا المان	کارکرد
در ورودی	در قدیم همه درها چوبی بوده و تقریباً تزئینات یکسانی برای درها به کار برده می‌شد، آن قهقه‌های طلایی‌رنگی که اغلب بر روی درهای قهوه‌ای رنگ خوندنمایی می‌کند، بسته به کوچک یا بزرگ بودن در، پنج‌تایی، دوازده‌تایی یا چهارده‌تایی است که این قهقه‌ها نشان از مسلمان بودن صاحب‌خانه و اعتقاد آن‌ها به پنج تن آل‌عبا، دوازده امام یا چهارده معصوم دارد
کلون‌ها	کلون گرد صدای ظریف‌تری دارد و به‌اصطلاح صدای زیر دارد که زنان آن را می‌نواخته‌اند و کلون مستطیل شکل صدایی بم دارد و مردان آن را می‌نواخته‌اند و این کلون‌ها دقیقاً کاربرد آیفون تصویری امروز را دارد، با توجه به اعتقاداتی که مردم آن زمان داشتند، اگر زنی پشت در بود، تا حد امکان زن خانه برای باز کردن در مراجعه می‌کرد و اگر مرد بود، مردان مراجعه می‌کردند یا زن خانه باحجاب کامل بر آستانه در ظاهر می‌شد
هشتی	هشتی در واقع حد فاصل میان فضای بیرون و فضای درون خانه بود که همین فضا را در برخی شهرها به‌جای هشتی، بیرونی می‌خوانند
اتاق‌های سهدری و پنج‌دری	اتاق‌های سهدری و پنج‌دری از لحاظ رفت‌وآمد، اتاق‌های کاملاً مستقلی هستند و گرچه همه دورتادور حیاط ساخته شده و پنجره‌هایی رو به حوض دارند اما ورودی همه آن‌ها مستقل است، آن‌هایی که با فرزندان‌شان زندگی می‌کردند، این اتاق‌ها را در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند و همیشه بهترین اتاق برای نوجوس‌ها بود
بادگیر	بادگیرها معمولاً بر روی تالارها، همان اتاق‌های بی‌در بزرگ ساخته می‌شدند و این اتاق‌ها در تابستان محل استراحت و نشست و برخاست اهالی خانه بود زیرا این سازه‌ها دقیقاً کار کولر را انجام می‌دادند
شیشه‌های رنگی	اولین دلیلی که معماران یزدی از شیشه‌های رنگی در قاب‌های گره‌چینی شده استفاده کردند، رنگ و نما بخشیدن به حیاط خانه‌ها بود زیرا کاه‌گل رنگ خاکی دارد و اگر رنگ‌های دیگر به خانه‌ها اضافه نمی‌شد، خانه‌ها دل‌مرد می‌شدند شیشه‌های رنگی در دید حشرات به خاطر ساختار چشم آن‌ها اختلال ایجاد می‌کند و مانع ورود حشرات می‌شود و از آنجا که یزد به عنوان یک منطقه گرمسیر، حشرات بسیاری داشت، به تدریج استفاده از شیشه‌های رنگی در خانه‌ها باب شد

باشد مشکلی فرهنگی، مدیریتی و اقتصادی است، زیرا برای جامعه امروز الگوی سکونت دیگری ترویج می‌شود و جامعه نیز می‌پسندد.

عباسی عنوان کرد: در یزد ما که نسبت جمعیت آن به مساحت شهر، پایین است زندگی آپارتمان نشینی شکل گرفته، مردم استفاده از کولر گازی را مطلوب و استفاده از بادگیر را دون شأن خود و اساساً غیر عملی می‌دانند، نه مدیریت شهری تلاشی برای فرهنگ سازی کرده، نه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی فرصتی یافته‌اند و تشویق شده‌اند تا به ارائه امکان عملی بودن این فناوری و کم‌وکیف آن بپردازند. مسئله اساساً استفاده از بادگیر نیست به نظر بنده بیشتر از اینکه این مشکل در حوزه معماری مطرح باشد مشکلی فرهنگی، مدیریتی و اقتصادی است، زیرا برای جامعه امروز الگوی سکونت دیگری ترویج می‌شود و جامعه نیز می‌پسندد.

وی ادامه داد: از سوی دیگر این مشکل مرتبط با منافع عده‌ای قلیل است که در پشت واردات میلیون دلاری برندهای خارجی سودهای کلان می‌برند، در آمدی که اگر کسر ناچیزی از آن صرف فرهنگ‌سازی برای پذیرش عمومی بادگیر می‌شد یا در اختیار دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی گذاشته می‌شد در معماری امروز، ما بادگیرهایی داشتیم که خدماتی مطلوب و امروزی ارائه می‌دادند.

عباسی تصریح کرد: بر این اساس با قطعیت اعلام می‌کنم که بله می‌شود از بادگیر در معماری امروز استفاده کرد و حتی می‌خواهم از این پاسخ فراتر رفته و بگویم هنوز هم بادگیر بهترین گزینه برای سرد و مرطوب کردن فضاها در این اقلیم است مشروط به آنکه مسئولان، کارشناسان و مردم بادگیر را به‌عنوان یک فناوری کارآمد و روزآمد باور کنند و برای ترویج و استفاده از آن هر کس به سهم خود فعالیت فرهنگی، علمی و مبارزه با مافیای اقتصادی مخالف آن را سرلوحه کارهای خویش قرار دهد و این امر کار دشواری نیست در چارچوب یک برنامه هدفمند و مشارکت نهادهای ذی‌نفع و ذی‌نفع‌آمان پذیر است هرچند بنده فکر می‌کنم تا زمانی که درآمد حاصل از نفت وجود دارد، ما این کار را نخواهیم کرد.

عباسی ادامه داد: امیدوارم در عمل استفاده از سیستم‌های سرمایش و گرمایش طبیعی و سبز در آینده‌ای نزدیک محقق شود کما اینکه در جهان پیشرفته این مسیر با سرعت در حال طی شدن است.



سیستم‌های فعال گفته می‌شود در حال کاهش است و در مقابل سیستم‌های خودپایی چون بادگیر که بدون نیاز به انرژی‌های بازگشت ناپذیر کار می‌کنند و به آنها سیستم‌های غیرفعال گفته می‌شود به شدت در کانون توجه قرار گرفته زیرا مردم و متخصصان در این جوامع می‌دانند و باور کرده‌اند که امروز منابع انرژی به شدت تحلیل رفته، محیط زیست در معرض نابودی است و حتی سلامت جسمی و بهداشت کاربران در هنگام استفاده از سیستم‌های فعال در معرض خطر است.

استاد دانشکده هنر و معماری یزد ادامه داد: در حال حاضر متخصصان داخلی و خارجی پیشنهادهای متنوعی در زمینه روزآمدی و کارآمدی تکنولوژی بادگیرها ارائه کرده‌اند، استفاده از پانل‌های مرطوب در تنوره بادگیر، آب فشان‌هایی که با مصرف آب حداقلی باد خنک‌تر و با رطوبت بیشتری را در اختیار می‌گذارند، فیلترهایی که گرد و غبار هوای دمیده شده از داخل بادگیر را جذب می‌کنند و دهها پیشنهاد دیگر اما ما کماکان در مقابل سیستم‌های طبیعی مقاومت می‌کنیم.

وی تصریح کرد: مسئله اساساً استفاده از بادگیر نیست به نظر بنده بیشتر از اینکه این مشکل در حوزه معماری مطرح

شیشه‌کاری‌های هنرمندانه، کاهگل و خشت، نارنج و انار و مو و صدها عنصر دیگر هر یک فلسفه‌ای بی‌نظیر داشت.

● هیچ عنصر تجملی و بی‌کاربردی در خانه‌های قدیم یزد نبود

مواردی که معماری را یا متأثر از اقلیم یزد و کمبود آب و نبود انرژی به شکل‌های امروزی بوده است یا برگرفته از فرهنگ و تدین مردم این دیار و تقریباً هیچ عنصری بی‌استفاده یا تجملی در خانه‌های قدیمی یزد مشاهده نمی‌شود.

اما اینکه امروز نیز می‌توان از این عناصر خاص و شگفت‌انگیز استفاده کرد یا خیر، سئوالی بود که در تمام طول مسیر بازگشت ذهنم را مشغول خود کرده بود. آرامش، معنویت، صرفه‌جویی در انرژی‌های آب و برق و گاز و ... صفا و مهربانی، همه و همه از مواردی بود که کمتر می‌شد در خانه‌های سنگ و سیمانی که در مسیر بازگشت، کمی آن‌سوتر از بافت تاریخی یزد، صف‌آرایی کرده بودند، مشاهده کرد. آرامش، معنویت، صرفه‌جویی در انرژی‌های آب و برق و گاز و ... صفا و مهربانی، همه و همه از مواردی بود که کمتر می‌شد در خانه‌های سنگ و سیمانی که در مسیر بازگشت، کمی آن‌سوتر از بافت تاریخی یزد، صف‌آرایی کرده بودند، مشاهده کرد.

یکی از اساتید دانشکده هنر و معماری یزد معتقد است هنوز هم می‌توان از عناصری مانند بادگیر، شیشه‌های رنگی و ... به راحتی استفاده کرد.

محسن عباسی در مقابل این سؤال که پرسیدم آیا امروز هم می‌توان از بادگیر و دیگر عناصر معماری قدیم استفاده کرد، گفت: من در مقابل این سؤال، پرسش دیگری از شما دارم، چرا فکر می‌کنید نمی‌شود از بادگیر استفاده کرد، چرا ما به کیفیتی از شناخت از شناخت معماری بومی خود رسیده‌ایم که استفاده از بادگیر را در شرایط کنونی نشدنی می‌پنداریم و چرا جریان معماری ما به سمت و سویی رفته که این تردیدها و تشکیک‌ها در ذهن مردم شکل می‌گیرد که آیا می‌شود از عنصری کارآمد، سبز، دوستدار محیط زیست، سالم و ارزان در معماری امروز استفاده کرد یا خیر؟

وی افزود: به نظر من، بله می‌شود استفاده کرد و اگر امروز استفاده نمی‌شود مشکل در شناخت ما از معماری به طور عام و شناخت ما از معماری گذشته به طور خاص است و حتی می‌خواهم از این هم پیش‌تر بروم و بگویم مشکل در نوع نگاه ما به عالم و زندگی است.

عباسی بیان کرد: امروزه در دنیای توسعه یافته استفاده از سیستم‌های سرمایش و گرمایش انرژی‌خور که به آنها



فراموشی معماری اصیل بومی؛ نبود ضابطه در هاراروی فرهنگ غربی باز کرد



معماری بومی منطقه گرگان که تنها بخش‌هایی از آن زنده مانده، به دلیل تغییر سبک زندگی و فرهنگ مردم و همچنین نبود ضابطه، فراموش شده و معماری بی‌ریشه غربی جای آن را گرفته است.

حوض فیروزه‌ای و درختان نارنج که عطرشان در بهار کل کوچه را پر می‌کرد، در کنار حیاطی بزرگ و ایوانی رو به باغچه که محلی بود برای هم‌نشینی، صمیمیت و شنیدن داستان‌های مادر بزرگ، همه این‌ها، این روزها خاطراتی است که آپارتمان‌نشینان گرگان در ذهن خود مرور می‌کنند و حسرت آن روزهای نه‌چندان دور را می‌خورند.

زندگی امروز مردمان شهر من مغمه‌ای شده از نداشته‌هایی که از ناکجاآباد به ارث برده شده است؛ سبکی از زندگی نامشخص که نه آرامشی برای مردمانش به همراه می‌آورد و نه معنی زندگی را تبیین می‌کند.

الگو گیری اشتباه از معماری غیربومی که به‌طور عمده از غرب وارد شده است، در حالیست که منطقه استرآباد و گرگان فعلی، از نظر معماری و سبک زندگی دارای خصوصیات ویژه و منحصر به فردی است که سازگار با اقلیم منطقه بوده و تمام نیازهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی ساکنان را تأمین می‌کرد.

اصالت فراموش شده سبک زندگی در گرگان

کارشناسان می‌گویند، شیوه‌ای که الان زندگی می‌کنیم اصالتی ندارد و نشأت گرفته از نیازها و توانایی‌های زندگی ما نیست. یعقوب رشتیچیان، کارشناس ارشد معماری معتقد است: معماری بومی گرگان ویژگی‌هایی بسیاری دارد که حتی امروز هم جوابگوی زندگی ماست و بخش‌هایی از مردم جامعه که زمینه فرهنگی سنجیده‌تری دارند به راحتی می‌توانند در این نوع معماری زندگی کنند و نیازهای آن تأمین شود.

یکی از نکاتی که رشتیچیان از آن به‌عنوان مزیت معماری بومی گرگان نام می‌برد، صرفه‌جویی انرژی این سبک معماری است، به‌نوعی که در تابستان انرژی کمتری برای سرمایش و در زمستان هم انرژی کمتری برای گرمایش مصرف می‌کنند.

وی توضیح می‌دهد که معماری بومی منطقه گرگان نه تنها دامنه آسایش انسان را تأمین می‌کند، بلکه رویکرد اجتماعی هم دارد، به این معنا که در ساخت هر ساختمان،

معماری بومی گرگان با اقلیم سازگار بود

معماری ما نه تنها با اعتقادات دینی و مذهبی مردم سازگاری دارد بلکه سازگاری بسیار خوبی با اقلیم‌های مختلف ایران دارد رشتیچیان اضافه می‌کند: معماری ما نه تنها با اعتقادات دینی و مذهبی مردم سازگاری دارد بلکه سازگاری بسیار خوبی با اقلیم‌های مختلف ایران دارد. وی اشاره‌ای به تغییرات اندک در معماری درون‌گرایی گرگان می‌کند و توضیح می‌دهد: به خاطر آب‌وهوای مرطوب و گرمای تابستانه گرگان تغییراتی در این الگوی معماری درون‌گرا داده شده است به این معنا که در طبقه دوم ساختمان‌های دوطبقه بازشوهایی به بیرون پیش‌بینی شده و البته این تغییر تأثیری در درون‌گرا بودن نداشته زیرا ساختار معماری را حفظ کرده و از طرفی درون‌خانه را در معرض دید قرار نمی‌دهد.

این کارشناس معماری معتقد است می‌توان از ویژگی‌های معماری بومی منطقه در ساختمان‌های جدید استفاده کرد و حداقل کاری هم که می‌توان انجام داد این است که ساختمان‌ها را طوری بسازیم تا جلوی باد و نور یکدیگر را نگیرند و از ویژگی‌های اقلیمی منطقه هم حداکثر استفاده را ببرند.

وی با اذعان به این که استانداردهای زندگی با سال‌های دور بسیار متفاوت شده است، اضافه می‌کند: تکنولوژی امروزه

به ساختمان‌های مجاور هم توجه می‌شده و سازندگان طوری بنای خود را احداث می‌کنند که به‌طور مثال ساختمان مجاور از نظر بهره‌مندی از باد دچار مشکل نشود. وی شیوه معماری بومی ایران را درون‌گرا معرفی می‌کند و می‌گوید: در این معماری، توجه ساختمان به درون‌خانه است و با بیرون مانند معبر و خیابان تعامل مستقیم ندارد. در معماری درون‌گرا معمولا یک حیاطی وجود دارد که ساختمان‌ها اطراف آن ساخته شده‌اند و فضاهای جنبی و خدماتی هم در جبهه‌های مختلف حیاط قرار داشتند.

یکی از نکات جالب که رشتیچیان درباره آن توضیح داد، نحوه استقرار ساختمان‌های بیشتر از یک طبقه در محلات مختلف است. به‌طور مثال خانه تاریخی کبیر مجموعه‌ای از چند ساختمان است که قسمت جنوبی این مجموعه ساختمان‌های یک طبقه کوتاه و در بخش شمالی ساختمان دوطبقه اصلی قرار دارد. در این معماری ساختمان جلویی، مانع وزش باد به ساختمان عقب نمی‌شود و ساختمان عقب هم همیشه خنک‌تر می‌ماند.

این کارشناس معماری بایان این‌که در معماری بومی گرگان اتاق‌های اصلی پشت‌به‌پشت نیست و در هر دو جبهه دارای بازشو است تا کوران هوا ایجاد شود، ادامه می‌دهد: معماری در زندگی اجتماعی و حتی بافت شهر هم مؤثر است ولی امروزه هیچ‌کدام را نمی‌بینیم.

ویژگی‌های خانه‌های قدیمی گرگان مبتنی بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی



ویژگی	توضیحات
معماری درون‌گرا	در این معماری، توجه ساختمان به درون‌خانه است و با بیرون مانند معبر و خیابان تعامل مستقیم ندارد. در معماری درون‌گرا معمولا یک حیاطی وجود دارد که ساختمان‌ها اطراف آن ساخته شده‌اند و فضاهای جنبی و خدماتی هم در جبهه‌های مختلف حیاط قرار داشتند.
نحوه استقرار بنا	نحوه استقرار ساختمان‌های بیشتر از یک طبقه در محلات مختلف است. به‌طور مثال خانه تاریخی کبیر مجموعه‌ای از چند ساختمان است که قسمت جنوبی این مجموعه ساختمان‌های یک طبقه کوتاه و در بخش شمالی ساختمان دوطبقه اصلی قرار دارد. در این معماری ساختمان جلویی، مانع وزش باد به ساختمان عقب نمی‌شود و ساختمان عقب هم همیشه خنک‌تر می‌ماند.
سازگاری با اقلیم	به خاطر آب‌وهوای مرطوب و گرمای تابستانه گرگان تغییراتی در این الگوی معماری درون‌گرا داده شده است به این معنا که در طبقه دوم ساختمان‌های دوطبقه بازشوهایی به بیرون پیش‌بینی شده و البته این تغییر تأثیری در درون‌گرا بودن نداشته زیرا ساختار معماری را حفظ کرده و از طرفی درون‌خانه را در معرض دید قرار نمی‌دهد.

پیگیری می‌کنیم. هیئت‌مدیره این ضرورت را قبول کرده که بافت اصیل معماری هویت ما است و نباید گذاشت از بین برود.

موسوی با انتقاد از این که آسیب‌های معماری غیربومی سنجیده نشده است، بیان می‌کند: یکی از مشکلات این است که در حوزه توسعه شهری در کنار اتفاقات خوب، نظر جامعه مهندسی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و این مسئله کارشناسان را دلسرد کرده است.

او تشکیل کمیته سیما و منظر شهری را یکی از اقدامات مؤثر نظام‌مهندسی در حوزه معماری می‌داند و می‌گوید: درباره بافت تاریخی و سیما و منظر شهری حتی در خیابان‌های اصلی طرحی در حال تهیه است و امیدواریم این مسئله به‌عنوان تکلیف در اختیار شهرداری‌ها قرار بگیرد و خروجی



مسائل معماری مهم است و روی آن تعصب دارند. شاید اگر مهندسان دخالت داشتند اتفاق دیگری رقم می‌خورد و شاهد چنین وضعیتی نبودیم. وی درخواست مالک را در تعیین نوع معماری و نمای ساختمان بسیار مؤثر می‌داند و می‌گوید: مهندس معمار ما علی‌رغم میل باطنی چون قدرت انتخاب ندارد مجبور

باعث شده ما از وسایلی استفاده کنیم که راحتی ما را بیشتر فراهم کند. با این حال اگر ویژگی‌های اقلیمی را در نظر بگیریم می‌توانیم با مصرف انرژی کمتری به راحتی برسیم.

مصالح جدید معماری را آشفته کرده است

رشتچیان به انتقاد از مصالح و نمای به کار رفته در معماری جدید می‌پردازد و اضافه می‌کند: در گذشته تنوع کمتری از نظر مصالح داشتیم اما در عین حال هماهنگی در سیمای شهری وجود داشت، ولی امروزه تنوع مصالح باعث شده هر ساختمان از دامنه گسترده مصالح به انتخاب خود یکی را استفاده کند بدون این که به ساختمان‌های اطراف توجهی داشته باشد. این مصالح متأسفانه از نظر اقلیمی هم همخوانی با منطقه ندارند.

نقش مدیریت شهری و مهندسان در استفاده از شاخصه‌های بومی منطقه در معماری بسیار محرز است. متأسفانه یکی از مسائلی که در نفوذ سبک‌های معماری غیربومی در مناطق مختلف کشور از جمله گرگان دخیل بوده، نبود ضابطه و همچنین نداشتن نگاه تخصصی در مدیریت شهری است. شهرداری و نظام‌مهندسی دو دستگاهی هستند که باید در این زمینه نقش آفرینی کنند ولی اثرگذاری آن‌ها در این مسئله دیده نمی‌شود.

در گرگان علی‌رغم وجود سابقه تاریخی غنی و معماری بومی هیچ ضابطه‌ای برای معماری بخصوص نما نداریم و به همین دلیل شاهد نمایش معماری غیر اصیل وارداتی در این شهر هستیم.

سید مجتبی موسوی، رئیس سازمان نظام‌مهندسی ساختمان گلستان، ضمن قبول کوتاهی نظام‌مهندسی در این مسئله می‌گوید که متأسفانه نقش این سازمان در تصمیمات کلان شهری مانند تهیه طرح‌های جامع شهری دیده نشده و به آن‌ها به‌عنوان یک سازمان تخصصی اجازه ورود داده نمی‌شود.

او معتقد است وجود یک خلاء قانونی باعث نادیده گرفتن نظام‌مهندسی شده و تا این موضوع مطالبه عمومی سازمان در کشور نشود، مؤثر نخواهد بود.

وی نقش مهندسان در طراحی ساختمان‌ها را بسیار کلاسیک و ابتدایی می‌داند و می‌گوید: متأسفانه در شهر گرگان علی‌رغم وجود سابقه تاریخی غنی و همچنین معماری بومی با شاخصه‌های مهندسی، ولی هیچ ضابطه‌ای برای معماری بخصوص نما نداریم و به همین دلیل شاهد نمایش معماری غیر اصیل وارداتی در این شهر هستیم. موسوی تأکید می‌کند که این ضابطه باید توسط شهرداری در طرح جامع دیده شود و توضیح می‌دهد: برای مهندسان و سازمان نظام‌مهندسی این ضابطه‌ها و

است به درخواست مالک توجه کند و حقوق شهروندی به او اجازه نمی‌دهد که ممانعت کند.

به گفته وی، نما و معماری باید متناسب با محیط، معماری سنتی و اقلیم منطقه باشد و همه دستگاه‌ها را در راییت نشدن این الزامات دخیل هستند.

وی در پاسخ به این سوال که آیا نظام‌مهندسی به‌عنوان یک سازمان فنی اقدامی هم در این رابطه کرده یا خیر، توضیح می‌دهد: در نظام‌مهندسی دو نگاه جدی داریم. اول این که سازمان را با بافت تاریخی گرگان آشتی دادیم و در همین رابطه تاکنون چند دوره و کارگاه آموزشی برگزار کردیم و حتی جلسات خود را در بافت تاریخی گرگان برگزار می‌کنیم.

وی ادامه می‌دهد: الان هم بحث خانه «گفتمان شهری» را

این جلسات عملی شود.

وی فروش ضابطه یا فدا کردن مسائل فنی برای درآمد را یکی از مشکلات حوزه شهری می‌داند و یادآور می‌شود که اگر مدیریت شهری بر عهده مهندسان شهرساز و معمار باشد مقابل این مسائل ایستادگی می‌کنند.

وی اذعان می‌کند که نظام‌مهندسی هم باید تأثیرگذارتر و پاسخگو باشد زیرا در قدم اول قانون نظام‌مهندسی، روی مسئله معماری ایرانی و اسلامی تأکید دارد و اگر مشکلی هست نشان می‌دهد در این زمینه کوتاهی کرده است. معماری علاوه بر منظر شهری، روی فرهنگ و رفتار اجتماعی هم مؤثر است و در حقیقت ارتباط دوسویه‌ای با این مسئله دارد. به عبارت دقیق‌تر معماری همیشه از سبک زندگی تبعیت می‌کند و به گفته کارشناسان ارتباط معماری



سرزمینی خودمان باشیم بهانه انقلاب ما بود. او اضافه می‌کند: متأسفانه در جمهوری اسلامی هیچ شاخصه معماری جز مجموعه‌ای از هرج و مرج در ساخت‌وساز نداریم در حالی که دوران تاریخی ما هر کدام با شاخصه‌های معماری خود شناخته می‌شوند.

این دکترای معماری با یادآوری این که در طول تاریخ همواره تغییرات داشته‌ایم و این تغییرات همواره رو به رشد بود، بیان می‌کند: امروز ما نه تنها رشد نداریم، بلکه شاهد اضمحلال هستیم، از یک سو می‌خواهیم ارزش‌های خود را حفظ کنیم و از سوی دیگر می‌خواهیم رو به دنیا و مانند آن‌ها باشیم.

اگر می‌خواهیم معماری ما درست شود فقط باید زندگی را درست کرد و به میزانی که سبک زندگی را درست کرده‌اید معماری هم درست می‌شود؛ اظهار می‌کند: نمی‌توان امروز حد وسطی برای معماری در نظر گرفت یا ایده‌ای را پیشنهاد کرد که سبک معماری سنتی را در ساختمان‌های جدید ایجاد کند. اگر می‌خواهیم معماری ما درست شود فقط باید زندگی را درست کرد و به میزانی که سبک زندگی را درست کرده‌اید معماری هم درست می‌شود.

وی تنها راه رسیدن به معماری ایرانی اسلامی را نه تبلیغ آن، بلکه اجرای عملی آن در سطوح مختلف جامعه می‌داند و می‌گوید: معماری از فرهنگ می‌آید و راه اصلاح معماری هم فرهنگ است.

همان‌طور که عنوان شد شاخصه‌های معماری بومی ما برگرفته از اقلیم و رفتارهای اجتماعی منطقه بوده و ارتباط مستقیمی با اعتقادات ما داشته این روزها دستخوش تغییرات فراوانی شده که همین امر احیای آن را دشوار کرده است. باین حال کارشناسان معتقدند برای احیای این معماری تنها نباید به آئین‌نامه و قانون اکتفا کرد زیرا تا اراده و خواست مردم پشت این موضوع نباشد، دستیابی به آن غیرممکن است.

وی تغییر سبک زندگی و معماری ما و گرایش به سمت زندگی غربی را مربوط به اواخر دوره قاجار و اوایل دوران پهلوی معرفی می‌داند و ادامه می‌دهد: تکنولوژی، خوراک، پوشاک و مصالح ما از غرب رفته‌رفته وارد کشور شد. متأسفانه معماری ما هم در دوران پهلوی کلا جمع و سبک جدیدی پیاده شد.

معماری ایرانی اسلامی با آئین نامه اجرایی نمی‌شود

کتولی که تأکید دارد، معماری ایرانی اسلامی با هیچ آئین‌نامه، دستورالعمل و هیچ همکاری بین دستگاهی به دست نمی‌آید و هیچ‌وقت قابلیت دیگته شدن ندارد، مردم را مهم‌ترین بخش برای تغییر سبک معماری می‌داند و توضیح می‌دهد: اگر مردم بخواهند تغییر ممکن است، آن‌هم وقتی ارزش‌ها و سبک زندگی آن‌ها به این سبک برگردد، زیرا قوانین زیادی در شورای عالی شهرسازی تصویب شده ولی ریشه و بحث چیز دیگری است.

وی ادامه می‌دهد: وقتی کسی از نظر سبک زندگی تغییر کرده نمی‌توان با جریمه او را مجبور کرد. به‌طور مثال کسی که مکانیک نیست لباس مکانیکی را نمی‌پوشد و اگر مجبورش کنید مقاومت می‌کند. از نظر فرهنگی در از پاشنه جدا شده و ما را به سمتی بردند که از ریشه و جغرافیا جدا شدیم. ما اکنون بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی، آب، بنزین و ... در جهان هستیم در شرایطی که در سال‌های دور در سخت‌ترین شرایط زندگی کردیم و تمدن ساختیم.

کتولی در ادامه گذری هم بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نقش آن در معماری می‌کند و ادامه می‌دهد: انقلاب ما برای تغییر مسیر بود. شعار ما «نه شرقی نه غربی» بود پس باید مبتنی بر سبک زندگی خودمان باشیم. این که می‌خواهیم مبتنی بر ارزش‌های خودمان و ویژگی‌های

و سبک زندگی مانند ارتباط بدن و لباس است. کارشناسان معماری را حتی لباس دوم انسان می‌دانند.

زندگی در گذشته نشأت گرفته از مواهب زیستی، شرایط تاریخی و اعتقادات مذهبی بود.

حسین کتولی، دکترای معماری بایان این که ما در گذشته سبک زندگی مبتنی بر چند شاخص داشتیم و این شاخص‌ها در زندگی مردم جاری بود، اظهار می‌کند: زندگی در گذشته نشأت گرفته از مواهب یا امکانات زیستی در جغرافیای آن منطقه بود.

وی عامل دوم را شرایط تاریخی منطقه بیان می‌کند و می‌گوید: گرگانی‌ها از دو یا سه هزار سال پیش در همین اقلیم زندگی کرده و آموخته‌اند که آجر چه خاصیت و مزایایی برای آن‌ها دارد. به تجربه آموخته‌اند چوب چه نیازی از آن‌ها را برطرف می‌کند و یاد گرفته‌اند که روی دیوار غرب نباید پنجره تعبیه کنند و خانه را با یک‌فاصله کرسی بالاتر بسازند چون رطوبت به بنا و ساکنین آسیب می‌زند.

این کارشناس معماری عامل سوم را هم اعتقادات معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد: مردم منطقه از زمانی که شیعه شدند، از زمانی که عاشق ابا عبدالله شدند، این عقاید و باورها در معماری و سبک زندگی آن‌ها تأثیر گذار شد.

وی بایان این که معماری سنتی از تجربه به تکنیک و تکنولوژی ساخت رسیده است، بیان می‌کند: نکته بسیار مهم این است که معماری ظرفی است برای زندگی آدم‌ها.

کتولی با یادآوری این که زندگی نسل امروز بسیار با گذشته متفاوت شده، توضیحی درباره نام‌گذاری «معماری ایرانی اسلامی» می‌دهد و می‌گوید: این نام‌گذاری را الآن انجام می‌دهیم زیرا آن زمان چنین نامی وجود نداشت و به آن فقط معماری می‌گفتند. معماری الآن ما، چون هیچ ارتباطی با قبل ندارد نام‌گذاری می‌کنیم.



کار کرد پنهان معماری ایرانی در آرامش ساکنان / اصل «محرمیت» رنگ باخت



باوجودی که امروزه اشکال مختلف معماری نوین خانه‌های مدرن را شکل داده، اما خانه‌های قدیمی بیشتر تداعی‌گر آرامش بود؛ آرامشی که گفته می‌شود با پشت کردن به اصول معماری اصیل از دست می‌رود.



ونوس پنهود

زن در مقابل پنجره‌های بلند با شیشه‌های رنگی نشسته و گلدوزی را در دست گرفته و تالو رنگ‌های سبز و آبی و قرمز روی دامن گل‌دار او نشسته است. با نگاهی آرام سوزن را در بافت پارچه فروبرده و نخ‌های رنگی را در تاروپود پارچه می‌لغزاند.

گرمی مطبوعی حائل او و برف‌های دانه‌درشت آسمان است. سقف بلند تالار ارسی هم باعث نشده ذره‌ای از سرمای استخوان سوز برف به داخل خانه برسد. مرد از راه می‌رسد و سلام بلندی می‌دهد. برف حیاط را پارو کرده و حالا منتظر یک استکان چای از دستان پرمهری است که به سلامش با لبخند و خسته نباشید پاسخ گفته است.

کسی در می‌زند. از صدای کوبه مرد حدس می‌زند که بقالی سر کوچه مایحتاجی که سفارش داده را از شاگرد مغازه فرستاده است. خودش از تالار خارج می‌شود. حیاط را طی می‌کند و بعد از هشتی در خروجی خانه را باز می‌کند. شاگرد مغازه هر آنچه را آورده به زیرزمین منتقل می‌کند. نه نیازی به یخچال است و نه پیدا کردن سوراخ سنبه خنکی که بتوان برنج و حبوبات را نگهداری کرد.

مرد با شاگرد مغازه حساب می‌کند و به فضای خانه، چای گرم و گلدوزی‌هایی که یک گلبرگ آن در آرامش شیشه‌های بلند رنگی تکمیل شده بازمی‌گردد. خانه‌های تاریخی بازمانده اردبیل همگی تداعی آرامشی هستند که امروز در زندگی به اصطلاح مدرن و پر از امکانات اردبیل گم شده و رنگ و بوی خود را با هر قدر لوستر و مجسمه و گلدان کریستال که بخری بازمی‌یابند. خانه‌هایی که به عقیده محققان و کارشناسان بر اساس تناسب با فرهنگ و اقلیم منطقه بنا شده است و می‌توانست نیاز ساکنان را به عنوان یک چهاردیواری امن تأمین کند.

زمانی که آرامش از دست رفت

کمی آن طرف تر آپارتمانی بدشکل و بی‌حساب و کتاب در کنار خانه‌های افقی قد درازش را به رخ می‌کشد. از وقتی زمین‌ها گران شد خانه‌ها روی هم سوار شدند و برای جبران همه ناراحتی‌هایی که خانه‌های این چنینی داشت آدم‌ها خرت‌وپرت‌های تزئینی را دور خود جمع کردند. زن در آپارتمان مقابل تلویزیون نشسته و منتظر است همسر با غذای آماده‌ای از راه برسد.

کسی زنگ در را به صدا درمی‌آورد. بی‌حساب و با عجله به مقابل در خیز برمی‌دارد. مهمان ناخوانده برای اینکه دیده نشود از سوراخ روی در فاصله گرفته و چهره‌اش مشخص نیست. ناگزیر در باز می‌شود. همسایه دیوار به دیوار باز با چهره آشفته در چارچوب در خشک شده است. زن دلیل آمدن را می‌پرسد. همسایه از

صمیمی و نزدیک به هم داشت و مانع از فخر فروشی می‌شد و همین که مصرف‌کننده مصالح را از محل بومی خود تهیه می‌کرد موجب می‌شد معماری مردم وار و در خدمت انسان باشد.

مفهوم محرمیت رنگ باخته است

عضو کمیته سیما و منظر راه و شهرسازی استان معتقد است خانه‌های تاریخی برخوردار از ویژگی‌هایی است که آرامش را برای ساکنان تداعی می‌کند. وی افزود: به عنوان مثال خانه‌ها همه بی‌تفاوت به فقیر و غنی بودن به یک شکل احداث می‌شده، اندرونی و بیرونی تعریف می‌شد و کوبه‌های متفاوت برای مرد و زن مهمان تدارک می‌دیدند.

وزیری با بیان اینکه حتی در کوچک‌ترین خانه‌های تاریخی اردبیل به موضوع اندرونی - بیرونی توجه شده است، اضافه کرد: در واقع در بخش بیرونی مهمان پذیرش می‌شد و به دلیل اینکه شعار «مهمان حبیب خدا است» جایگاه ویژه‌ای داشت همه خانه‌ها بخش مهمان‌پذیر داشتند.

از سویی مدیرکل میراث فرهنگی استان اردبیل نیز به لحاظ فرهنگی اصل اول خانه‌سازی در گذشته را محرمیت عنوان کرد.

کریم حاجی‌زاده تصریح کرد: خانه‌های اردبیل تا اواسط دوره پهلوی برخوردار از هویت است. در حال حاضر اغلب خانه‌های تاریخی اردبیل متعلق به دوره قاجار است که معماری با فرهنگ و اقلیم هماهنگ می‌شد.

وی افزود: از دوره پهلوی که به اصطلاح مدرنیته وارد زندگی مردم می‌شود، در واقع معماری نیز تغییر می‌یابد و این در حالی است که در خانه‌های تاریخی به جا مانده می‌توان منطق طراحی و دقت ریاضی قابل توجهی را مشاهده کرد. به گفته حاجی‌زاده پلان بندی ساختمان‌های قدیمی در کشور طوری است که اگر فردی می‌خواهد وارد خانه شود از کوچه

صدای حرف زدن‌های طولانی او با همسرش و از صدای طولانی تلویزیون به هم ریخته و زن را تهدید می‌کند که شکایت خواهد کرد.

یادش می‌اندازد که همین سال گذشته به خاطر قدم زدن‌های طولانی همسایه طبقه بالا از وی شکایت کرده و اعصاب حرف زدن‌های او با همسرش را ندارد.

زن در را با ناراحتی می‌بندد در حالی که فریاد می‌زند چاردیواری اختیاری. مدتی از آمدن همسایه گذشته مرد از راه می‌رسد. حالا که غیر زدن‌های زن برای ناتوانی در خرید خانه مناسب بالا گرفته پیتزا سرد می‌شود و از دهن می‌افتد و در نهایت نخورده به سطل آشغال سُر می‌خورد و مرد به اتاق کارش پناه می‌برد.

به عقیده استادیار دانشگاه محقق اردبیلی معماری تاریخی اردبیل سه کارکرد اصلی فرهنگی دارد که امروز مورد غفلت است و همین غفلت مشکلات اساسی را برای ساکنان به دنبال داشته است.

همین که خانه‌ها نما و کالبد گرم و صمیمی و نزدیک به هم داشت و مانع از فخر فروشی می‌شد و همین که مصرف‌کننده مصالح را از محل بومی خود تهیه می‌کرد موجب می‌شد معماری مردم وار و در خدمت انسان باشد. وحید وزیری گفت: در اردبیل که اقلیم سردی دارد در معماری به سه اصل افقی بودن، شفافیت و شادی توجه شده است. معماری افقی به این معنی بود که با وجود برخوردار از زمین‌معماران و مالکان به ارتفاع‌سازی فکر نمی‌کردند و به ندرت حتی در معماری تاریخی ایرانی نیز ارتفاع‌سازی مشاهده می‌شود.

وی شفافیت را اصل دیگری می‌داند که به جای توده سازی در معماری فضا‌سازی انجام می‌شد و فشارهای روانی وارده به مصرف‌کننده در این نوع معماری به حداقل می‌رسد؛ در عین حال شادی مفهومی بود که بسیار به آن توجه شده است.

به گفته وزیری همین که خانه‌ها نما و کالبد گرم و



«سقف دو پوش دیبرستان صفوی اردبیل»



«شیشه های رنگی خانه وکیل»

های سفت خاک رسیده و از خود خاک حفاری برای ساختوساز استفاده می کردند. عضو کمیته سیما و منظر راه و شهرسازی استان البته موافق این ادعا نیست و اعتقاد دارد این خود مالکان هستند که علاقه ای به رعایت بسیاری از اصول موفق معماری ندارند.

وزیری تأکید کرد: بی شک با تغییر سبک زندگی نمی توان تمامی قالب معماری گذشته را تکرار کرد و این تکرار صحیح نیست اما می توان بسیاری از اصول معتبر آن را در خانه های مدرن امروزی پیاده ساخت.

وی عمده نکته قابل توجه را سیما و نمای خانه ها و استفاده از المان های بومی و متناسب با فرهنگ دانست و افزود: به عنوان مثال چه ایرادی دارد که طرح های مشبک های بقعه شیخ صفی الدین در تزئینات نمای منازل جدید ما استفاده شود.

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی متذکر شد: در گذشته خانه ها در قالب محلات تعریف می شد و هر محله برای خود قهوه خانه، مسجد و حمام داشت و مفهوم «شهر ما، خانه ما» به واقع مشاهده می شد.

وی افزود: علاوه بر منظر شهری بازگشت به مصالح بومی نیز علاوه بر صرفه اقتصادی می تواند خود به قابلیت معماری استان تبدیل شود.

به گفته وزیر در قوانین کشور آمریکا یکی از امتیازات خانه های مسکونی میزان استفاده از مصالح بومی است و این در حالی است که در خود استان مصالح بومی قابل توجهی وجود دارد و می تواند استفاده شود.

وی تأکید کرد: بهره گیری صحیح از معماری گذشته باید آموزش داده شود و حتی می توان فرهنگ سازی را از سنین پایین آغاز کرد.

در عین حال شهردار اردبیل بخشی از برنامه های فرهنگی بلندمدت این مجموعه را توجه به نشانه های فرهنگی و بومی در معماری شهری عنوان کرد.

حمید لطف الله بیان گفت: هر شهری باید تداعی گر فرهنگ و داشته های تاریخی آن باشد و شهرداری اردبیل رعایت الزامات فرهنگی به ویژه در معماری بناها را مورد تأکید دارد.

وی افزود: از جمله اینکه در تلاش هستیم تا حد امکان رعایت مؤلفه های فرهنگی در ساختوسازها فرهنگ سازی شود و خود شهرداری در پروژه های عمرانی به این موضوع توجه دارد.

هر چند هنوز طرح و برنامه عملیاتی به منظور دست یابی به این مهم در اردبیل اجرا نمی شود، اما به تعبیر کارشناسان معماری حتی یک خانه مسکونی منظر شهر را متأثر می سازد و میزان بهره گیری از داشته های فرهنگی و بومی یک خانه مسکونی می تواند خود به بازآفرینی هویت منجر شده و یا ناخواسته هویت موجود را از بین ببرد.

و به مقوله حفظ گرمایش خانه توجه ویژه می شد. در عین حال عضو نظام مهندسی ساختمان استان اردبیل نیز معتقد است یکی از دلایلی که موجب می شد خانه های قدیمی به شکل مطلوبی حافظ انرژی باشد، دیوارهای کلفت خانه ها است.

امروز هزینه های گزافی برای تزئین و دکوراسیون صرف می شود اما حرف زدن ساده شما را همسایه دیوار به دیوار می تواند بشوند. ناصر شاهبازی متذکر شد: دیوارهای ضخیمی که در دورتا دور ساختمان اجرا می شد خود به عنوان حائل سرما و گرما عمل می کرد.

وی با ابراز تأسف از سهل انگاری معماران و مالکان ساختمان ها ادامه داد: امروز هزینه های گزافی برای تزئین و دکوراسیون صرف می شود اما حرف زدن ساده شما را همسایه دیوار به دیوار می تواند بشوند.

مدیرکل میراث فرهنگی استان نیز شکل و فرم قرارگیری پنجره ها را دقت ریاضی معماران گذشته در محاسبات و طراحی برای جذب حداکثری نور خورشید می داند.

حاجی زاده در این خصوص تأکید کرد: اغلب تالارهای خانه های تاریخی اردبیل جنوبی است و فرم پنجره ها مستطیل های طولی ایستاده است که در طول روز می تواند بیشترین میزان نور خورشید را جذب کند.

وی افزود: علاوه بر کلفتی دیوارها و مصالح بومی که استفاده می کردند برای حفاظت از انرژی پشت پنجره های شیشه ای درهای چوبی اجرا می شد که در زمان سرما بسته شده و مانع از اتلاف انرژی بود.

به گفته حاجی زاده با یک مهندسی دقیق بخش هایی که حرارت مصنوعی دارد مانند آشپزخانه را پشت تالار قرار می داند تا به عنوان حائل حرارتی عمل کند.

وی متذکر شد: با توجه به اینکه اردبیل یک دشت رسوبی است، در گذشته برای احداث ساختمان کمی حفاری کرده و لایه های سفت خاک رسیده و از خود خاک حفاری برای ساختوساز استفاده می کردند.

مدیرکل میراث فرهنگی استان به استفاده از سقف های دوپوشی که می شد بین آن دو حرکت کرد نیز اشاره کرد و گفت: این مهم حتی با هدف حفاظت تزئینات سقف انجام می شد.

وی تأکید کرد: فاصله بین کوچه و ساختمان به عنوان زیرزمین استفاده می شد که هم کارکرد انباری و هم حائل رطوبتی و گرما و سرما را داشت.

خانه فرهنگ ساکنان را تداعی می کند

در آشفته بازار امروز خانه های مسکونی بسیاری از نیازهای ضروری ساکنان مورد غفلت معماران قرار می گیرد. با توجه به اینکه اردبیل یک دشت رسوبی است، در گذشته برای احداث ساختمان کمی حفاری کرده و لایه

وارد هشتی خواهد شد. هشتی به معنی بیرون زدگی به شکل هشت ضلعی خود تأکید ندارد بلکه به نوعی رعایت محرمیت خانه را از سوی مهمان توقع دارد.

مدیرکل میراث فرهنگی استان افزود: در اغلب خانه های اردبیل در مقابل هشتی دیوار مسدود دیده می شود و فرد با زاویه ۱۸۰ درجه وارد حیاط می شود؛ در حالی که حیاط در مرکز ساختمان نیست که فرد غریبه بتواند ساختمان را تجسس کند و بین حیاط و ساختمان اختلاف سطح وجود دارد.

حاجی زاده متذکر شد: در تمامی خانه های تاریخی الزامات فرهنگی رعایت شده و حتی خانه های اربابی معمولاً دو بخش اندرونی و بیرونی دارد که در بخش بیرونی مراجعات کاری صورت می گرفت.

وی افزود: در عین حال در درق الباب نیز دو کوبه یکی برای زنان و دیگری برای مردان انتخاب می شد و هر جنسیتی کوبه خود را به صدا درمی آورد تا صاحب خانه بداند مرد یا زن پشت در است.

قرارگیری ساختمان ها همسو با خورشید

نه تنها در مباحث فرهنگی بلکه در اقلیم نیز تأمین نیاز و رفاه ساکنان در خانه ها منظور می شد.

یکی از کهن سالان اردبیلی گفت: ما در گذشته زمستان های به مراتب سردتری داشتیم؛ تا جایی که ارتفاع برف تا کمر آدم می رسید و برای اینکه بتوانیم تردد کنیم در داخل برف تونل می ساختیم.

علی رفتگی تصریح کرد: خانه های قدیمی نه بخاری گازی داشت و نه شوفاژ اما با همان کرسی گرم می شد و خود مردم هم زمستان که می شد برای تأمین پوشاک و گرم نگه داشتن خانه همت می کردند.

به عقیده استادیار دانشگاه محقق اردبیلی دلیل تعارضی که امروز در گرمایش خانه های قدیمی و مدرن دیده می شود بازهم بخشی از آن به معماری بازمی گردد.

وزیری افزود: در معماری تاریخی ایران در مناطق گرم بادگیرها و در اقلیم سرد زمستان نشین تعبیه می شد؛ در روستاها محل نگه داری حیوانات را مشرف به اتاق نشیمن می کردند و کوره و تنور را نزدیک نشیمن می ساختند.

این استاد دانشگاه فعال در حوزه معماری اردبیل دلیل اینکه کرسی های قدیمی بیشتر گرمابخش بوده را بخشی به فرهنگ حاکم در بین ساکنان مرتبط می داند و معتقد است اینکه ما در زمستان لباس نازک بپوشیم و شعله بخاری را زیاد کنیم قابل قبول نیست؛ در گذشته تحمل شخصی آدم ها بالاتر بود و نه تنها ساختمان بلکه ساکنان ساختمان نیز خود را با شرایط اقلیمی تطبیق می داند.

به گفته استاد دانشگاه های اردبیل در واقع زیرزمین خانه های قدیمی به عنوان زمستان نشین کاربرد داشت

معماری ایرانی دستخوش تهاجم فرهنگی / محله‌های جدید هویت ندارند

همین محله از سر مردم کرمان مناره درست کرد. برخی از محله‌های کرمان نیز بنا به وقایع تاریخی شکل گرفته اند. مثلاً در محله پا منار همچنان مردم داستان‌های محله آقا محمدخان قاجار را برای هم تعریف می‌کنند و نام این محله به این دلیل پامنار گذاشته شده است که آقا محمد خان در همین محله از سر مردم کرمان مناره درست کرد.

هم اکنون پس از سال‌ها ۳۲ محله کهن کرمان برخی از محله‌ها همچنان پا برجا هستند، ساختار این محله‌ها کاملاً منطبق بر نیازهای اجتماعی مردم است؛ مثلاً کوچه‌هایی در این محله‌ها وجود دارد به نام آشتی کنان؛ مردم در گذشته دو نفر را که با هم قهر بوده‌اند از دو سوی کوچه گذر می‌دادند و وقتی این دو به هم می‌رسیدند به دلیل عرض بسیار کم کوچه‌ها مجبور بودند از کنار هم بگذرند و به هم سلام کنند.

اما بدون شک هسته مرکزی شهر کرمان بازار کهن این شهر است، سرراه، سراچه‌ها و راسته بازارهای متعددی که روزگاری کانون اجتماعی اصلی شهر کرمان بوده و ساختار اجتماعی زندگی مردم شهر در این بازار هنوز هم مطابق قدیم حفظ شده است، مردم با لهجه غلیظ کرمانی با هم سخن می‌گویند و بنا به طبع کرمانی هنوز هم در سخن هایشان شوخ طبعی جزئی جدا نشدنی است.

در برخی از خیابان‌های شهر خانه‌های قدیمی وجود دارد که هر یک می‌تواند بخشی از یک محله باشند که بیشتر شامل خانه‌های زرشتیان کرمان است.

«الاشت» یکی از این خیابان‌هاست این عمارت‌ها شامل ساختمان‌های مرکزی هستند که بر فراز آنها بادگیرهای بزرگ نصب شده است، وجود باغ‌های بزرگی که درختان کهن چنار درون آن‌ها خودنمایی می‌کند هنوز هم چشم نواز است و ده‌ها تلمبه بادی که با ورزش باد پره هایشان به گردش در می‌آید و مردم کرمان با صدای چرخش پره هایشان خاطره بازی می‌کنند.

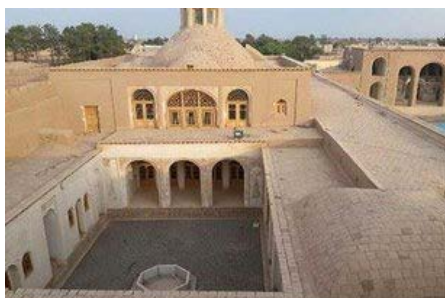
اینجا کرمان است شهری که قدمت قدیمی ترین آثار به جای مانده در آن مشخص نشده است اما مردمانش هنوز هم در کوچه پس کوچه‌های این شهر به معنای واقعی زندگی می‌کنند.

حفظ ساختار سنتی خانواده مهمترین اصل کرمانی‌ها

«ماشالله ایرانمنش» پیرمردی ۹۰ ساله است با لهجه کرمانی و قدی خمیده اما همچنان در کنار همسر ۸۰ ساله اش حاجه خانم مومنی در یکی از همین خانه‌های تاریخی زندگی می‌کند. ایرانمنش که سابقاً معلم بوده از خاطراتش و زندگی سنتی مردم در گذشته سخن می‌گوید و یاد قدیم‌ها را زنده می‌کند. اینکه روزگاری که برق، گاز و آب لوله‌کشی نبوده چگونه خانه‌ها به گونه‌ای بنا می‌شدند که نیازهای مردم را برآورده می‌کردند از زمستان نشین و تابستان نشین تا اتاق بهاره و مطبخ‌هایی که جز زنان خانه کسی حق ورود به آن‌ها را نداشته است.

اتاق‌های اندرونی که کاملاً از بخش مهمانخانه جدا بوده اند و البته مهمانخانه‌ها بنا به خصلت مهمان‌نوازی مردم کرمان در بهترین جای خانه قرار می‌گرفته‌اند.

پیر مرد کرمانی می‌گوید: در محله ما بسیاری از جوانان به سمت تجدد گرایي سوق پیدا کرده‌اند در صورتیکه این همه طلاق و جدایی که در شهر وجود دارد به دلیل نبود سایه پدر و مادر بالای سر زوج‌های جوان است، تعجب می‌کنم وقتی به خانه‌های کنونی وارد می‌شوم آشپزخانه‌ها دیوار ندارند در صورتیکه اگر به مطبخ خانه ما سر بزیند کاملاً از بخش داخلی خانه جداس و ما حتی تور و اجاق خانه را دست زده



خیال نیست اگر سری به محله‌های قدیمی شهر کرمان بزیند هنوز هم هستند محله‌هایی که مردمانش در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند.

در شهر کرمان محله‌ها بر مبنای اعتقادات، باورها و دین مردم بنا شده‌اند که می‌توان به محله بالاسری، پایین سری، یهودی و زرشتی اشاره کرد و گاه بناها به اقتضای حرفه‌ها شکل گرفته‌اند مانند محله‌ها قالیبافان، خشت مال‌ها، چوپان محله، کشتکاران و زرگران.

از محله‌های قدیم کرمان که هنوز پا برجا هستند و خانه‌های قدیمی در آن‌ها وجود دارند می‌توان به محله‌های خواجه خضر، محله بازار شاه، بازار عزیز، باغ نشاط، پامنار، توکل آباد جانی آباد، دولت‌خانه، دوازده‌ماه، زرشتیان، سلسبیل، شاه‌عادل، فیروز آباد، بادبزی‌ها و ... اشاره کرد برخی از این محله‌ها از مهاجران یک روستا که سال‌ها قبل به شهر مهاجرت کرده‌اند تشکیل شده است، مثلاً در محله فیروز آباد محله‌ای کوچک وجود دارد به نام چترودی‌ها که همگی ساکنانش، نیاکانشان اهالی روستای چترود در نزدیکی شهر کرمان هستند.

محله‌هایی که نقش خاطره می‌زند

محله‌های کرمان از ارکان مختلفی تشکیل می‌شدند که شامل کوچه‌ها، بازارچه‌ها و میدان اصلی بوده است و گرداگرد این محله‌ها مسجد، تکیه، حمام، زورخانه، آب‌انبار، بازارچه و ... وجود داشته است که هنوز هم پا برجا هستند که از جمله این محله‌ها می‌توان به محله‌ته باغ‌له‌له و یا خواجه خضر اشاره کرد، اما اکثراً به دلیل رواج احداث ساختمان‌های مدرن شکل این محله‌ها تغییر یافته و هر کدام از اجزای محله‌های قدیمی در بخشی از محله‌های کنونی قرار گرفته است.

قدمت برخی از این محله‌ها آنقدر زیاد است که چندین نسل در آن‌ها زندگی کرده‌اند مثلاً قدمت مسجد محله خواجه خضر که به قرن‌ها قبل باز می‌گردد. این مسجد پس از گذشت قرن‌ها همچنان در کنار میدانی در مرکز همین محله وجود دارد و بسیاری از مراسم مردم کرمان در این مسجد برگزار می‌شود.

در محله پا منار همچنان مردم داستان‌های محله آقا محمدخان قاجار را برای هم تعریف می‌کنند و نام این محله به این دلیل پا منار گذاشته شده است که آقا محمد خان در

خانه‌های سنتی نقش ارتباط‌گری با جامعه ایرانی دارند؛ چنانکه جریان پویای اجتماعی از خانه، کوچه و محله شکل می‌گیرد از این جهت است که معماری ایرانی نیز دستخوش تهاجم فرهنگی شده است.



اسما محمودی

هنوز هم ماهی‌های قرمز در حوض هشتی میانه خانه‌های تاریخی شهر کرمان بالا و پایین می‌روند و یاد در یادگیرهای این شهر زمزمه زندگی سر می‌دهد، کودکان در حیاط بزرگ این خانه‌ها در پی هم می‌دوند و پشت ستون‌ها و هشت دری‌ها با کج ببری‌ها و کاشی‌های فیروزه‌ای پنهان می‌شوند.

ظهر که از راه می‌رسد نور پنجره‌های رنگی اتاق‌های نشیمن تا میان خانه پهن می‌شود. روزهای پایانی پاییز است. سرداب‌ها میزبان هندوانه و انار شب پلدا شده‌اند. شب پلدا که بیاید اهالی کرمان بزرگترین دوره‌می خانوادگی شان را جشن می‌گیرند.

قالیچه‌های کرمانی دست باف یکی یکی پهن می‌شوند و پشتی‌های پته بر دیوارها تکیه می‌دهند، روبرو ایوان خانه حیاط و باغچه با برگهای چنار کهنسال فرش شده است و صدای گنجشک‌ها در گرمای آفتاب پاییزی فضای خانه را پر کرده است.

میانه حیات یک حوض هشتی قرار دارد و گلدان‌ها اطراف حوض چیده شده‌اند. اینجا کرمان است. هنوز حال مردمش به لطف کویر خوب است.

اتاق‌های خانه دور تا دور حیاط پراکنده هستند در هر اتاق یکی از اعضای خانواده اصلی به همراه همسر و فرزندانشان زندگی می‌کنند و پدر و مادر در اتاق‌هایی با پنجره‌های مشبک مشرف بر حیاط خانه ساکن شده‌اند.

خانه‌های قدیمی کرمان چینی‌س متفاوت دارد. اتاق‌های خانه دور تا دور حیاط معماری شده‌اند در هر اتاق یکی از اعضای اصلی خانواده به همراه همسر و فرزندانشان زندگی می‌کنند و پدر و مادر در اتاق‌هایی با پنجره‌های مشبک مشرف بر حیاط خانه ساکن شده‌اند و زندگی در این خانواده در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ پدر و مادر و نوه‌ها شکلی سنتی به خود گرفته است.

اینها روایتی از یک مجموعه تلویزیونی تاریخی و یا خواب و



ایم. چهار نفر از فرزندانم با خانواده هایشان هنوز در خانه ما زندگی می کنند و اتاق ها را بین همدیگر تقسیم کرده ایم و از مطبخ به صورت مشترک استفاده می کنیم، بچه ها هم با یکدیگر و زیر نظر پدر مادر و عمه و عمو بزرگ می شوند و درس زندگی می آموزند.

وی می افزاید: چهار نفر از فرزندانم با خانواده هایشان هنوز در خانه ما زندگی می کنند و اتاق ها را بین همدیگر تقسیم کرده ایم و از مطبخ به صورت مشترک استفاده می کنیم، بچه ها هم با یکدیگر و زیر نظر پدر مادر و عمه و عمو بزرگ می شوند و درس زندگی می آموزند.

پیرمرد یادی از گذشته ها می کند و آهی می کشد و می گوید: بسیاری از مردم از این محله ها رفته اند اما اینجا هنوز به برکت وجود خانه «سید خوش رو» بافت سنتی خود را دارد.

وی با افتخار می گوید: عزاداری عاشورایی مردم هنوز هم در خانه خوشرو با همان شکل و شمایل قدیمی اش برگزار می شود و مردم همین کوجه های مسقف را فرش و عزاداری می کنند چون اینجا بوی زندگی می دهد.

هنوز هم برخی از خانواده های کرمانی در خانه های تاریخی زندگی می کنند با این وجود بسیاری از مردم ترجیح می دهند در خانه هایی با معماری مدرن اوقات خود را سپری کنند و در محله های قدیمی که ساخت و ساز جدید در آن ها در حال انجام است مردم سعی می کنند خانه های خود را کنار هم بسازند و در واقع خانه های یک خانواده بزرگ در نزدیکی هم شکل گرفته اند.

اما در محله های تازه ساز به خصوص در غرب شهر کرمان دیگر نشانی از این نحوه از زندگی دیده نمی شود. شهر کرمان یکی از ساختارهای کاملا سنتی در ایران محسوب می شود که در کنار شکل خانه ها همچنان خانواده هایی هستند که مطابق با ساختار سنتی خانواده زندگی می کنند و براساس تحقیقات میزان مشکلات اجتماعی و آسیب ها در این نوع خانواده ها کمتر است.

کنار هم زندگی کردن خانواده ها، تصمیم گیری جمعی با مدیریت بزرگترین فرد خانواده، رعایت اصول و سنت ها، نوع زندگی و وسایل زندگی، کسب و کارهای خانوادگی موروثی از جمله نمادهای این سبک زندگی هستند که هنوز هم در برخی از محله ها و خانه های قدیمی کرمان دیده می شود. این خانه ها بسیار وسیع و متشکل از چندین اتاق شامل زمستان نشین، تابستان نشین، سرای بزرگ برای مهمانان، حوض های هشتی زیر سقف و بادگیرهای بزرگ، حوض های هشتی در حیاط و درختان و باغچه های وسیع، سراچه ها،

بسیار پایین جمعیتی برخوردار است و زیرساخت های شهری رها شده و در مقابل وضعیت خدمات شهری در سایر قسمت های شهر با چالش عمده مواجه شده است. در حالیکه قبل از این در ساختار خانوادگی کرمان حمایت خانواده در اوج خود قرار داشت اما هم اکنون آپارتمان نشینی و دوری اعضای خانواده ها از یکدیگر آسیب ها و مشکلات اجتماعی را افزایش داده است.

طی ماه های اخیر با همکاری شهرداری و میراث فرهنگی استان کرمان روند مرمت آثار تاریخی کرمان بسیار پر رنگ دنبال می شود بطوریکه بسیاری از این خانه های تاریخی تملک و بازسازی شده و یا در حال بازسازی هستند.

طرح های فرهنگی خانواده محور توسط دستگاه های فرهنگی، سمن ها و گروه های مردمی در کرمان افزایش یافته است و همچنین آپارتمان نشینی دسته جمعی در کرمان رو به افزایش است، بطوریکه اعضای یک خانواده مجتمع مسکونی را خریداری و در آن زندگی می کنند.

هر چند مولفه های معماری سنتی به صورت عینی در معماری جدید رسوخ نکرده است اما به صورت ملموس نمای برخی از مجتمع های شخصی در کرمان به سمت تزئین های سنتی متمایل شده و به نظر می رسد این سرآغازی برای عصری جدید در معماری کرمان باشد.

در بررسی های خبرگزاری مهر حتی خانه ای در کرمان یافت شد که کاملا مطابق با معماری سنتی و با استفاده از تکنولوژی های روز در حال احداث است و در حیات این خانه مقاطع تاریخی مختلف شهر در قالب نقاشی و مجسمه سازی به تصویر کشیده و سعی شده که از بادگیر برای سیستم تهویه خانه استفاده شود اما معمار و مالک این خانه از مصاحبه در خصوص انگیزه اش از احداث چنین خانه ای خودداری کرد.

این نشان می دهد هنوز فرهنگ استفاده از معماری سنتی در کرمان نهادینه نشده است و اگر هم معدود افرادی به این سمت سوق پیدا می کنند برای مقاصدی جز گرایش به فرهنگ و معماری اصیل است.

نگاهی به تکنیک و کاربری معماری سنتی در کرمان

مهیبار صادقی از جمله معماران کرمانی است که مدرک کارشناسی ارشد معماری دارد و پایان نامه اش را در خصوص معماری سنتی کرمان گذرانده است می گوید: وقتی به معماری سنتی شهر کرمان نگاه می کنیم به این نتیجه می رسیم که خانه بر مبنای آسایش و اعتقادات و رسوم مردم ساخته می شده است در واقع هر بخش از خانه یا نیازی را برآورده می کرده و یا بنا به اقلیم منطقه مردم را در بیشترین

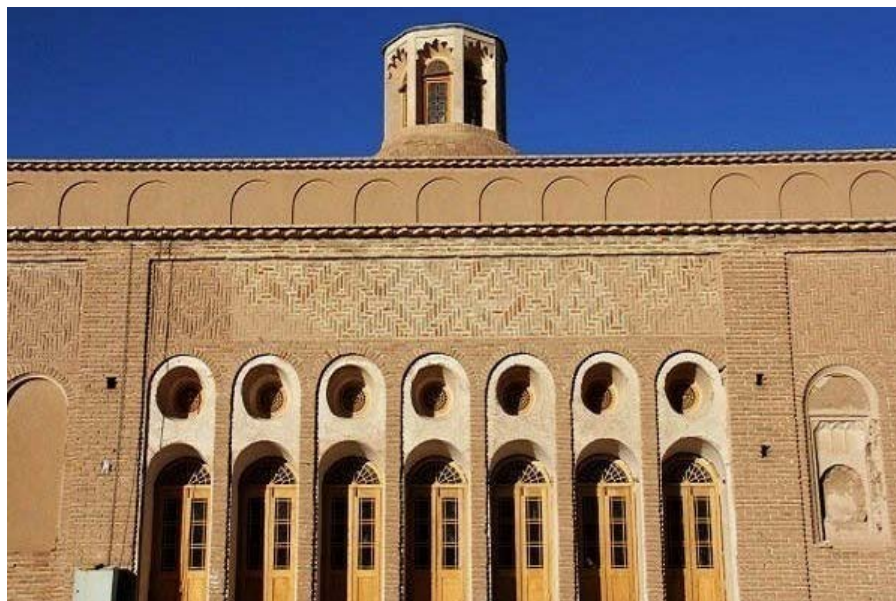
بهار خواب، اتاق بادگیر، بام گنبدی شکل و مطبخ بوده اند. در اتاق های گوناگون این خانه ها اعضای مختلف هر خانواده پس از تشکیل خانواده زندگی می کردند و خانواده های فرعی در دل خانواده اصلی ایجاد می شدند.

نگاهی به مصالح خانه های سنتی کرمان

مهمترین مصالح به کار رفته در این خانه ها خشت و گل بوده است اما نمای بیرونی این خانه ها با گچ بری، کاشی کاری و مصالح دیگر تزئین می شده و درب خانه ها چوبی است. با وجود اینکه هنوز محله های قدیمی شهر پا برجا مانده اند اما به دلیل عدم بازسازی خانه ها و تجددگرایی مردم در حال حاضر اکثر مردم کرمان این بخش از شهر را ترک کرده اند و به جز خانه هایی که قابل سکونت هستند برخی از این خانه ها تبدیل به انبار و یا متروکه شده اند.

رها شدن خانه ها موجب شده برخی قسمت های بافت تاریخی کرمان به ویرانه تبدیل شود و حیات این بخش از شهر به خطر افتاده است. برخی از مالکان نیز اقدام به تخریب شبانه و ناگهانی این خانه می کنند و در زمان اندک آپارتمان و برج ها جای این خانه ها را می گیرند.

مرکز و شرق شهر کرمان به عنوان قلب بافت تاریخی، به دلیل مهاجرت مردم به سمت شمال و غرب شهر از تراکم



منطقه مضاف بر استفاده از شرایط آب و هوای آن منطقه زیبایی خاص خود را داشته است و با دست و فکر ایرانی انجام می شده است.

وی با اشاره به اینکه معماران با نیت و معرفت خاص اسلامی خود کار می کردند، اظهار کرد: محمد معمار یزدی معمار مجموعه گنجعلی خان بدون وضو کار خود را شروع نمی کرد، همین امر هم باعث شده این مجموعه بعد از ۴۰۰ سال سرپا باقی بماند و مایه افتخار باشد.

وی عنوان می کند: در حال حاضر با کمال تأسف زشت ترین، بدترین و بی اندیشه ترین نوع معماری را در جامعه شاهد هستیم.

وی با اشاره به معماری غلط بر گرفته از سبک های خارجی در مناطق کویری، می گوید: استفاده از سقف شیروانی و شیشه برای معماری در مناطق کویری با وجود خورشید تابان که یک نعمت بی نظیر برای استفاده از انرژی های پاک است کاری اشتباهی است.

وی تصریح می کند: معماری غلط بر گرفته از معماری خارجی باعث صرف هزینه های زیادی در خصوص خنک نگه داشتن خانه ها می شود در گذشته منقل آتش خانه را در فصل زمستان گرم نگه می داشت اما امروزه با این سبک معماری انرژی برق زیادی باید مصرف شود.

راه اندازی اتاق فکر احیای سبک زندگی ایرانی در کرمان

وی از راه اندازی اتاق فکر با حمایت استاندار کرمان خبر می دهد و می گوید: افراد متخصص یک روز در طول هفته دور هم جمع می شوند تا در خصوص برجا ماندن سبک معماری سنتی اسلامی در کرمان راه حلی بیابند.

به عقیده کارشناسان خانه های سنتی نقش ارتباط گیری با جامعه ایرانی دارند؛ چنانکه جریان پویای اجتماعی از خانه، کوچه و محله شکل می گیرد از این جهت است که معماری ایرانی نیز دستخوش تهاجم فرهنگی شده است و امروزه باید مصادیق دست اندازی غرب در فرهنگ ایرانی را در معماری هم دنبال کرد.

رئیس مرکز کرمان شناسی با وارد کردن سبک معماری خارجی مخالفت و معتقد است: همانطور که کشورهای دیگر از ورود معماری خشت و گل جلوگیری می کنند ما هم اجازه این کار را به آن ها نمی دهیم.

وی با بیان اینکه هر کسی با هر تفکری و فرهنگی نمی تواند الگوی معماری خود را به ما تحمیل کند، می گوید: این الگو علاوه بر اینکه ظاهر شهر را تحت تاثیر قرار می دهد، بر روی فرهنگ مردم آن شهر هم موثر است.

گلاب زاده می افزاید: با ورود اسلام، معماری سنتی ایرانی تحول پیدا کرد و تکامل یافت؛ ارزشمندترین تاثیر معماری سنتی بر جامعه ما این بود که زمینه انس و الفت را فراهم می کرد.

وی ادامه می دهد: خانه های قدیمی در چهار سمت و سویشان اتاق بود که اعضای خانواده با هم زندگی می کردند.

گلاب زاده توضیح می دهد: در طول تاریخ، خانه ها و کوچه های سنتی شهر توانسته اند ارتباط قوی با جامعه ایرانی ایجاد کنند.

شهر کرمان با وجود تمام فراز و نشیب هایی که در خصوص حفظ و مرمت بناهای تاریخی طی کرده اما هنوز هم یکی از مهمترین شهرهایی است که بافت سنتی خود را تا حدود بسیار زیادی حفظ کرده است.

مردم همچنان در خانه های تاریخی دور هم جمع می شوند روی ایوان ها روی قالیچه های کرمانی و دور سینی های قهوه قوتو و کلمپه کرمانی می نشینند و در حالی که مردان از خاطر اشناسن سخن می گویند زنان و دختران بر پته های دست بافت کرمانی سوزن می زنند و امیدوارند این سبک زندگی برای نسل های بعد نیز ادامه یابد.

دور خانه قرار داشته اند و بنا به فصل از آن ها استفاده می شده است.

صادقی ادامه می دهد: بادگیر خانه ها نیز معمولا در کنار شاه نشین و تالار بوده است و زیر آن نیز حوضی وجود داشته که بعد از ورود باد به درون اتاق کوران می شده و باد از دالان ها وارد اتاق های تابستانی می شده است. اما اتاق های زمستانه کم پنجره بوده اند و بیشترشان با کرسی گرم می شده اند.

وی دلیل وجود زیر زمین در این خانه ها را نیز به وجود رمز معماری زیر سطح زمین می داند و اینگونه می گوید که اگر بنایی زیر زمین ساخته شود دمای این اتاق در واقع همیشه ثابت است و رطوبت هم در آن ها بالاست و عملا موجب تثبیت دمایی معادل ۲۱ درجه در تمام فصول می شده است.

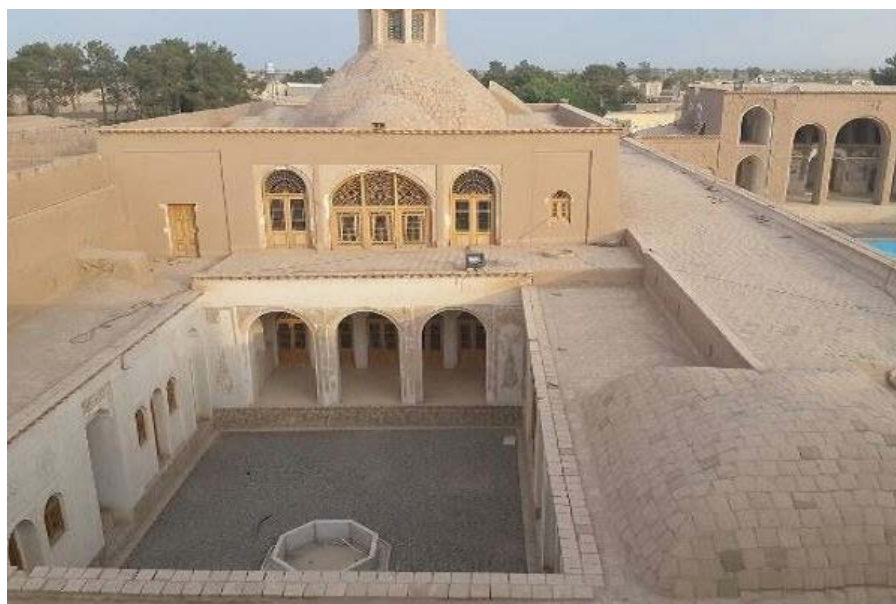
سقف گنبد ای رمز معتدل بودن هوا

وی به سقف گنبد ای خانه های قدیمی در کرمان اشاره کرد می کند و می افزاید این نوع سقف هنوز هم در روستاها و برخی از خانه های شهر کرمان وجود دارد و دلیل وجود این نوع سقف هم این بود که از تابش مستقیم آفتاب به خانه جلوگیری کنند و در هر زمان از روز بخشی از سقف زیر آفتاب بوده اما پخش دیگر به دلیل دایره بودن سقف سایه بوده و دما را ثابت نگه می داشته است.

وی می گوید: در کنار مهندسی خاصی که معماران برای

آسایش و آرامش ممکن قرار می داده است. وی می گوید: در کرمان با توجه به اقلیم خشک منطقه سعی می کردند خانه به گونه ای باشد که رطوبت را به خود جذب کند و در مسیر خانه حتما قنات گذر می کرده، اکثر خانه های تاریخی کرمان زیر زمین و سردابه و پایاب دارند در واقع کرمانی ها به راهی که به سمت قنات می رود پایاب می گویند اما به این بسنده نمی کردند بلکه منبعی از ساروج می ساختند و به استفاده از لوله هایی که از همین مواد ساخته می شود آب را به سمت حوض و حتی مطبخ هدایت می کردند. وی در خصوص ساختار معماری خانه های کرمانی می گوید: در معماری اصیل کرمانی خانه ها با دیوارهای بلند محصور بوده اند اما از زمان قاجار به این سمت وجود پنجره به سمت کوچه در خانه نیز متداول می شود.

صادقی می گوید: اگر همین الان هم در خانه های قدیمی را مشاهده کنید دو کولان می بینید در واقع یک کولان زنانه بوده و یک کولان مخصوص مردان بوده است و صاحب خانه بنا به مسائل مذهبی متوجه می شده یک زن و یا یک مرد پشت خانه اش است و در ورودی خانه سردر و مکانی برای نشستن بوده که به آن پیر نشین می گفتند که موجب آسایش کسی بوده که به خانه مراجعه می کرده است. وی می افزاید: بعد از باز شدن در خانه فرد نمی توانسته داخل خانه را ببیند بلکه وارد یک فضای هشتی می شده است و



ساخت از کان خانه داشته اند اما تزئین خانه یکی از ارکان مهم بوده چون خانه باید فضایی زیبا و مفرح به خصوص برای بخش اندرونی که زنان در آن زندگی می کردند بر خودار باشد. استفاده از تصویرگری، کاشیکاری، گچ ببری و آجرهای حکاکی شده و فرم دهی در همین راستا در خانه ها انجام می شده است.

رئیس مرکز کرمان شناسی می گوید: در بینش سبک معماری سنتی و آمیزه آن با سبک معماری اسلامی همیشه بهترین ها برای سکونت گاه های خاص در نظر گرفته می شد.

«محمد علی گلاب زاده» می افزاید: زندگی کردن در کویر و بهره گیری از امکانات کویری همیشه بهترین شیوه برای زندگی بوده است.

محمد معمار یزدی معمار مجموعه گنجعلی خان بدون وضو کار خود را شروع نمی کرد. همین امر هم باعث شده این مجموعه بعد از ۴۰۰ سال سرپا باقی بماند و مایه افتخار باشد. وی ادامه می دهد: استفاده از سقف گنبدی بهترین شیوه معماری در این مناطق است و استفاده از مصالح ویژه هر

در نهایت با دو سالن مواجه می شده که یکی به اندرونی خانه راه داشته و دیگری به بیرونی ختم می شده است که اندرونی مخصوص اعضای خانواده که محرم بوده اند می شده و در بخش بیرونی نیز مهمان خانه قرار داشته که شامل تالار و یک حیاط جدا بوده است.

این کارشناس می گوید: در حیاط خانه ها حوض و اکثرا چهار نوع باغچه بنا به چهار فصل وجود طراحی می شده است اما درختان اصلی به گونه ای انتخاب می شده اند که در تابستان سایه داشته باشند و در زمستان بدون برگ باشند که آفتاب وارد حیاط شود.

صادقی ادامه می دهد: ابعاد هر یک از ارکان خانه بنا به توان مالی خانواده بوده است اما زیر همه اتاق ها زیر زمین قرار داشته و اتاق ها بالاتر بنا می شدند.

وی می گوید: اتاق ها بنا به درهایی که داشته اند کاربری شان تعریف می شده است و نامگذاری می شدند مثلا اتاق دو دری تا ۹ دری در خانه ها وجود داشته است که معمولا اتاق های هشت دری و ۹ دری برای مهمان ها بوده است و به آن ها شاه نشین هم می گفتند که این اتاق ها دور تا

معماری بوشهری در بوته فراموشی / خانه‌هایی که به خاطر ه‌ها پیوستند

ستاره تناور

خانه‌های قدیمی بوشهر و معماری خاص آن رو به فراموشی است و امروزه دیگر خبری از این روش‌های ساخت و ساز نیست و جای خود را به آپارتمان‌هایی داده است که هر روز در گوشه‌ای از شهر می‌رویند.



می‌شوند. این بودن مشترک و مای کلی می‌تواند راهی برای برانگیختن عطفوت پنهان شده افراد جامعه باشد.

نگاهی به خانه‌های قدیمی بوشهر

شرایط اقلیمی، مسائل فرهنگی و به‌ویژه مذهب در شکل‌گیری و ساخت خانه‌ها در بوشهر مؤثر بوده است؛ آب و هوای گرم و مرطوب مهمترین ویژگی در شکل‌گیری خانه‌ها در بوشهر قدیم است. بناهای قدیمی بوشهر دارای خصوصیات زیبا و منحصر به فردی هستند که بعضی از این خصوصیات در هیچ جای دیگر ایران دیده نمی‌شود. خانه‌های بوشهر در ارتفاع گسترش یافته‌اند که دارای دو تا چهار طبقه هستند، بناهای بوشهر در عین درون‌گرایی دارای نوعی حالت برون‌گرایی نیز هستند، خانه‌های بافت دارای حیاط مرکزی و اتاق‌های اطراف آن هستند؛ آب انبار و باغچه و چاه آب نیز از عناصر آن محسوب می‌شود.

در بناهای قدیمی بوشهر، بعضی اتاق‌ها به داخل حیاط بازشو و دید دارند ولی بیشتر اتاق‌ها به بیرون نیز بازشو دارند که گاهی تعداد بازشوها از دو طرف و کناره‌ها به ۱۲ عدد می‌رسد.

وجود شیشه‌های رنگی و ارسی‌های گره چینی شده و طاق‌های هلالی زیبایی خاصی به بناها بخشیده است. وجود شیشه‌های رنگی و ارسی‌های گره چینی شده و طاق‌های هلالی زیبایی خاصی به بناها بخشیده است. یک بنا از اجزای مختلفی تشکیل شده که بعضی از این عناصر نقش عملکردی و برخی دیگر نقش تزئینی دارند. در ساختمان‌های بوشهر معمولا ورودی با یک چرخش فضای بیرونی را به داخل خانه ارتباط می‌دهد و در نتیجه دید بصری خارج به داخل خانه قطع می‌شود ورودی به هشتی یا دروازه معروف است و دارای درب چوبی دو لنگه بزرگ با نقش گل میخ‌های برنجی و کوبه است.

یکی از خصوصیات ورودی در بناهای قدیمی بوشهر وجود روزنه‌ای در بالای آن برای عبور نور و هوا است. بیشتر خانه‌ها دارای سیستم حیاط مرکزی هستند که ابعاد این حیاط‌ها بزرگ نیست و دلیل این امر ایجاد حداکثر سایه در آن است، ثانیاً معمولا دور تا دور حیاط مرکزی

می‌کنند، همه نیمه باز و یا بازند تا هوای مطبوع اواخر اسفند جانی تازه به خانه بدهد.

آفتاب زیبایی زمستانی از پشت پنجره به داخل روی فرش دستباف تبریز می‌نشیند، شیشه‌های رنگی پنجره، رنگین کمان می‌سازد و رقص رنگ‌ها و نسیم خنک مجموعه‌ای شاعرانه را مهیا می‌کند.

صدای موج‌های دریا که به ساحل می‌خورند، از دور دست می‌آید...

چشمات را که باز کنی رویا تمام می‌شود و چند دهه به جلو پرتاب می‌شوی؛ اکنون هر چقدر هم گوش دهی نمی‌توانی صدای دریا را از میان صدای بوق ماشین‌ها و سرو صدای شهر بشنوی؛ چشمات را که باز کنی رویا تمام می‌شود و چند دهه به جلو پرتاب می‌شوی؛ اکنون هر چقدر هم گوش دهی نمی‌توانی صدای دریا را از میان صدای بوق ماشین‌ها و سرو صدای شهر بشنوی.

حالا دیگر از سبک معماری گذشته بوشهر فقط همان خانه‌های تاریخی به یادگار مانده‌اند و این روزها هر خانه‌ای که ساخته می‌شود، به سبک جدید و گاهی با الهام‌گیری از سبک‌های معماری غربی ساخته می‌شوند. هنوز می‌توان از معماری خاص بوشهر الهام گرفت و با همان نمادها خانه‌های زیبا ساخت. شاید این به نوع نگاه و میزان تطبیق‌پذیری افراد بر می‌گردد. عمارت‌های قدیمی خود می‌توانند محلی برای تولید و ارائه تاریخ و هویت یک شهر باشند؛ پیوند هر دو زمان می‌تواند، حس تعلق و بودن را به انسان جدید بدهد. در عصر ماشین و فن که آدم‌ها به شدت از احساسات به دور

دور تا دور بوشهر را که می‌گردی دیگر خبری از سبک‌های قدیمی خانه‌سازی در این شهر نیست؛ معماری دچار تحولی عظیم شده است و خانه‌ها روز به روز کوچک‌تر و حیاط خانه‌ها تنگ‌تر می‌شود و خانه‌های پر از در و پنجره جای خود را به واحدهای آپارتمانی می‌دهند. همزمان با تغییر این معماری‌ها، سبک زندگی نیز در گذر زمان ذره ذره تغییر می‌کند، رسوم قدیمی کم کم به دست فراموشی سپرده می‌شوند و سبک جدید جای سبک کهن می‌نشیند. همزمان با پیشرفت و ارتقای تکنولوژی، انسان‌ها با مدرنیته همراه شدند و در مسیر پیوستن به این موج هر سبک و رسمی را متناسب با زمان خود دگرگون کردند.

کوچه‌ها و گذرها کم کم فرسوده شدند، درختان مرکبات، گل کاغذی، گیاهان فصلی و... که نمای زیبا و دل‌انگیزی به کوچه‌ها و شانشیرها می‌دادند، اغلب ناپدید شدند و آنچه‌ای هم که مانده‌اند نیز زیاد امید می‌دهند. صدای آهنگران و دوره گردها زیر طاق بازار قدیم جای خود را به هیاهوی مردمان جدید داده است؛ درخت کهنسال میان بازار قدیم، قربانی ناآگاهی شد و پس از عمری دراز که سایه‌بان مردم بازار بود، قطع و نابود شد. آری شاید بتوان گفت رفاه و راحتی در مقایسه با عهد قدیم بیشتر شده است اما نمادها و رسومات نیز تغییر کرده و امروزی شده‌اند.

خانه‌های قدیمی واقع در محله دهدشتی، پراپهت و زیبا، یادگار گذشته؛ چشمات را که ببندی می‌توانی، زنان مینار پوش خانه را تصور کنی که ماهی‌های صبور آماده طبخ را به مطبخ می‌برند تا شکمشان را پر از گشنیز و پیاز و سیر تفت داده شده کنند.

بوی سیر که بلند می‌شود، گنجشکی از شاخه درخت نارنج وسط حیاط می‌پرد، صدای گفت‌وگو از طبقه بالا می‌آید، درهای چوبی که اتاق‌ها را به هم وصل



رواقی قرار دارد که وسط این حیاط و بنا است. باغچه، حوض آب و چاه از عناصر حیاط هستند. یکی از عناصر مهم بناهای بوشهر تراس است؛ تراس یا طارمه برای بهره‌گیری از هوای آزاد است، این تراس‌ها با سایه‌بان‌ها خود مانع تابش مستقیم نور خورشید می‌شوند.

بعضی طارمه‌ها در قسمت بیرونی قرار دارند؛ «شناسیل» نوعی تراس چوبی است که جلوی اتاق‌ها در طبقه فوقانی نصب شده و برای معبر و ارتباط دهنده فضاها استفاده می‌شود. بعضی از شناسیل‌ها نیز در بیرون نصب شده و با کرکره چوبی بسته می‌شود و دارای سقف هستند.

نقش آب و هوا در معماری

برای کم کردن رطوبت هوا معیار بسیار باریک و دارای تنوع استقرار ساخته شده است و ساختمان‌های دو طرف معبر دارای ارتفاع زیاد هستند منطقه‌ای که بوشهر در آن واقع شده دارای آب و هوای گرم است؛ از مشخصات این نوع آب و هوا بالا بودن رطوبت هوا و گرمای شدید و طاقت‌فرسا

است مردم بوشهر تمامی فرهنگهای ملت بیگانه را در خود جذب کرده و جامه نوینی به آن پوشانده است که از جمله این آئینها مراسم عزاداری و موسیقی محلی است که تحت تأثیر فرهنگ آفریقا قرار گرفته است.

تفاوت معماری قدیم و خانه‌های امروزی

کوچه و پس کوچه های محلات قدیمی بوشهر با دیوارهای بلند خانه‌ها، شناسیل‌ها، درختان مرکبات و گل‌های صورتی و خوش رنگ گل کاغذی و... همه کدهایی از زندگی گذشتگانمان هستند که چگونه می‌اندیشده‌اند و چطور زیست کرده‌اند.

کوچه‌ها برای عبور یک و به زحمت دو نفر در کنار هم ساخته شده بودند، دیوارها بلند و ساختمان‌ها چند طبقه بدون دید یا دسترسی به داخل منزل، خیر از نوع نگاه مردم به اهل منزل داشته است، که باید حفظ و از نگاه نامحرممان پوشیده بماند کوچه‌ها برای عبور یک و به زحمت دو نفر در کنار هم ساخته شده بودند، دیوارها بلند و ساختمان‌ها چند طبقه بدون دید

سبک زندگی جدید و افزایش فاصله مردم از هم
با تغییراتی که در معماری خانه‌ها و گذرها صورت گرفته است، سبک زندگی‌ها و نحوه ارتباط مردم با هم تغییر کرده است و به نظر می‌رسد فاصله مردم از هم بیشتر شده است. گذرهای تنگ که محل رفت و آمد و دید و بازدید مردم بود، تبدیل به خیابان‌های عریض و بلوارهای پهن شده است و باعث شده تا هم‌محله‌ای‌ها و همسایه‌ها با فاصله بیشتری از هم عبور کنند. در گذشته خانه‌ها دارای اتاق‌های متعدد بودند که فضا را برای زندگی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، پدرها و مادرها و فرزندان در کنار هم فراهم کرده بود ولی امروزه هر یک از اعضای خانواده در گوشه‌ای از شهر زندگی می‌کند. شاید در گذشته شب‌نشینی‌ها یکی از اجزای غیرقابل تغییر در زندگی مردم بود ولی امروز این شب‌نشینی‌ها جای خود را به حضور در گروه‌های فضای مجازی داده است و آن هم نه برای گرفتن حال و احوال از هم بلکه برای اشتراک اخبار و جوک و ...
خانه‌های قدیمی تبدیل به خاطره شده‌اند و همراه با



آن، رفت و آمدهای صمیمانه، شب‌نشینی‌های مستمر و برنامه‌های دورهمی برچیده شده‌اند خانه‌های قدیمی تبدیل به خاطره شده‌اند و همراه با آن، رفت و آمدهای صمیمانه، شب‌نشینی‌های مستمر و برنامه‌های دورهمی برچیده شده‌اند و خبری از آنها نیست.

استفاده از سبک معماری قدیم سخت شده

ساخت خانه‌های قدیمی به بوتله فراموشی سپرده شده است؛ نبود زمین مناسب و کافی برای استفاده از سبک‌های قدیمی، هزینه‌های بالای ساخت، افزایش اقبال به سبک‌های جدید و مدرن، استفاده از سیستم‌های نوین سرمایشی و گرمایشی و... باعث شده تا سبک‌های معماری تغییر کند.

قیمت زمین روز به روز بیشتر می‌شود و این موضوع باعث شده تا کسی به طرف ساخت خانه‌های بزرگ نرود و شاهد تجمع خانه‌ها هستیم و روز به روز به ارتفاع آنها اضافه می‌شود.

البته هنوز هم می‌توان بخشی از سبک‌های معماری قدیم را در سبک‌های جدید معماری استفاده کرد؛ استفاده از شیشه‌های رنگی یکی از المان‌هایی است که می‌تواند بیانگر گوشه‌ای از سبک قدیم معماری بوشهر باشد.

یا دسترسی به داخل منزل، خیر از نوع نگاه مردم به اهل منزل داشته است، که باید حفظ و از نگاه نامحرممان پوشیده بمانند.

امروز اما وضعیت با گذشته متفاوت است؛ اگر در قدیم چند خانواده در کنار هم در یک خانه بزرگ با اتاق‌های متعدد زندگی می‌کردند، امروز هر خانواده در یک واحد آپارتمانی زندگی می‌کند؛ هر چند امروز هم خانه‌های بزرگ ساخته می‌شوند ولی تعدادشان کم است و سبک ساخت آنها هم شباهتی به گذشته ندارد.

خانه‌ها کوچک و کوچک‌تر شده‌اند و کم کم نداشتن حیاط در خانه تبدیل به یک عادت و رسم می‌شود و همه با این وضعیت کنار می‌آیند؛ شاید حیاط‌ها دیگر کاربردی هم ندارند.

امروز دیگر در خانه‌ها شیشه‌های رنگی و ارسی‌های گره چینی شده و طاق‌های هلالی زیبا نیست و سنگ‌های تزئینی و پنجره‌های دوجداره و درب‌های ضد سرقت جای آنها را گرفته است.

حالا دیگر از بخاری‌های نفتی خبری نیست و شوومینه و بخاری گازی جایگزین آن شده؛ کولر گازی و چیلر و پکیج‌های مدرن، جزئی از نیازهای اساسی خانه‌سازی شده است.

است. برای کم کردن رطوبت هوا معیار بسیار باریک و دارای تنوع استقرار ساخته شده است و ساختمان‌های دو طرف معبر دارای ارتفاع زیاد هستند، این حالت معابر علاوه بر اینکه با سایه‌اندازی، مانع تابش مستقیم نور خورشید بر دیوارها می‌شود، در معابر کوران هوا ایجاد کرده و باعث پایین آمدن رطوبت می‌شود.

این کوران هوا علاوه بر پایین آوردن رطوبت معابر، رطوبت دیوارهای دو طرف کوچه را نیز جذب می‌کند. با خشک شدن این دیوارها به دلیل استفاده از مصالح ساختمانی مناسب که همان سنگ‌های متخلخل دریایی و ملات است، رطوبت فضای داخلی نیز جذب می‌شود.

رنگ سطوح در بافت تاریخی مسأله قابل توجه دیگری است که سعی شده از رنگ‌های روشن استفاده شود و در حد امکان سطوح به رنگ سفید درآیند. این انتخاب رنگ برای عدم جذب گرمای حاصل از تابش نور خورشید است.

بوشهر قدیم به‌علت قرارگیری در کنار ساحل دریایی خلیج فارس و مراوده با کشورهای خارجی نظیر هند، اروپا، آفریقا، تحت تأثیر فرهنگ این ملت‌ها قرار گرفته و دارای سبک‌های تلفیقی است که جنبه بومی به خود گرفته

معماری دیروز گمشده امروز/ هویتی که روبه فراموشی است



محلّه های قدیمی شهرهای مختلف استان خراسان شمالی هنوز هم کم و بیش رنگ و بوی سبک معماری ایرانی و اسلامی را در خود حفظ کرده است، اما به دلایل متعددی این سبک رو به نابودی و فراموشی است.



الهام بزدان بناه

بجنورد مرکز استان خراسان شمالی از جمله شهرهایی است که امروز با جمعیت بالغ بر ۲۱۰ هزار نفر، وسعت بیش از ۳۶ کیلومتر مربع و قدمت بیش از سه قرن، بهرغم رشد ساخت و سازهای جدید پس از انقلاب اسلامی، به ویژه پس از تبدیل شدن به مرکز استان در سال ۱۳۸۳، هنوز آثاری از معماری ایرانی در آن دیده می شود.

وقتی در میان کوچه های قدیمی بجنورد قدم می زنیم، در هر محله ای شاید یک بنای قدیمی خاطرات زیادی را در اذهان بزرگ ترها و آنهایی که سن و سالی را سپری کرده اند، زنده می کند.

ساخت خانه هایی که با فرهنگ ایرانی و اسلامی همخوانی داشت؛ خانه هایی که حریم داشت، ساده و بی پیرایه و مصالحش خشت خام یا آجر بود، ظاهرش روح و جان انسان را آرامش می داد، فضایش دل نشین و روح نواز بود؛ دیوارهای بلند، درهایش چوبی، پشت بامش کاه گل و از همه مهم تر ساکنانش از زندگی کردن در چنین اماکنی راحت و آسوده بودند.

هنوز هم بوی کاه گل آب خورده از برخی کوچه های قدیمی شهر به مشام می رسد؛ خانه هایی که معماران آن از ابتدا تا پایان ساخت بنا با دقت، ظرافت، مهارت، مهندسی و با باور و ایمان به خلق چنین بناهایی اقدام می کردند به راستی هنوز هم بوی کاه گل آب خورده از برخی کوچه های قدیمی شهر به مشام می رسد؛ خانه هایی که معماران آن از ابتدا تا پایان ساخت بنا با دقت، ظرافت، مهارت، مهندسی و با باور و ایمان به ساخت چنین بناهایی اقدام می کردند؛ خانه های که بهرغم نبود امکانات امروزی در طراحی و نقشه کشی و وجود معماران تحصیل کرده و ... همه چیزش درست بود؛ استحکام، گرمی در فصل سرما و خنکی در فصل تابستان بدون امکانات سرمایشی و گرمایشی امروز.

قدم زدن در کوچه های قدیمی شهر

از میان کوچه های قدیمی این شهر عبور می کنیم، از درختان تنومندی که در برخی از خانه ها، شاخه هایشان به سمت کوچه مایل شده و نمای دیوارهای لوزی شکل آنان،

قوانینی در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و در استان ها سازمان ها و نهادهایی اجرای این مسئولیت را بر عهده داشته باشند و با حمایت از این بناها ترتیبی اتخاذ کنند تا بناهای تاریخی با معماری ایرانی و اسلامی به دست صاحبان آن حفظ و از تخریب آن به هر دلیلی جلوگیری کنند.

گذری به خانه های قدیمی بجنورد

نوع معماری خانه های خراسان شمالی بر اساس عوامل مختلفی همچون معیشت، فرهنگ و اقلیم مردم متفاوت بوده است. آب و هوای سرد اصلی ترین مولفه در شکل دادن به نوع معماری خانه ها در این منطقه بوده است.

با توجه به اینکه اقوام مختلف فارس، کرمانج، ترک، ترکمن و تات اکثریت ساکنان بجنورد را تشکیل می دهند، نوع زندگی و معماری در این شهر متفاوت بوده است؛ در واقع هر قوم بر اساس آداب و رسوم خود را بنا می کرده است.

ترکمن ها به دلیل اینکه بیابان نشین بودند، زمانی که به سمت شهرنشینی روی آوردند، در معماری خانه های خود الگوی زندگی بیابان نشینی را پیاده کردند. قالب خانه های قوم ترکمن مستطیل شکل بوده به طوری که ۲ اتاق در دو طرف که یک ایوان نیز جلوی این اتاق ها وجود داشته است.

شدن معماری شاهد نبود حریم مناسب در ساخت و سازها، بی روحی و استحکام نداشتن بناهایی هستیم که محصول کار معماران کم تجربه است.

کوچک شدن خانه ها، تغییر جنس در و پنجره، نازک شدن دیوارها و مهم تر از همه حذف حیاطهایی که وسط آن حوض های قدیمی، شمعدانی، باغچه و درخت بود و امروز همه آن ها تبدیل به پارکینگ خودرو و یا انباری شده است، روح آدمی را می آزارد.

اکنون این سبک معماری را فقط می توان در آلبوم ها دید و به نسل جدید نشان داد و خاطرات را تعریف کرد؛ اما هرچقدر تعریف کنی و خاطرات را در عکس ها مرور کنی دیگر نمی توان به آن دوران بازگشت.

آنچه امروز شاهد آن هستیم، تخریب بناهای قدیمی با معماری ایرانی و اسلامی به دست سازمان ها و دستگاه های است که باید حافظ این آثار و بناها باشند اما هنوز می توان از معماری خاص خراسان شمالی الگو گرفت و با همان شیوه ها خاطرات را برای نسل امروز زنده کرد. البته این به نوع نگاه و علائق افراد بستگی دارد و اینکه سبک معماری استان تا چه اندازه برای آنان ارزشمند است.

متأسفانه آنچه امروز شاهد آن هستیم، تخریب بناهای قدیمی با معماری ایرانی و اسلامی به دست سازمان ها و دستگاه هایی است که باید حافظ این آثار و بناها باشند. ضرورت دارد تا برای حفظ، مرمت و احیای این بناها،

همچنین فارس های بومی (تات ها) مردمان بومی بجنورد نیز در بافت میانی شهر بجنورد و محله های جنوب شهر بجنورد زندگی می کردند. خانه های قدیمی بجنورد نیز مشرف به حیاط بوده و از لحاظ معماری اکثراً به ایوان ورودی مجهز بوده است، اما در ساخت و سازهای جدید به ویژه در یک دهه اخیر، از آن حیاط ها خبری نیست و فقط برخی ها در بامها سبزه کاری و در تراس منازل گلدان می گذارند و پیش ورودی خانه ها در آپارتمان نیز به فضای باز ختم نمی شود. به طور کلی پس از سالها الگوی معماری قوم های مختلف خراسان شمالی به یک شکل شد و اکثر خانه های قدیمی بزرگ و قشر متوسط باهم ترکیب شدند و قشر مرفه هم



می توان نوع معماری و فرهنگ این منطقه را تشخیص داد؛ معماری که بر اساس عوامل مختلفی همچون معیشت، روحیه، اعتقاد، فرهنگ و اقلیم مردم به صورت کاملاً متفاوت بنا شده است.

البته معماری امروز در این شهر به تنهایی دستخوش تغییر نشده است؛ بلکه به هر جای ایران یا بگذریم آسمان همین رنگ است؛ سبک معماری در همه جای ایران تغییر کرده و خانه هایی که با سبک معماری ایرانی - اسلامی و سنتی ساخته شده بود، اکثراً تخریب و جای خود را به آپارتمان ها و برج هایی داده که بیشتر برگرفته از سبک غربی است.

امروزه بهرغم پیشرفت علم و تخصصی



وی تصریح می‌کند: بناهای امروزی در قالب آپارتمان نشینی نمی‌تواند ما را قانع کند، فقط مجبور شده‌ایم تا به پذیرفتن آن تن داده و تحمل کنیم.

این استاد دانشگاه بیان می‌کند: به همین دلیل است که بسیاری از افراد امروز به‌سوی خانه باغ‌ها روی می‌آورند و برای خود در باغ‌ها خانه‌هایی به سبک قدیم می‌سازند تا خلأهای روحی و روانی خود را رفع و روزی از هفته را اگر میسر شود، در آن به آسایش و نفس کشیدن بپردازند. اکبری تأکید می‌کند: مردم گرچه رغبتی برای باقی ماندن سبک معماری گذشته ندارند، اما پیشنهاد می‌کنم اگر نیاز و ضرورتی ندارند، خانه‌های قدیمی را تخریب نکنند؛ به‌خصوص بناهایی که با سبک خاصی ساخته شده و وجود آن در روح و روان مردمی که از کنار آن عبور می‌کنند، تأثیر گذار است.

وی بایبان اینکه معماری ایرانی اسلامی، بسیار غنی، پایدار و پررمزوراز بوده است، تأکید می‌کند: افراد سرشناس و افرادی که توانایی مالی دارند برای از بین نرفتن خاطرات و ماندگاری سبک معماری قدیمی، بناهای قدیمی و موروثی را خراب نکنند؛ چراکه در آن‌ها روح و سرزندگی جریان دارد.

تراکم سازی تغییر سبک معماری ایرانی

این پژوهشگر و محقق تاریخ می‌گوید: افزایش جمعیت و نیاز فوری متأسفانه سبب شده تا سبک معماری اصیل دستخوش تغییرات جدی شود و تراکم سازی را در مناطق مختلف شهر پیاده‌سازی کنیم.

اکبری می‌افزاید: سیاست سبک معماری ایرانی اسلامی را به خاطر مشکلات مختلفی که در نظام شهرسازی داشتیم پیدا نکردیم علیرغم اینکه می‌توانستیم شهر را گسترش دهیم و حومه‌های شهر را بزرگ کنیم و به‌جای متمرکز و متراکم کردن، آن‌ها را در چند خیابان اصلی بیاوریم و دست به بافت قدیمی شهر نزنیم و برای رفت‌وآمد به داخل

دام دار بودند نوع خانه‌های خود را بر اساس شغل خود می‌ساختند.

باغدارها در داخل منزل محیطی را برای انبار کردن محصولات خود و دامداران محیطی را برای گرمای حیوانات در نظر می‌گرفتند تا در زمان سرما از آن‌ها محافظت کنند، حتی برخی از افراد اتاقی را برای حیوانات در نظر می‌گرفتند. همچنین روستاییان در گذشته خانه‌های خود را با کاه و گل و مصالح «بوم‌آورد» می‌ساختند؛ درواقع از مصالحی که در آن منطقه وجود داشته استفاده می‌کردند.

دوری از معماری ایرانی اسلامی

یک استاد تاریخ ایران بعد از اسلام می‌گوید: امروز از معماری که منطبق با معیارهای اسلامی و ایرانی و متناسب با هویت فرهنگی و سازگار با روح و روان ما باشد خبری نیست؛ به همین دلیل بناهای امروزی در کوتاه‌ترین زمان برای ساکنان آن دلزدگی، افسردگی، بی‌حوصلگی و بی‌رغبتی می‌آورد.

امیر اکبری اظهار می‌کند: مردم امروزی بر اساس یک ضرورت اجتماعی و نیاز شدید اقتصادی و اجتماعی به سبک معماری جدید و آپارتمان نشینی روی می‌آورند، هرچند که هنوز روحیه و آرامش درونی آنان با خانه‌های قدیمی همخوانی و سازگاری دارد.

مردم امروزی بر اساس یک ضرورت اجتماعی و نیاز شدید اقتصادی و اجتماعی به سبک معماری جدید و آپارتمان نشینی روی می‌آورند، هرچند که هنوز روحیه و آرامش درونی آنان با خانه‌های قدیمی همخوانی و سازگاری دارد. اکبری می‌افزاید: به همین دلیل است که وقتی به خانه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌رویم، ناخودآگاه یک نشاط و روحیه عالی در ما ایجاد می‌شود که دلیل آن بیشتر نشأت‌گرفته از بنای ساختمان قدیمی با سبک ایرانی و اسلامی است.

همین‌طور بوده فقط تعداد اتاق‌ها و فضا اضافه می‌شده است.

همچنین با افزایش جمعیت شهرنشینی و همچنین بافت پیوسته و بالا بودن قیمت زمین در مرکز استان، موجب شده تا خانه‌های ویلایی به آپارتمان‌ها و برج‌های مرتفع تبدیل و اکثر خانه‌های قدیمی به دلیل صرفه اقتصادی تخریب شوند.

احداث خانه‌های جدید در مرکز استان و سایر شهرستان‌های خراسان شمالی محدودیت و محصور بودن در حداقل فضا را به ارمغان آورده است.

نقش آب‌وهوا بر معماری بجنورد

بجنورد دارای آب‌وهوای سرد و کوهستانی است به همین سبب بیشتر خانه‌ها خشتی و گلی یا دارای سقف چوبی گلی بوده است؛ طی یک دوره محدودی سقف‌های خانه‌های بجنورد به علت بارندگی زیاد شیب‌دار (شیروانی) بوده‌اند.

علت اینکه به این سقف‌ها شیروانی گفته می‌شد به خاطر این بود که در محلی به نام شیروان در روسیه، سقف‌های منازل شیروانی بوده و از آن الگو گرفتند؛ اما طی ۶۰ سال اخیر به دلیل کم شدن بارندگی دیگر از این نوع سقف‌ها در بجنورد استفاده نمی‌شود و سقف منازل مسطح شده است تا در زمان برف همانند عایق عمل کند.

منازل مسکونی در بجنورد مرکز استان خراسان شمالی در گذشته به‌صورت یک طبقه، ویلایی و معمولاً با زیرزمین و مساحت‌های بالا ساخته می‌شدند و به دلیل سرما بین زمین و کف خانه فاصله ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متری خالی می‌گذاشتند که در کوران رطوبت را از بین می‌برد و به «گره‌رو» معروف بوده است.

تأثیر معیشت بر معماری خراسان شمالی

روستاییان خراسان شمالی که اکثر آن‌ها باغ دار و یا



ورودی مجهز بوده است، اما در ساخت وسازهای جدید به‌ویژه در یک دهه اخیر، از آن حیاطها خبری نیست و فقط برخی‌ها در بام‌ها سبزه کاری و در تراس منازل گلدان می‌گذارند و ورودی خانه‌ها در آپارتمان نیز به فضای باز ختم نمی‌شود.

وی می‌گوید: نمای اصلی منازل بجنورد، آجر بوده و چینش آن خشت و گلی بوده و نمای بیرونی این خانه‌ها معمولاً از سنگ‌های پلاک شکسته به شکل لوزی و مثلث بوده است. در گذشته بر اساس اقلیم می‌توانستیم سبک خانه‌ها را تشخیص دهیم اما الان نمی‌توان حدس زد.

این استاد معماری در دانشگاه آزاد بجنورد اظهار می‌دارد: در بجنورد به دلیل سرد بودن تمام دیوارهای خانه‌ها در گذشته ۶۰ تا ۷۰ سانتی بوده است اما الان همه ۱۰ سانتی شده است، درواقع الگوی غلطی است که وارد معماری بجنورد شده است. درواقع سبک خانه‌ها و نماهای کنونی بر اساس مد است.

به گفته وی طراحان ما ناچار هستند بر اساس سبک غربی طراحی کنند، چراکه تقاضا برای سبک خانه‌ها با الگوی غربی وجود دارد و الگویی برای جایگزین کردن آن وجود ندارد.

نایب‌رئیس سازمان نظام‌مهندسی خراسان شمالی می‌افزاید: در گذشته بیشتر خانه‌ها «هشتی» داشتند که الان حذف شده و احیای آن فقط خانه‌های ویلایی را می‌طلبد.

معماری ایرانی بسیاری از موارد به فراموشی سپرده شدن و اکنون غربی‌ها مجدد به اسم خودشان به ما داده‌اند قلی پور می‌گوید: متأسفانه در معماری ایرانی بسیاری از موارد به فراموشی سپرده شده و اکنون غربی‌ها همان گوها را به اسم خودشان به ما داده‌اند.

وی اظهار می‌کند: شومینه و پاسیو که نام اصلی ایرانی آن (پادیاو) دو عنصر کاملاً ایرانی و از اختراع‌های معماران ایرانی بوده الان دیگر کاملاً به فراموشی سپرده شده است.

این استاد معماری می‌افزاید: اگر هویت معماری اسلامی در جامعه نهادینه شود امکان برگشت به معماری اصیل ایرانی وجود خواهد داشت و باید در آیین‌نامه‌های ساختمانی به این موضوع توجه شود.

قالب‌هایی همچون هویتی، مهندسی، رمزوراز ماندگاری، ارتباط و سنخیت با اندیشه‌ها، آیین‌ها و حتی بعد اقلیمی موردبررسی قرار دهند.

این استاد دانشگاه تصریح می‌کند: اگر شناخت عمیق‌تر در حوزه معماری پیدا کنیم می‌بینیم چقدر با معماری گذشته فاصله داریم.

وی می‌گوید: دانشگاه‌ها وظیفه‌دارند تا تأثیرات علمی و کاربردی و اجتماعی و حتی مهندسی معماری ایرانی - اسلامی را به دانشجویان این رشته شناسانند.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: امروزه در بین دانشجویان معماری خلأ درس آسیب‌شناسی بناها احساس می‌شود که می‌توان با این درس از آسیب‌های بناها و انواع آن جلوگیری کرد.

اکبری تصریح کرد: همچنین در قدیم برای ساخت بنا از مصالح منطقه استفاده می‌کردند اما در معماری امروزی مصالح را از دیگر کشورها می‌آورند که این نکته بسیار جدی است و باید توجه شود.

این استاد دانشگاه می‌گوید: همکاری بین دستگاهی برای حفظ هویت معماری و بناهای قدیمی باید صورت بگیرد چراکه میراث فرهنگی به‌تندی نمی‌تواند از این نوع بناها نگهداری و مرمت کند.

وی اظهار می‌دارد: میراث فرهنگی سازمان قدرتمندی نیست و قاعدتاً یک مالک به خاطر اینکه تملک یک بنای قدیمی را دارد، بدون اینکه از میراث فرهنگی کمک بگیرد، دست به تخریب بنا می‌زند.

اکبری می‌افزاید: استانداری به‌عنوان سرپرست استان و فرمانداری که از شهر محافظت می‌کند باید برای محافظت از بناها با سازمان میراث فرهنگی همکاری داشته باشد.

تقلید کور کورانه در تغییر الگوی سبک معماری اسلامی بجنورد

نایب‌رئیس سازمان نظام‌مهندسی خراسان شمالی می‌گوید: امروزه یک نوع تقلید کور کورانه از معماری غربی جایگزین معماری ایرانی - اسلامی شده است.

«محمد قلی پور» اظهار می‌دارد: خانه‌های قدیمی بجنورد مشرف به حیاط بوده و از لحاظ معماری اکثراً به ایوان

شهر از وسایل حمل‌ونقل ریلی، مترو و... استفاده کنیم. وی تصریح می‌کند: این اقدام برای ماندگاری سبک معماری ایرانی اسلامی خیلی بهتر بود تا اینکه تمام ساخت یک شهر را برهم بزنیم.

اکبری می‌گوید: قاعدتاً باید زیرساخت‌های فرهنگی را اصلاح کنیم، چراکه اهمیت معماری ایرانی اسلامی به‌عنوان ریشه و هویت ما هنوز خیلی روشن نشده است. وی با اشاره به بسترهای پژوهشی، آموزشی و اجرایی برای احیای معماری ایرانی - اسلامی می‌گوید: اگر فرهنگ نگهداری معماری اسلامی توسط پژوهشگران به جامعه آموزش داده شود به‌طور قطع آنان خود وظیفه حفظ و نگهداری این نوع بناها را بر عهده خواهند گرفت.

اکبری می‌افزاید: به‌طور قطع قسمتی از هویت معماری ایران اسلامی در حفظ، مرمت و نگهداشت این نوع بناها است و قاعدتاً کارهای علمی و پژوهشی در دانشگاه‌ها توسط محققان بسیاری از این رمز و رازها را به جامعه معرفی می‌کند.

از معماران قدیم درس بگیریم

وی تصریح می‌کند: متأسفانه امروز بوجوداین همه فارغ‌التحصیل معماری، آموخته‌های بسیاری از آن‌ها، فاصله زیادی با اصول و سبک زندگی معماری اصیل ایرانی - اسلامی دارند.

این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: برای احیای این سبک معماری می‌توان از معماران قدیم درس گرفت، معمارانی که به‌تمام‌معنا معمار بودند و بناهای پایدار می‌ساختند به‌طوری که این بناها تا قرن‌ها ماندگار بودند.

برای معماری می‌توان از معماران قدیم درس گرفت، معمارانی که به‌تمام‌معنا معمار بودند و بناهایی می‌ساختند پایدار به‌طوری که تا قرن‌ها ماندگار بود. این محقق و پژوهشگر تاریخ ادامه می‌دهد: معماران امروزی واقف هستند بنایی که می‌سازند تا چند سال آینده کلنگی شده و تمام هزینه‌ها از بین می‌رود چرا که یک نگاه پایدار به بنا ندارند.

وی می‌گوید: پژوهشگران و استادان معماری در دانشگاه‌ها می‌توانند از زوایای مختلف معماری ایرانی اسلامی را در



نقش خیال انگیز «هنر» بر خشت و گل خانه‌های سنتی اصفهان

کنار این جنبه‌های زیبایی‌شناختی خاص مطرح بوده است.

کارشناس معماری با بیان اینکه بسته به میزان مکتب خانواده و وسعت بنا، اغلب خانه‌ها دارای اندرونی و بیرونی بوده است، گفت: برخلاف معماری امروزی که ایجاد آشیپزخانه‌های باز به شیوه غربی باعث ایجاد مشقت و ناراحتی برای بانوی خانواده می‌شود معماران قدیمی با ارج نهادن به حس ذاتی حیا در وجود ایرانیان با ایجاد اندرونی و بیرونی حس امنیت و آرامش در خانواده را مدنظر داشتند.

وی تاکید کرد: حیاط بزرگ با اتاق‌ها و نشیمنهای پیرامونی که دورتادور آن را نیز انواع درختان فراگرفته‌اند به همراه یک یا دو حوض در هر کدام از این فضاهای اندرونی و بیرونی یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر منازل بوده است که علاوه بر نقش موثر در ایجاد نشاط روحی پس از یک روز کاری، مکانی وسیع برای جنب و جوش و افزایش هوش هیجانی کودکان بوده است.

اسلامی افزود: به طور کلی خانه‌های مجهز به اندرونی و بیرونی دارای بخش‌هایی مانند دالان یا هشتی برای ورود غیرمستقیم به خانه، هشتی ورودی، راهرو ورودی، ایوان، حیاط و اتاق‌های اطراف آن، حوض، زیرزمین، فضاهای خدماتی و سرویس‌ها و بهار خواب بوده است.

وی تاکید کرد: همچنین اغلب خانه‌های اصفهان دارای ایوانی وسیع در طبقه دوم به عنوان یکی از نشیمن‌های خانه بودند که به حیاط بزرگ خانه اشراف داشته است. این پژوهش‌گر معماری ایرانی اسلامی با



دور شود. برخلاف معماری امروزی که ایجاد آشیپزخانه‌های باز به شیوه غربی باعث ایجاد مشقت و ناراحتی برای بانوی خانواده می‌شود معماران قدیمی با ارج نهادن به حس ذاتی حیا در وجود ایرانیان با ایجاد اندرونی و بیرونی حس امنیت و آرامش در خانواده را مدنظر داشتند.

اسلامی ادامه داد: باید یادآوری کنم توجه به هنر در خانه‌های دیگر شهرهای استان نیز موضوعی است که در نگاه نخست هر چشمی را خیره می‌کند اما شاید این موضوع به عنوان نخستین ویژگی مهم در نگاه به معماری این بناها مطرح نباشد. وی با اشاره به استفاده از هنر ایرانی اسلامی در خانه‌های قدیمی اصفهان گفت: در این خانه‌ها از هنرهای مختلف دیرینه این دیار مانند گچ‌بری، منبت و کاشی استفاده شده و کمک به زندگی آسان‌تر در

و هوایی متعادل داشته است و تابستان‌ها دارای گرمای معمول و پاییز و زمستان دارای بارش‌های متعادل بوده است. کارشناس معماری ایرانی اسلامی تاکید کرد: بدین ترتیب در شرایطی که در شهرهایی مانند کاشان استفاده از روش‌های خاص برای کاهش گرما در معماری خانه‌های دارای اهمیت زیادی بوده است. در شهر اصفهان جنبه‌های هنری بیشتر از دیگر موضوعات، در ساخت خانه و ایجاد وسایل رفاه و آرامش مطرح بوده است. وی تاکید کرد: این مسئله موضوعی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است چراکه با توجه به خشکی کنونی زاینده‌رود، اصفهان به جای شرایط متعادل قبلی به واقع شرایط گرمای بی‌حد و سرمای اندک در زمستان را تجربه می‌کند و این موضوع شاید باعث شده تا توجه عمومی از نقش نخست هنر در ساخت خانه‌های اصفهان

در معماری خانه‌های اصفهان بیش از هر چیز توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و استفاده از هنر سرانگشتان هنرمندان در باور خیال می‌نشیند و سبک زندگی هنرمندان اصفهانی‌ها چشم‌ها را نوازش می‌دهد.



فاطمه کاررونی

روح اصفهان با هنر آمیختگی جدایی‌ناپذیری دارد به گونه‌ای که هر گوشه از این دیار کهن، نشانی از نقش سرانگشتان هنرمندان اصفهانی می‌توان یافت چه در آثاری که حاصل سال‌ها تلاش هنرمندان با ذوق اصفهانی است و چه در وسایل اولیه زندگی که هیچ‌گاه در گذر زمان از نقش هنر بی‌نصیب نمانده است.

در این میان معماری خانه‌های قدیمی اصفهان جدا از نقشی که در ایجاد امنیت، آرامش و سهولت زندگی دارد با فرهنگی خاص در زندگی اصفهانی‌ها گره خورده است، فرهنگ هندوستی و ارزش نهادن به هنر در هر اثری که دست بشر در آفرینش آن دخیل است و شاید این روحیه اهمیت به زیبایی‌های بصری از حس زیبایی‌شناسی و توجه اصفهانی‌ها به آفریده‌های خالق هستی سرچشمه گرفته است.

بدین ترتیب معماری خانه‌های قدیمی اصفهان جدا از هر نوع نقش و ویژگی با هنر آمیخته شده است؛ موضوعی که حتی در زمان کنونی نیز با وجود برچهای که سر بر آستان فلک کشیده‌اند هنوز برای اصفهانی‌ها دارای ارزش است و هر اصفهانی یا بخش کوچکی از خانه خود را به شیوه خانه‌های سنتی ترین می‌کند و یا در افق آینده آرزوهای خویش این تفکر را پرورش می‌دهد که روزی خانه خود را به نقش‌های خیال‌انگیز خانه دوران کودکی خود برگرداند.

تورج اسلامی کارشناس و استاد معماری که خانه سنتی پدر و مادر خود را برای نشست‌های خانوادگی بازسازی و حفظ کرده است، ویژگی‌های معماری خاص و سنتی اصفهان را مورد اشاره قرار می‌دهد و به مهر می‌گوید: از گذشته‌های دور توجه به اقلیم در ساخت خانه‌های استان اصفهان به ویژه شهرهایی با آب و هوای بسیار گرم مانند کاشان مورد توجه بوده است.

● نقش غالب هنر در معماری خانه‌های اصفهان

وی افزود: شهر اصفهان با وجود قرار داشتن در منطقه کویری به دلیل هم‌جواری با زاینده‌رود به طور معمول آب



برای استفاده از هر کدام از شیوه‌های قدیمی معماری اصفهان محدودیت قانونی وجود ندارد، به مهر می‌گویید: در فضای کنونی، معماری غربی چه در داخل و چه نمای ساختمان‌های جدید نفوذ کرده است و با توجه به اینکه روحیه دسته‌جمعی زندگی کردن خانواده‌های قدیمی به استقلال خانوادگی میدل و زندگی‌های افراد از حالت درون‌گرایی به برون‌گرایی گرویده است، بخشی از معماری قدیمی اصفهان یا ایران دیگر قابل دسترسی نیست.

ربانی فرد در پاسخ به این سوال که آیا طرح یا پژوهشی برای بازگشت به این نوع از معماری وجود دارد، بیان داشت: متأسفانه در حال حاضر چنین مقوله‌ای مطرح نشده و می‌توان گفت به نوعی در شرایط کنونی جامعه راه‌های احیای معماری ایرانی اسلامی مسدود شده است اما عقیده داریم که سازمان نظام مهندسی باید در این ارتباط پیش‌قدم شود.

وی اضافه کرد: در این راه مراکز علمی و دانشگاهی با تربیت نیروهای متخصص و نهادهای فرهنگی با توجه دادن خانواده‌ها به ارزشهای معماری ایرانی به یقین می‌توانند در این زمینه بسیار کمک کنند. این کارشناس با اشاره به اینکه با وجود سازه‌های بتونی فعلی در ساختمان هنوز میتوان از مصالح سنتی قدیمی مانند آجر، کاشی، آئینه و غیره استفاده کرد، گفت: شاید نتوان معماری قدیم اصفهان را به دلیل تعدد جمعیت، کوچک شدن خانه‌ها و تبدیل آنها به آپارتمان به شکل کامل احیا کرد اما هنوز هم در همین خانه‌ها می‌توان از شیوه‌های سنتی معماری اصفهان مانند استفاده از هنرهای مختلف بهره گرفت.

● ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ ساخت خانه‌های سنتی

وی با تأکید بر اهمیت نهادینه‌سازی فرهنگ ساخت خانه‌های سنتی در جامعه اضافه کرد: در این میان نباید از خواست جامعه غافل باشیم چراکه بدون درخواست برای ساخت خانه‌های سنتی نه مصالح قدیمی آن به وفور قابل دسترسی خواهد بود و نه نیروی کار با مهارت ساخت خانه‌های سنتی وجود خواهد داشت.

به نظر می‌رسد به دلیل مهر شدن نام «سنتی» به ازای استفاده از هر کدام از شیوه‌های قدیمی مطرح در معماری اصفهان، تمایل به ساخت خانه به این شیوه‌ها نیازمند هزینه‌های گزافی است که از پس هر کسی برنمی‌آید.

همچنین با توجه به نبود موانع قانونی در استفاده از معماری سنتی اصفهان شاید بازگشت به معماری قدیم بیش از هر چیز نیازمند پیرایش روح از جنبه دغدغه‌های دنیوی و ارزش‌زایی از طرح‌های غربی معماری در جامعه است.



جوان از ارزش‌های سنتی و بومی میشود، بیان داشت: چنین شرایطی جامعه را دچار تعارض می‌کند و این فرهنگ وارداتی به ویژه در معماری فاصله نسل‌های جدید با فرهنگ ایرانی را عمیقتر می‌کند. وی با بیان اینکه به یقین فرهنگ آسیب دیده معماری امروز ما در آینده نه چندان دور در انحراف از ارزش‌های بومی ایرانی می‌تواند تأثیرگذار باشد، تأکید کرد: بخشی از آسیب‌های اجتماعی، اعتقادی و ایدئولوژیک را می‌توان در این تضاد فرهنگی نفوذ کرده به معماری جست‌وجو کرد.

اهمیت بازگشت به شیوه‌های سنتی معماری ایرانی بر کسی پوشیده نیست اما در وهله نخست باید با قرار دادن زیبایی و ویژگی‌های خاص این خانه‌ها در پیش چشم ایرانیان به نوعی تقاضای آن را ایجاد کنیم چراکه به نظر می‌رسد روحیه توجه به معماری غربی بیش از دیگر مسائل مانعی بر سر راه احیای معماری اسلامی ایرانی است.

در شرایط کنونی جامعه احیای معماری ایرانی اسلامی مسدود شده است اما عقیده داریم که سازمان نظام مهندسی باید در این ارتباط پیش‌قدم شود. در این ارتباط اکبر ربانی فرد عضو هیئت مدیره سازمان نظام مهندسی ساختمان اصفهان با اشاره به اینکه

محمدی درباره تأثیر معماری در هوش و شخصیت‌سازی نسل‌های بشری گفت: با بررسی زندگی بزرگان و دانشمندان ایرانی مانند شیخ بهایی می‌توان ردپا و تأثیر متقابل معماری در هوش و درایت فردی، زیرکی و ذکاوت و توانمندی‌های فردی را مشاهده و مورد بررسی قرار داد.

رئیس انجمن آسیب‌شناسی اجتماعی ایران تصریح کرد: شاید تاکنون تأثیر معماری بر هوش بزرگان مورد بررسی جدی قرار نگرفته باشد اما شواهد تاریخ معماری کشور و دیدگاه‌های روانشناسی در ارتباط با تأثیر محیط و معماری بر شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها گواهی بر این امر است.

وی در ادامه به آسیب‌های ناشی از دور شدن از فرهنگ ایرانی اسلامی در معماری کنونی جوامع اشاره کرد و گفت: امروزه معماری ساختمان‌های ما تا حدودی از ارزش‌های فرهنگی و مذهبی غالب جامعه فاصله گرفته است که نمونه بارز آن آشپزخانه این راه یافته از فرهنگ غربی است که نتوانسته ارتباط محتوایی و ارزشی با فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی پیدا کند.

فرهنگ وارداتی معماری غربی و شکاف عمیق میان نسل جوان و فرهنگ ایرانی محمدی با بیان اینکه دور شدن از معماری ایرانی اسلامی باعث فاصله گرفتن نسل

بیان اینکه در این خانه‌ها در هر بخش گاه چندین تالار وجود داشته است، گفت: مهمان‌خانه دارای تزیینات بسیار زیبا مانند گچ‌بری، آئینه‌کاری، نقاشی روی گچ و چوب و مقرنس بوده است و بسیاری از تالارهای مهمان‌خانه نیز با پنجره یا درب‌های چوبی مشبک و دارای شیشه‌های رنگی به نام اُرسی به حیاط خانه مربوط می‌شد.

● تأثیر معماری در پرورش روح

وی اضافه کرد: از نمونه‌های بسیار شاخص این خانه‌ها با ویژگی‌های بیان شده خانه موسوم به پدر بانوی مجتهده امین و خانه شیخ‌الاسلام است که توسط میراث‌فرهنگی اصفهان مورد بازسازی قرار گرفته‌اند گرچه بخشی از خانه بانو مجتهده امین در اثر غفلت و در مسیر خیابان‌سازی از میان رفته است.

تأثیر معماری خانه‌ها بر هوش، شخصیت و پرورش روح موضوعی است که با توجه به شواهد تاریخی رویای بازگشت به خانه‌های سنتی اصفهان را در ذهن تقویت می‌کند.

بررسی خانه شیخ بهایی به عنوان یکی از بزرگترین دانشمندان جهان اسلام و خانه بانو امین به عنوان نمونه‌های شاخص معماری و زیبایی‌شناسی بصری نشان می‌دهد که شاید تاکنون تحقیق جامعی در این ارتباط انجام نشده اما گویی فضای معماری جدای از شیوه تربیت در این امر بی‌تأثیر نبوده است.

در این ارتباط کوروش محمدی روانشناس به مهر می‌گوید: رفتارهای انسانی ناشی از شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهایی است که به انسانها خط سیر زندگی را منتقل می‌کند.

وی افزود: قرار گرفتن آدمی در هر موقعیت فیزیکی و محیطی می‌تواند بخشی از جهان‌بینی فرد را شکل داده و بدین ترتیب در رفتار، شخصیت و منش انسان‌ها تأثیرگذار باشد.

با بررسی زندگی بزرگانی و دانشمندان ایرانی مانند شیخ بهایی می‌توان ردپا و تأثیر متقابل معماری در هوش و درایت فردی، زیرکی و ذکاوت و توانمندی‌های فردی را مشاهده و مورد بررسی قرار داد. این روانشناس اجتماعی با اشاره به اینکه معماری هر منطقه از فرهنگ مردم آن تأثیرپذیر است، گفت: بدین ترتیب معماری متأثر از فرهنگ می‌تواند باورها را شکل دهد و به زندگی رفتاری انسان معنا ببخشد.

وی با اشاره به اینکه معماری محصول ادراک انسان از پیرامون خود است، افزود: نگرش‌ها، علایق، انگیزه و باورهای درونی انسانها در معماری نمود یافته و معماری با این کارکرد به نوعی تلقین و نشان دادن همین باورها را در نسل جدید دنبال می‌کند.



نوی روضه در خانه‌هایی از جنس خاطره/ زندگی در آپارتمان‌ها محبوس شد



سیده مرضیه میرقادری

سبک و سیاق زندگی گذشته و امروز و تغییر معماری خانه‌ها در استان قم آن‌چنان دارای تفاوت فاحشی شده که این تفاوت‌ها در همه زمینه‌ها حتی در سبک و سیاق عزاداری‌ها هم قابل مشاهده است.

فضای حیاط خانه سنگین از صدای میاندار و پرشور از جمعیتی است که گرد شده و تا میانه‌های حیاط اندرونی را پر کرده‌اند، صدای گریه زنان از پنج دری‌های بسته که به حیاط راه دارد شنیده می‌شود، پارچه نوشته‌های محتشم نواز دور تا دور حیاط را سیاه‌پوش کرده است، مردم محله از چند روز قبل خانه اعیانی محله را آماده محرم و عزای حسین (ع) و یا دهه آخر ماه صفر کردند.

قبل از محرم فرش‌های خانه‌های محل یکی پس از دیگری جمع و در حیاط خانه اعیانی پهن می‌شد و مردم به نیت برآورده شدن حاجات از خانه خود وسیله‌های مختلف را برای عزای حسین (ع) فراهم می‌کردند و امروز روز عزاست و فضای حیاط سنگین از دم روضه خوان، آن روزها خبری از میکروفون و بلندگوهای نصب شده در چهار طرف مجلس نبود؛ مانند آنچه که امروز خبری از گذشته ندارد.

آن روزها هم شاید کسی تصور نمی‌کرد زندگی این روزها به سمتی برود که دیگر شاید عزاداری‌های حسین (ع) همانند گذشته نباشد، روزهایی که دیگر خبری از جمع شدن اهالی محل برای سیاه‌پوش کردن خانه اعیانی محل و یا بزرگ کوچه و بازار برای محرم نیست، روزهایی که مردم حاجت خود را با خوردن یک حبه قند از عزای حسین (ع) می‌خواستند و چایی قند پهللو تنها قوت غالب عزاداری‌ها بود.

نه ریخت و پاش امروز و تجملات در پختن نذری وجود داشت و نه حتی از شام‌های آن چنانی خبری بود، انگار «گذشته نه چندان دور» آن چنان دور دور شده که به رؤیایی برای امروزی‌ها تبدیل شده است، روزهایی که حوض خانه‌های ساخته شده از ساروج و سیمان پر از میوه و رنگ بوی آبی زندگی بود، روزهایی که مردم

خوان بود که در حیاط می‌پیچید وقتی که نه خبری از بلندگو بود و نه میکروفونی.

در سرداب‌های خانه پله‌های زندگی را یکی در میان طی می‌کردند و روزهایی که «شاه نشین» خانه اربابی محلی برای مویه‌های مردم بود.

روزهایی که مادر بزرگ و پدر بزرگ و عمو و عمه‌ها شب‌ها در زیر یک کرسی قصه‌های «هزار و یک شب» را لالایی گوش کودکان می‌کردند و دختران در خیالشان شاهزاده‌های سوار بر اسب سفید را تداوی می‌کردند؛ نه خبری از اتومبیل بود و نه سر و صدای گوش خراش شهر نشینی، زندگی بوی گل آب پاشی شده توسط مادر بزرگ را می‌داد بویی که امروز دیگر در هیچ کجای این شلوغ بازار دنیا به مشام نمی‌رسد.

وقت عزاداری‌های محرم که صمیمیت‌ها در دل‌های به رحم آمده در روضه حسین (ع) دو چندان می‌شد کدورت‌ها کنار می‌رفت و مردم فرش و ظرف و گلیم به یکدیگر قرض می‌دادند تا شاید به حرمت عزاداری که خاک پایش در فرش‌هایشان ته نشین شده شفاعت دنیا و آخرت خود را طلب کنند و این تنها دم روضه

تفاوت در خانه‌های اربابی و مردم عادی
ابوالحسن گرامی از مردان قدیم روزگار در قم است، وی روزهایی از پنج سالگی به بعد را به یاد دارد که حالا ۶۲ سال از آن می‌گذرد، او که سالیان دراز معلم تاریخ بوده و امروز یک قم‌پژوه قهار شده از سال‌هایی می‌گوید که قم در ۶۰ و اندی سال پیش تجربه کرده است، از معماری خانه‌هایی که در آن فامیل‌های درجه یک در یک خانه بزرگ در کنار هم زندگی می‌کردند.

قسمت شمالی خانه که به شاه نشین معروف است در قم جایگاه اتاق‌های بزرگ بود.

این قم‌پژوه با اشاره به اینکه در قم خانه‌های اربابی و مردم عادی تفاوت بسیار زیادی داشت که عمده این تفاوت در متراژ بود. متراژهایی که به گفته «گرامی» کمتر از هزار متر نبود و کاملاً با خانه‌های معمولی فرق داشت و پدر و پسر و عروس و پدر بزرگ و مادر بزرگ در آن زندگی می‌کردند و نوکر و کلفت‌هایی که رسیدگی به امور خانه را برعهده داشتند؛ البته در خانه‌های معمولی نیز روال زندگی حضور پدر و مادر بزرگ در بالای سر فرزندان وجود داشت.

وی می‌گوید قسمت شمالی خانه که به شاه نشین معروف است در قم جایگاه اتاق‌های بزرگ بود و ستون‌های سنگی زیبایی برای آن انتخاب می‌شد و قسمت پائین برای اتاق‌های کوچک و اقامت افراد دیگر.

گرامی از محلی در خانه‌ها می‌گوید که مطبخ نام داشته، محلی به شکل «چهار صفه» که در گویش قمی با همین نام مشهور است و مرکز پخت و پز خانه‌ها بوده است و بهار بند کوچکی که در آن گاو و گوسفند نگه‌داری می‌کردند.

گرامی در ادامه از بادگیرها می‌گوید، بادگیرهایی که به دلیل بافت کویری قم در معماری گذشته خانه‌های این دیار تأثیر بسزایی داشته است و البته آن چنان در تابستان هوا را خنک می‌کرده که تاب تحمل هوای خنک زیرزمین خانه‌ها بیشتر از ده دقیقه نبوده است.



وی در این گفتگو با گریزی به گذشته از زندگی امروز به عنوان «زندگی» یاد می‌کند؛ زندگی که در آپارتمان‌ها محبوس شده است. وی که سبک زندگی امروز را اصلاً نمی‌پسندد از آنچه بر سر سبک زندگی قدیم آمده به شدت ناراحت است.

محسنی از روزهای تنهایی کودکان در اتاقشان می‌گوید، اینکه کودکان امروز بر خلاف گذشته که در وسط حیاط به دنبال یکدیگر می‌دویدند و بازی می‌کردند امروز در اتاق‌هایشان محبوس هستند و پدر و مادر خبر چندانی ندارند از آنچه در آن طرف در می‌گذرد.

علی پاک سرشت از اساتید دانشگاه و از جمله افرادی است که در خانه‌ای که مترای هزار متری دارد و آثار معماری گذشته بر در و دیوار آن خودنمایی می‌کند در حال زندگی است.

قوانین دست و پاگیر مانع احیای سبک معماری گذشته

وی به شدت پایبند به معماری گذشته است به گونه‌ای که گرچه به نظر وی ساخت‌وساز خانه با سبک و سیاق گذشته پر هزینه بوده ولی مشتاق است که دوباره

اندرونی خانه بزرگ محله از چند روز قبل محرم با کمک اهالی محل سیاه‌پوش می‌شد.

رشید زاده از برگزاری روضه در تابستان می‌گوید که در حیاط بود و زمستان که چادر زده می‌شد و مردم در چادرها و در سرمای که از درزها عبور می‌کرد عزاداری می‌کردند.

وی به این مطلب اشاره می‌کند که سبک روضه‌ها تغییر کرده است، امروز در محرم و صفر هر کس در خانه خود روضه می‌گذارد اما این رسم در گذشته به شیوه امروز نبود و روضه‌های خانگی به شکل امروز رواج نداشت.

امروز تغییر سبک و سیاق‌ها باعث شده تا سالیان متمادی فرش‌های وقفی در انبار خانه‌ها خاک بخورد. از صفا و صمیمیت مردم می‌گوید و حتی از ارادت‌هایی که به نظر وی امروز کمتر شده است. از چای قند پهلوهایی روضه و اینکه کسی به نیت شام و یا ناهار به روضه نمی‌رفت و البته آن زمان چنین چیزهایی به گستردگی امروز رسم نبود، برنج قوت غالب نبود و در نهایت شاید یک شب از شب‌های عزاداری آنگوشتی به مردم داده می‌شد و این گونه

و اما داستان زیرزمین‌ها که محل آذوقه و نگهداری گندم و جو برای کشت سال‌های بعد بوده است، در این زیرزمین‌ها به گفته گرامی گوسفندی که برای مصرف خانواده در تابستان ذبح شده بود در پوست گوسفندان به شکل قورمه در می‌آمد و به مصرف سالانه می‌رسید و به عبارتی یخچال خانه بود.

در کوب‌های متفاوت در خانه‌های قدیم قم

گرامی درباره درکوب‌های خانه هم می‌گوید: خانه‌ها بر اساس بافت سنتی آن زمان برای خانها و آقایان درب کوب‌هایی جدا داشت، صدای زیری که نشانه بودن زنی پشت در و صدای بومی که نشانه بودن مردی پشت در بود.

روضه‌ها فقط در خانه بزرگان شهر برگزار می‌شد و چندین روضه خوان پشت سر هم هر کدام ده دقیقه روضه می‌خواندند.

و اما گرامی در ادامه از برپایی عزاداری‌ها در خانه‌های قدیمی سخن می‌گوید اینکه در آن زمان روضه‌ها فقط در خانه بزرگان شهر برگزار می‌شد و چندین روضه خوان پشت سر هم هر کدام ده دقیقه روضه می‌خواندند



چنین خانه‌ای را در نقطه دیگری از شهر با همان سبک و سیاق بسازد.

وی گرچه برخی قوانین دست و پاگیر را مانع از احیای سبک معماری گذشته می‌داند اما بر این نکته نیز اذعان دارد که با توجه به رشد شهر نشینی زنده کردن بافت قدیم شاید «محال» باشد.

پاک سرشت برخی از سبک‌های معماری گذشته مانند آینه‌کاری و گچ‌بری را معرفی می‌کند که می‌تواند با معماری امروز تلفیق شود و قطعاً بخشی از معماری گذشته را زنده کند معماری که در آن نوع ساخت‌وسازها به سمتی رفته بود که خانواده‌ها در اوج احترام و صمیمیت در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و خبری از تنهایی و انزوای امروز نبود.

روضه که به انتها می‌رسد، هنوز نوای میاندار در فضا احساس می‌شود، سکوت یک دقیقه‌ای، ورود جمعی بزرگ به میانه جمع و صدای استکان‌های کمر باریک فضا را لطیف می‌کند، چای قند پهلوی در میان جمعیت گردانده می‌شود و مردم به امید شفا و بخشش و حاجت آن را می‌نوشتند و رهسپار خانه‌هایی می‌شوند که عطر زندگی در آن‌ها با هیاهوی بچه‌ها در جریان است.

نبود که مانند امروز هر فامیلی جداگانه برای خود نذری بدهد و هر کس عزاداری را در چارچوب خانه‌اش حبس کند.

وی از فرش‌هایی می‌گوید که وقف عزاداری حسین (ع) و در خانه‌هایی با حیاط بزرگ پهن می‌شد و البته این را هم می‌گوید که امروز تغییر سبک و سیاق‌ها باعث شده تا سالیان متمادی فرش‌های وقفی در انبار خانه‌ها خاک بخورد و کسی دیگر سراغ برگزاری روضه‌هایی با آن شور و حرارت و البته نیازمند به فرش کردن حیاط خانه‌اش نرود.

زندگی در آپارتمان‌ها محبوس شده است

سید محسن محسنی، استاد دانشگاه و علاقمند به تاریخ قم نیز از دیگر افرادی است که با مهر به گفتگو پرداخته است. وی صحبت از بهاربندها که می‌شود به نکته جالبی در این زمینه اشاره می‌کند، اینکه نگهداری حیوانات در گذشته باعث می‌شد تا غذاهای اضافی به حیوانات خورانده شود و البته این کار علاوه بر مسائل اقتصادی بر کاهش تولید زباله و البته تأثیر مثبت بر روی محیط زیست نقش داشته است.

و می‌رفتند و البته روضه‌هایی که برخلاف امروز که در شب‌ها با شام مفصل برگزار می‌شود صبح‌ها و در نهایت با یک لیوان شیر و چای برگزار می‌شد.

وی سنت نهار و شام را تنها معطوف به روز عاشورا می‌داند، آن هم در خانه‌هایی که ممتول بودند و نهایت ظهر عاشورا آنگوشتی را برای مردم نذر می‌کردند.

محمد رشید زاده از دیگر افرادی است که روضه خوانی‌ها اشاره می‌کند. وی سابقه برگزاری ۵۰ سال روضه را در خانه خود دارد؛ میراثی که از پدر بزرگش به آن‌ها رسیده و وی بخشی از اموال خود را وقف برگزاری روضه کرده است.

برگزاری مراسم روضه‌خوانی در پستوها

به گفته رشید زاده در دوران خفقان پهلوی که برگزاری روضه ممکن نبود خانه‌ها محل‌هایی به عنوان «پستو» داشت و مردم از پشت بام‌ها در پستوی خانه یکی از اهالی جمع شده و بی سر و صدا روضه خوانی می‌کردند.

وی به تغییر آنچه که ما به آن «سبک زندگی» می‌گوییم اشاره کرده و می‌گوید در آن زمان حیاط

برای نسل امروز معماری ایرانی به قهوه‌خانه‌های سنتی خلاصه شده است

دیگر نه از قوس‌ها و قزاقی‌ها خبری است نه از آجرهای ۳ سانتی، برای نسل امروز معماری ایرانی به قهوه‌خانه‌های سنتی خلاصه شده است.



ناصر رضایی

قدس یکی از نزدیک ترین شهرستان ها به پایتخت محسوب می شود، منطقه ای که با ۴۰۰ هزار نفر جمعیت از کوچک ترین شهرستان های غرب استان تهران (از حیث وسعت و مساحت) به شمار می رود.

به طور طبیعی با در نظر گرفتن این وسعت محدود و جمعیت متکثر و انبوه ساکن در آن، منطقه مذکور از متراکم ترین شهرستان ها در مقایسه با شهریار و ملارد به شمار می رود.

شهر قدس تا قریب به یک دهه پیش، یکی از بخش های تابعه شهریار محسوب می شد که در زمان دولت وقت به شهرستانی مستقل در ساختار تقسیمات کشوری تبدیل شد.

تاریخچه شهرستان قدس

بر اساس اطلاعات موجود، منطقه مذکور تا پیش از راه اندازی و آغاز به فعالیت رسمی شهرداری، به قلعه حسن خان شهره بود و هنوز نیز برخی از ساکنان این منطقه و شهرستان های همجوار، از شهرستان مذکور با عنوان اشاره شده یاد می کنند.

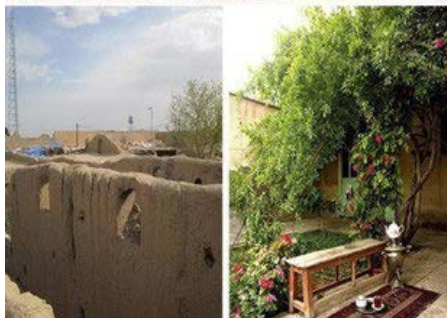
قلعه حسن خان در ادوار گذشته در زمره روستاهای کوچکی به شمار می رفت که در حاشیه جنوب غربی تهران واقع شده بود.

«شیوا موحد نیا» کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ در خصوص پیشینه تاریخی این شهرستان اظهار داشت: در اواخر سلسله قاجاریه و اوایل سلطنت رضاخان پهلوی، یکی از سردسته های شکارچیان دربار در آن دوران، معروف به (امیرتومان) اراضی این خطه را متصرف شد.

وی افزود: همجواری این منطقه در میان دو شهرستان تهران و کرج، اهمیت ویژه و خاصی را به این محدوده بخشید و کسانی که از تهران به سمت کرج تردد می کردند از منطقه مذکور به عنوان اقامتگاهی موقت بهره می بردند. موحد نیا عنوان کرد: بر اساس گزارش های تاریخی منتشر شده و برخی روایات شفاهی که سینه به سینه نقل و منتقل شده، عده ای از شکارچیان درباری به تدریج با دعوت از برخی گروه های مردمی و قومی، زمین های بایر این منطقه را به اراضی زراعی و کشاورزی تبدیل کردند و به تدریج باغداری و زراعت در این محدوده رونق و رواج گرفت.

وی افزود: قلعه حسن خان، منتسب به فرزند امیر تومان بوده و بر اساس دو قلعه اربابی که در این منطقه بنا شد، نامگذاری مذکور نیز سر زبان ها افتاد.

موحد نیا گفت: روایات شفاهی موید این واقعیت است که پیش از اطلاق عنوان قلعه حسن خان به این منطقه،



می شود، بلکه در بسیاری دیگر از نواحی این پهنه وسیع جغرافیایی که امروزه به استان تهران شهره است، نحوه طراحی منازل از اشکال سنتی مشخص و واحدی پیروی می کرد.

وی افزود: خشت، گل، چوب و شاخ و برگ درختان و خاک آغشته به شن برای استحکام بنا و بخصوص بام و سقف منازل، از شیوه های مرسوم ساختمان سازی در این منطقه به شمار می رفت.

دانش آموخته رشته معماری گفت: درب های منازل از جنس چوب (درختان تیریزی) بوده است که برخی از آن ها به واسطه زبانه ای به چارچوب بالای درب، قفل و متصل می شد.

وی افزود: احداث اتاق های تودرتو بصورت زمستانی و تابستانی از دیگر شیوه مرسوم بود که در طراحی منازل قلعه حسن خان استفاده می شده است.

خاوندی عنوان کرد: طراحی گنبدی شکل و قوس دار از دیگر تکنیک هایی بود که در ساختمان سازی آن دوران استفاده می شد و به نوعی می توان آن را در قالب سبک معماری ایرانی-اسلامی معنا کرد.

وی افزود: البته نباید از نظر دور داشت، پاره ای از ساختمان های فعلی که در برخی از شهرهای ایران به عنوان نمونه ای برجسته از طراحی خانه (معماری ایرانی-اسلامی) یاد می شود، حاصل تلاش مجموعه ای از هنرمندان رشته های مختلف و متعدد بوده است که به هر حال لحاظ کردن چنین ظرافت هایی برای تمامی مردم آن دوران امکان پذیر نبود.

دانش آموخته رشته معماری گفت: آنچه که از آن به عنوان معماری سنتی مرسوم آن دوران در منازل مسکونی این منطقه (شهرستان قدس) و یا دیگر شهرهای کشور یاد می شود، تنها بخش کوچکی از معماری ایرانی-اسلامی باشکوه و پرآوازه آن دوران محسوب می شده است.

وی افزود: به تعبیری و با لحاظ کردن وسواس کمتری می توان گفت که نحوه طراحی سقف، احداث دیوارها، جنس درب منازل، نوع معماری اندورنی و بیرونی منازل و حجابی که برای آن لحاظ می شده، از یک رویه و مدل مشخصی پیروی می کرد که امروزه نام و نشانی از آن یافت نشده و در حال حاضر تمامی بناهای مسکونی با الگوبرداری از شیوه های غربی احداث می شوند.

محدوده اشاره شده به «سبزه الماس» شهره بود. کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ عنوان کرد: آب مورد نیاز اراضی قلعه حسن خان، به واسطه سه قنات بزرگ تأمین و مبدأ یکی از قنات ها، رودخانه ای به نام «قروق» بود که از رودخانه بزرگ کرج منشعب می شد.

وی در خصوص نحوه تأمین معیشت و نوع کسب و کار ساکنان این منطقه در گذشته های دور تاریخی عنوان کرد: باغداری، کشاورزی و دامپروری سه شغل اصلی ساکنان این محدوده بوده است که مشاغل اشاره شده در دو شهرستان فعلی و همجوار این خطه، ملارد و شهریار نیز شایع بود.

موحد نیا عنوان کرد: به تدریج با رشد کارخانجات و مراکز صنعتی و تولیدی در شهر تهران و مسیر ارتباطی میان این دو شهرستان، منطقه مذکور به عنوان یکی از مراکز صنعتی و تولیدی شاخص و برجسته در استان تهران شهره شد.

کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ گفت: فعالیت های صنعتی بر بافت جمعیتی این شهرستان نیز تأثیر گذاشت و عمده جمعیت ساکن در این محدوده از فعالان حوزه کاری هستند و همین سیر تدریجی تاریخی باعث شد، رفته رفته شهرستان قدس از آن پیشینه و عقبه سنتی خاص خود نیز فاصله بگیرد که این تحولات در عرصه معماری مسکن و منازل این منطقه نیز مشهود و ملموس به نظر می رسد.

وی افزود: فراموشی سبک معماری ایرانی-اسلامی در این شهرستان همچون بسیاری از دیگر مناطق کشور، باعث شد تا معماری ها و طراحی های منازل و عرصه شهرسازی این منطقه به اسلوب و سبک های نوظهوری تبدیل شود که با عنایت به همجواری آن با کلانشهر پایتخت، فرآیند تغییرات با تأثیرپذیری بسیار بالایی همراه شد.

معماری ابنیه مسکونی در قلعه حسن خان (شهرستان قدس)

«منیژه خاوندی» دانش آموخته رشته معماری در خصوص نوع طراحی و معماری بناهای مسکونی در این منطقه گفت: منازل مسکونی خطه مذکور، تفاوت چندانی با ابنیه و سکونت گاه های شهرستان شهریار نداشت و نه تنها در این خطه که از آن به عنوان غرب استان تهران یاد

و متنوع در کنار یکدیگر زیست می کنند که اختلافات فرهنگی قابل توجهی میان آن ها ایجاد می شود. وی افزود: آنچه باعث تفکیک میان اعضای ساکن در یک آپارتمان از یکدیگر شده تنها یک دیوار است، اما در مقام عمل، رفتارها و طرز تفکر افراد، باز خوردی فراتر از چنین تفکیک هایی دارد و عدم تناسخ رفتارها، تلقی ها، برداشت ها و شیوه های زندگی میان افراد، باعث بروز مشکلاتی می شود که موبد تفاوت در ذاتفه های فکری است که به مرور به دلیل نبود آموزش صحیح این تفاوت ها را به تقابل میدل می سازد.

جامعه شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی گفت: امروزه بخشی از درگیری ها و پرونده های تشکیل شده در دادگاه ها ناشی از اختلافاتی است که متأثر از تعارضات فرهنگی میان سکنه آپارتمان های مسکونی ظهور و بروز پیدا می کند و گاه رفع و رسیدگی به چنین تقابل هایی، به دادگاه ها و محاکم قضایی کشیده می شود.

وی افزود: محیط هایی که با فلسفه و ماهیت تأمین حفظ آرامش و بازتوانی روحی و جسمی بنا شده اند، گاهی به اماکنی میدل می شوند که در آن روح و روان، اسیر فرسایش و تنش های مستمر می شود و این از تبعات زندگی مدرن شهرنشینی در جوامع در حال توسعه است که با وجود برخی محاسن، با پیامد ها و عوارض اینچنینی نیز همراه می شود که بخشی از آن نیز غیر قابل اجتناب است. شفاعتی عنوان کرد: با چنین اوصافی برون رفت از وضعیت موجود، مستلزم حصول شناختی دقیق از عوامل تأثیر گذار در به فراموشی سپردن سبک معماری ایرانی و اسلامی است.

وی افزود: دلایل مُرتبب بر ظهور چنین پدیده و تغییراتی در بسیاری از پهنه ها و نقاط جغرافیایی کشور صادق است که شهرستان قدس نیز از این قاعده و سیر دگرگونی مستثنی نیستند.

در ادامه این گزارش در گفت و گو با کارشناسان و مدیران شهری و شهرستانی این منطقه، دلایل و عوامل موثر در به فراموشی سپرده شدن معماری ایرانی-اسلامی در منازل این منطقه و راهکارهای موثر برای احیای مجدد آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

غلبه نماهای کامپوزیت بر سیمای معماری ایرانی-اسلامی

«خدا بخش محمد زاده پودینه» عضو شورای اسلامی شهر قدس در خصوص علت فاصله گرفتن از معماری ایرانی-اسلامی در شهر قدس گفت: عوامل و دلایل زیادی در این موضوع تأثیر گذار بوده اند که در شهر قدس نیز مانند بسیاری از دیگر نقاط کشور این پدیده و تحولات ایجاد شده، مصداق دارد.

وی افزود: به نظر بنده، معماری یک هنر است که باید به صورتی روشن و شفاف تعریف شود و بررسی این موضوع خطیر که چرا در شرایطی که سبک معماری ایرانی-اسلامی در گذشته به عنوان یکی از هنرهای شاخص این مرز و بوم مطرح بوده و به نوعی شهره و زبانزد خاص و عام بود، به وضعیتی دچار شده که در شرایط فعلی این هنر اصیل و باشکوه به فراموشی سپرده شده است.

پودینه عنوان کرد: متأسفانه در شرایطی قرار گرفته ایم که نمود و بروز معماری ایرانی-اسلامی به قهوه خانه های سنتی خلاصه شده و این وضعیت با آنچه که از آن به عنوان کارکردهای معماری ایرانی و اسلامی مطرح می شود، فاصله بسیاری دارد.

پودینه گفت: نه تنها معماری ما، بلکه بسیاری از آداب، عادات و رسوم ارزشی، اصیل و سنتی ما که تحکیم

گردهمایی همسایگان، بستگان و اعضای خانواده که اغلب پر جمعیت نیز بودند، ایوان، سرداب، باغچه، حیاط، بادگیر، حوض و... از شاخصه های معماری سنتی ایران زمین به شمار می رفت که هر کدام ریشه در نیازها، خلیقات و الزامات زندگی ایرانی داشت.

شفاعتی عنوان کرد: با نگاهی اجمالی به وضعیت و سیمای ساختمان ها و واحدهای مسکونی به روشنی در می یابیم که آن پهنه وسیع طولی و عرضی، جای خود را به ساختمان سازی عمودی و بلند مرتبه سازی داده است. کارشناس مسائل اجتماعی افزود: یکی از اصلی ترین علل بنای واحدهای مسکونی به شیوه کنونی، تراکم جمعیتی شهرها است که به دلیل حجم انبوه ساخت و سازها و نیاز به جانمایی هر چه بیشتر ساختمان ها از لحاظ کثرت و تعدد، شیوه عمودی جایگزین سکونتگاه های ویلایی شد که وسعت سطح اشغال آن بسیار بیشتر است. وی افزود: در واحدهای مسکونی امروزی، دیگر امکان شب نشینی ها و دورهمی های جمعیتی وجود ندارد، زیرا در یک واحد ۱۰۰، ۷۰، ۵۰ متری شرایط برای هم نشینی آشنایان و بستگان به تعداد و کثرت گذشته وجود ندارد



که شرایط اقتصادی نیز در این امر دخیل است. شفاعتی عنوان کرد: اگر در گذشته برگزاری مراسم عزاء، سوگواری، شادمانی، اعیاد و عروسی ها در همان خانه های سنتی و بزرگ انجام می شد، امروز برگزاری چنین مراسمی در تالارها و باغ تالارها اجزایی می شود.

وی افزود: پرداختن به جزئیات این تحولات در این مجال نمی گنجد، اما مثال های مذکور مشتت نمونه خروار است که هر آنچه در آن دقیق تر شویم به همان میزان تحولات عمیق تری از تغییر رفتارها و سنت های قدیمی، مشهود و بارز می شود که به مرور رنگ باخته و زندگی شهرنشینی با قالب های جدید تجدد غربی جایگزین آن شده است.

پیامدهای مخرب معماری غربی بر رفتارهای اجتماعی

شفاعتی با اشاره به افزایش تعارضات و درگیری های میان سکنه واحدهای مسکونی و آپارتمان ها عنوان کرد: رشد و توسعه شهرها با مهاجرت پذیری و مهاجر نشینی همراه است و در چنین فضایی، خرده فرهنگ های متعدد

خاوندی با بیان بروز تغییراتی جدی در ذائقه طراحان و معماران جامعه ایرانی عنوان کرد: همسان با بروز تفاوت های جدی در سبک های معماری معاصر با دهه های و سده های گذشته، رفتارها و کنش ها و واکنش های اجتماعی نیز (در مقایسه با گذشته) دچار تغییراتی جدی شده که بررسی دقیق تر آن مستلزم واکاوی ها و بررسی های عمیق جامعه شناختی و روانشناختی است.

وقتی معماری غربی رفتارهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد

برخی کارشناسان معتقدند سبک معماری غربی با آنچه که از آن به عنوان ارزش های فرهنگی جامعه ایرانی یا سبک زندگی ایران-اسلامی یاد می شود سازگار نیست و این دو هم راستا و همسو با یکدیگر گام بر نمی دارند.

«رویا شفاعتی» جامعه شناس و پژوهشگر حوزه اجتماعی با اشاره به نقش فضا و محیط در مناسبات رفتاری انسان عنوان کرد: در ابتدا خشت و آهن و سازه ها اجزای بی روحی هستند که با ترکیب و طراحی مجموعه ای از مصالح ساختمانی، بستر و قالبی را فراهم می کنند که

ظرف مکانی مذکور، رفتارها و اندیشه های انسان را شکل می دهد.

وی افزود: هر ساختمانی بر مبنای نوع و کارکردی که برای آن تعریف می شود، طراحی و احداث شده و چنین قاعده ای موبد نقش دو سویه نوع و کیفیت معماری ها با رفتارهایی است که در چنین بستر و چارچوبی ظهور و بروز پیدا می کند.

شفاعتی گفت: به عنوان نمونه، طراحی ابنیه ورزشی با ساختمان هایی که با کارکرد رفاهی یا سکونتی بنا می شود، متفاوت و متمایز بوده و این واقعیت نشان دهنده کنش و واکنش های محیطی با رفتارهای افراد و گروه های اجتماعی است.

وی با اشاره به نحوه معماری ابنیه ها و ساختمان های بومی سنتی و نموده های بیرونی مرتبط با رفتارهای اجتماعی گروه ها و طیف های جامعه ایرانی عنوان کرد: یکی از شاخصه های اماکن مسکونی در تاریخ و فرهنگ سنتی ایران، خانه ها یا باغ ویلاهایی بود که با وسعت و مساحت بالا احداث می شد.

وی افزود: تفکیک اندرونی و بیرونی، اتاق های بزرگ برای

ارسال یا مطرح نشده و این امر نقیصه ای بزرگ به شمار می رود که باید برای رفع آن تلاش شود.

وی افزود: بنده به عنوان یکی از اعضای شورای شهر چهارم، در آینده ای بسیار نزدیک به سهم خود، موضوع اشاره شده را در نطق پیش از دستور مطرح خواهم کرد که رسیدن به نتایج شایسته و مطلوب، مستلزم اجماع حداکثری دیگر اعضا و همکاران ما در شورای شهر است.

لحاظ کردن تبصره های تخفیفی برای پیاده سازی سبک معماری ایرانی-اسلامی

عضو شورای اسلامی شهر قدس با بیان نقش تأثیر گذار بسته ها و تبصره های تشویقی در پیاده سازی سبک معماری ایرانی و اسلامی در ساخت و سازها و ابنیه های مسکونی این منطقه گفت: بدون تردید با تعریف چنین مولفه هایی، انگیزه هر چه بیشتری برای حصول این امر (معماری ایرانی-اسلامی) ایجاد خواهد شد.

محمدزاده پودینه در خصوص میزان موفقیت معماری های مبتنی بر سبک ایرانی و اسلامی در مدیریت بهینه انرژی عنوان کرد: بدون تردید، صرفه جویی انرژی در اماکنی که آشپزخانه های آن بصورت باز احداث می شود و یا ابنیه ای که طراحی آن دوپلکس و... است، دشوارتر از بناهای قدیمی یا معماری هایی خواهد بود که در قالب ایرانی و اسلامی مطرح می باشند.

وی افزود: در معماری ایرانی-اسلامی اتاق ها مُنْفَك از یکدیگر بنا می شدند و همین ویژگی، صرفه جویی در انرژی را تسهیل می کرد و بدون تردید با اجرایی شدن معماری مذکور، در حوزه مدیریت بهینه انرژی نیز گام های ارزنده تری برداشته خواهد شد.

پودینه گفت: مجموع کار کردهای معماری ایرانی و اسلامی این ضرورت را به ذهن متبادر می کند که باید نسبت به تحقق چنین سبک هایی در ابنیه جدید التاسیس، تلاش بسیاری شود و در این عرصه، نقش دانشگاهیان و محققان بسیار موثر و برجسته به نظر می رسد.

عضو شورای اسلامی شهر قدس عنوان کرد: پیاده سازی معماری ایرانی و اسلامی، ضرورتی است که از ابعاد گوناگون فرهنگی، ارزشی، اجتماعی، تاریخی، اصولی، سنتی، حاوی ثمرات سازنده ای برای جامعه و خانواده ایرانی خواهد بود و همین نتایج است که لزوم اجرایی شدن آن را دو چندان می کند.

از هجسه فرهنگی و تبلیغاتی غرب تا ضعف های تحقیقاتی و پژوهشی

محمد محمودی شاه نشین نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد در این خصوص (دلایل فراموشی معماری ایرانی-اسلامی) عنوان کرد: هجسه تبلیغاتی و فرهنگی غرب علیه فرهنگ ایرانی و اسلامی یکی از عوامل بسیار موثر در به فراموشی سپردن این سبک از معماری است.

وی افزود: در کنار این موضوع، نباید از غفلت مراکز تحقیقاتی و پژوهشی نیز به سادگی گذشت و با عنایت به این واقعیت که عمده فناوری ها و تکنولوژی های روز دنیا مشمول مطالعات غربی ها است، این موضوع در نحوه طراحی مسکن، منازل و ابنیه ها نیز مصداق دارد.

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد در مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: در طول سالیان و دهه های گذشته، مراکز علمی ایران آنچنان که باید در حوزه تلفیق آموزه های دینی و سبک معماری و احیای تکنیک ها و اصولی که در قواعد ساختمان سازی سبک ایرانی-اسلامی لحاظ می شد، ورود نکرده اند و همین فاصله و شکاف باعث



فعال در شهرستان ها، شورای عالی معماری و شهر سازی، معاونت عمرانی وزارت کشور، مجلس و... اشاره داشت. عضو شورای اسلامی شهر قدس عنوان کرد: در صورت همسویی و هدفگذاری دستگاه های اشاره شده و لحاظ شدن عزمی همگانی، می توان نسبت به احیای سبک معماری ایرانی-اسلامی امیدواری بسیاری داشت. وی افزود: در این میان نقش آفرینی دانشجویان و دانش پژوهان و تعریف مشوق هایی برای ایجاد انگیزه لازم برای پرداختن به ابعاد و زوایای پیدا و پنهان سبک اشاره شده در قالب مقالات، رسالات و پایان نامه ها از دیگر الزاماتی است که تأثیر بسزایی در ترویج سبک معماری مذکور ایفا خواهد کرد.

در حوزه نظارت و اجرا! با موانع و مشکلاتی روبرو هستیم

عضو شورای اسلامی شهر قدس در خصوص موانع قانونی پیش رو برای پیاده سازی سبک معماری ایرانی و اسلامی اظهار داشت: به نظر، چالش و مانع اصلی در بخش نظارت و اجرا است و از حیث قانون با مشکل چندانی روبرو نیستیم.

وی افزود: ضمانت اجرایی قانون، موضوع اصلی است زیرا به مُجَرَّد تعریف و تصویب قانون راه به جایی نخواهد برد. پودینه گفت: به بیان دیگر در صورت پیگیری و در اولویت قرار گرفتن معماری ایرانی و اسلامی از سوی تمامی دستگاه های مسئول، شاهد حصول وحدت رویه و یکپارچگی موثری در این حوزه خواهیم بود و در چنین شرایطی، معماری ایرانی و اسلامی به عنوان یکی از رقبای جدی دیگر سبک های معماری مطرح خواهد شد.

عدم پرداختن به سبک معماری ایرانی-اسلامی در دوره چهارم شورا یک ضعف بزرگ است

پودینه در خصوص دستور کارهای شورای اسلامی شهر قدس در دوره چهارم برای پیاده سازی سبک معماری ایرانی-اسلامی در این منطقه عنوان کرد: متأسفانه در این دوره، به این موضوع پرداخته نشده و مصوبه ای تحت این عنوان در شورای شهر چهارم نداشته ایم. وی افزود: لایحه ای نیز از سوی شهرداری در این خصوص

بخش بنیان خانواده بوده، در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی تضعیف شده که این وضعیت در خصوص معماری نیز صادق است که باید به موازات آن به برخی کم توجهی ها در حوزه های مطالعاتی و پژوهشی نیز تأکید ویژه ای داشت.

وی افزود: پیاده سازی و اجرای سبک معماری ایرانی و اسلامی در گام نخست، نیازمند تجدید نظر در باورها و رویه هایی است که در ذائقه ها، سلیقه ها و گرایشات افراد تأثیر گذار است و در چنین شرایطی، فرهنگ سازی، آموزش و انجام تحقیقات پژوهشی عمیق، گسترده و کارآمد، به حصول توفیقات سازنده در این بخش منتهی خواهد شد. عضو شورای اسلامی شهر قدس عنوان کرد: در حال حاضر، قوس های ایرانی-اسلامی، آجرهای سه سانتی یا قزاقی و در یک کلام مصالح ساختمانی ایرانی-اسلامی به فراموشی سپرده شده و این سبک های معماری کلاسیک و غربی با نماهای کامپوزیت هستند که در طراحی ها و احداث بنا شایع و مرسوم شده که این وضعیت، سختیت چندانی با پیشینه تاریخی و فرهنگی ما ندارد.

وی افزود: در صورت استمرار کیفیت فعلی معماری، نسل بعدی به شدت با سبک معماری ایرانی-اسلامی بیگانه خواهد بود و می طلبد برای احیای این سبک اصیل، با فوریت و جدیت تمام از سوی تمامی دستگاه های مسئول اقدام شود.

پودینه عنوان کرد: تحقق چنین امری در کوتاه مدت میسر نخواهد شد و پیاده سازی معماری ایرانی و اسلامی در شرایط موجود، مستلزم اتخاذ تمهیدات هوشمندانه و برنامه ریزی هدفمند و اصولی است که باید با اراده ای راسخ مد نظر باشد.

احیای معماری ایرانی-اسلامی نیازمند عزمی همگانی است

پودینه در خصوص راهکارهای موثر در ترویج و احیای سبک معماری ایرانی و اسلامی گفت: در حصول چنین امری، دستگاه ها و نهادهای بسیاری موثر خواهند بود که از نمونه های آن می توان به مراکز پژوهشی، متولیان صنعت ساختمان، مدیریت شهری، شورای معماری و شهرسازی، حوزه معاونت معماری و شهرسازی شهرداری ها، اداره کل راه و شهرسازی استان ها و زیر مجموعه های



اسپر روزمرگی شده ایم

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد با انتقاد از برخی روزمرگی ها گفت: متأسفانه دچار عارضه روزمرگی شده ایم و تا زمانی که از چنین وضعیتی خارج نشویم، شاهد انباشت مشکلات متعدد و ریز و درشت خواهیم بود. وی افزود: در مقطعی دولتی می آید و پروژه مهر را تعریف می کند که در آن حجم انبوهی از واحدهای مسکونی بدون در نظر گرفتن زیرساخت های لازم، احداث یا کلنگ زنی می شود و دولت بعدی آن را به طور کلی محکوم می کند.

محمودی شاه نشین گفت: بعد از مدتی ایده مسکن اجتماعی مطرح می شود که به عقیده بنده به دلیل عدم تأمین پیش نیازها و کم توجهی و دور اندیشی لازم، طرح مذکور نیز به سرنوشته مسکن مهر دچار خواهد شد.

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد عنوان کرد: تغییر برنامه های بلند مدت از سوی دولت ها، ناصحیح و غیر معقولانه است و باید ساز و کاری تعریف شود که هدفگذاری ها و برنامه های بلند مدت به صورت اصل و قاعده ای تعریف شود تا هر از چندگاهی شاهد تغییرات اینچنینی در برنامه ها نباشیم.

وی افزود: باید سیاستمداران به سیاست، اقتصاد دانان به اقتصاد، فرهنگیان به فرهنگ و تولید گران به صنعت بپردازند و از ورود به حوزه های غیر مرتبط و غیر تخصصی پرهیز کنند و تا زمانی که شاهد تفکیک تخصصی و کارشناسی شده در این حوزه نباشیم، ظهور و بروز مشکلات استمرار خواهد داشت.

محمودی شاه نشین در خصوص برنامه های مجلس شورای اسلامی برای فاصله گرفتن از چنین مشکلاتی و همچنین تحقق و پیاده سازی معماری ایرانی-اسلامی گفت: هشت سال است که مجلس به تعریف لایحه مدیریت شهری از سوی دولت اصرار می ورزد و خوشبختانه بعد از گذشت مدت ها، تیمی در مجلس تشکیل شده و طرحی را در قالب ۲۵۰ صفحه تنظیم کرده که امیدواریم بعد از انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی در صحن علنی به رأی گذاشته شود.

وی در خاتمه یادآور شد: بدون تردید در صورت تصویب طرح جامع مدیریت شهری، بسیاری از نارسایی ها و چالش های اشاره شده برای همیشه رفع خواهد شد. به هر ترتیب امروز توجه به معماری ایرانی و اسلامی ضرورتی است که باید با مدیریت واحد، اتحاد و همدلی مسئولان محقق شود.

مسیر و کانالی مشخص، مدون، اصولی و هدفمند، طی طریق کند.

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد در مجلس عنوان کرد: فعالیت های موازی و غیر هماهنگ، از آفات مدیریت شهری محسوب می شود و نتیجه و ثباعت چنین رویه ای، ناهمگونی و بروز معضلات جدی و عمیق خواهد بود.

محمودی شاه نشین گفت: متأسفانه موازی کاری باعث هدر رفت زمان، انرژی و منابع می شود که در صورت همسویی هر چه بیشتر، از صرف بسیاری از هزینه کردها صرفه جویی خواهد شد.

وی افزود: آبفا، اداره گاز، برق، مخابرات و... هر یک به نحوی درصدد پیاده سازی و اعمال مدیریت و طرح های مورد نظر سازمانی خود بوده و در چنین شرایطی، امکان حصول توفیقات موثر و کارآمد دشوار به نظر می رسد. نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد عنوان کرد: متأسفانه در شرایطی از معماری ایرانی-اسلامی فاصله گرفته ایم که بسیاری از کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، با الگوبرداری از سبک اصیل و تاریخی این مرز و بوم به موفقیت های بسیاری در کسب درآمد و جذب گردشگر نائل شده اند.

محمودی شاه نشین گفت: یادگیرهای یزد در شیخ نشین دویی از مصادیق چنین ادعایی است و این امر در شرایطی پیش آمده که ما به عنوان صاحبان و داعیه داران اصلی چنین طرح ها و سبک هایی، آن را به بوته فراموشی سپرده ایم.

آمایش سرزمینی حلقه مفقوده مدیریت شهری و معماری

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد، تعریف و اجرای دقیق و کارشناسی شده آمایش سرزمینی را از دیگر ضروریات عرصه مذکور (احیای معماری ایرانی-اسلامی) عنوان می کند.

وی گفت: جدیت در پرداختن به چنین مطالعاتی در حوزه های گوناگون اعم از احداث و ساخت منازل، شهرک های مسکونی و شهرسازی از موارد حائز اهمیتی است که باید با جدیت در دستور کار باشد.

محمودی شاه نشین گفت: باید موسسات پژوهشی تحقیق کنند، الگو دهند و الگوی ارائه شده به قانون تبدیل شود و در چنین شرایطی می توان از بسیاری انسدادها و موانع عبور کرد.

کمرنگ شدن این هنر اصیل و باشکوه شده است. وی افزود: مولفه های اقتصادی از دیگر عوامل نادیده گرفته شدن معماری اشاره شده محسوب می شود، زیرا بدون تردید، پیاده سازی فنون ساختمان سازی و طراحی های قدیمی مبتنی بر ارزش های ایرانی-اسلامی در دوران فعلی هزینه ساز است و آنچه که در گذشته نیز اجرایی و پیاده سازی می شده، متأثر از نیازی بود که در آن دوران احساس می شد.

محمودی شاه نشین عنوان کرد: آنچه که امروز از آن تحت عنوان قالب بتنی و اسکلت سازی یاد می شود، حاصل تحقیقات و پژوهش های غربی ها است و علاوه بر سازه، این تأثیرپذیری در معماری بنا نیز رسوب و رسوخ کرده است.

وی افزود: متأسفانه منطق و انگیزه کافی برای پیاده سازی سبک معماری ایرانی-اسلامی در ارتفاع و مجتمع های مسکونی دیده نشد و همین امر باعث احداث و ظهور بروز طراحی هایی شده که سختی چندانی با ارزش ها و فرهنگ ایرانی و اسلامی ندارد.

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد عنوان کرد: برخی گمان می کنند معماری ایرانی-اسلامی فقط به گنبد یا طاق نصرت ها مختصر و منتهی می شود، اما آنچه که به عنوان کارکرد اصلی این سبک از معماری قابل توجه است، معطوف به مجموعه ای از باید ها و نبایدهای فرهنگی ایرانی-اسلامی و حفظ حرمت و حریم خصوصی می شود.

وی افزود: به عنوان نمونه، کاشت و حفاظت از درخت در شریعت اسلامی، امری پسندیده به شمار می رود، در حالی که در بنای ساختمان ها و ابنیه مسکونی در طول سال ها و دهه های اخیر، قطع درختان به امری عادی در ساختمان سازی تبدیل شده که برخلاف ارزش ها و باورهای اسلامی به نظر می رسد.

«محمودی شاه نشین» گفت: به نظر بنده، قصور و کم کاری اصلی، متوجه مراکز پژوهشی و تحقیقاتی می شود و می طلبد دولت اعتبارات و بودجه مطلوب و مناسبی را برای پیاده سازی و پیگیری سبک معماری ایرانی-اسلامی مد نظر قرار دهد.

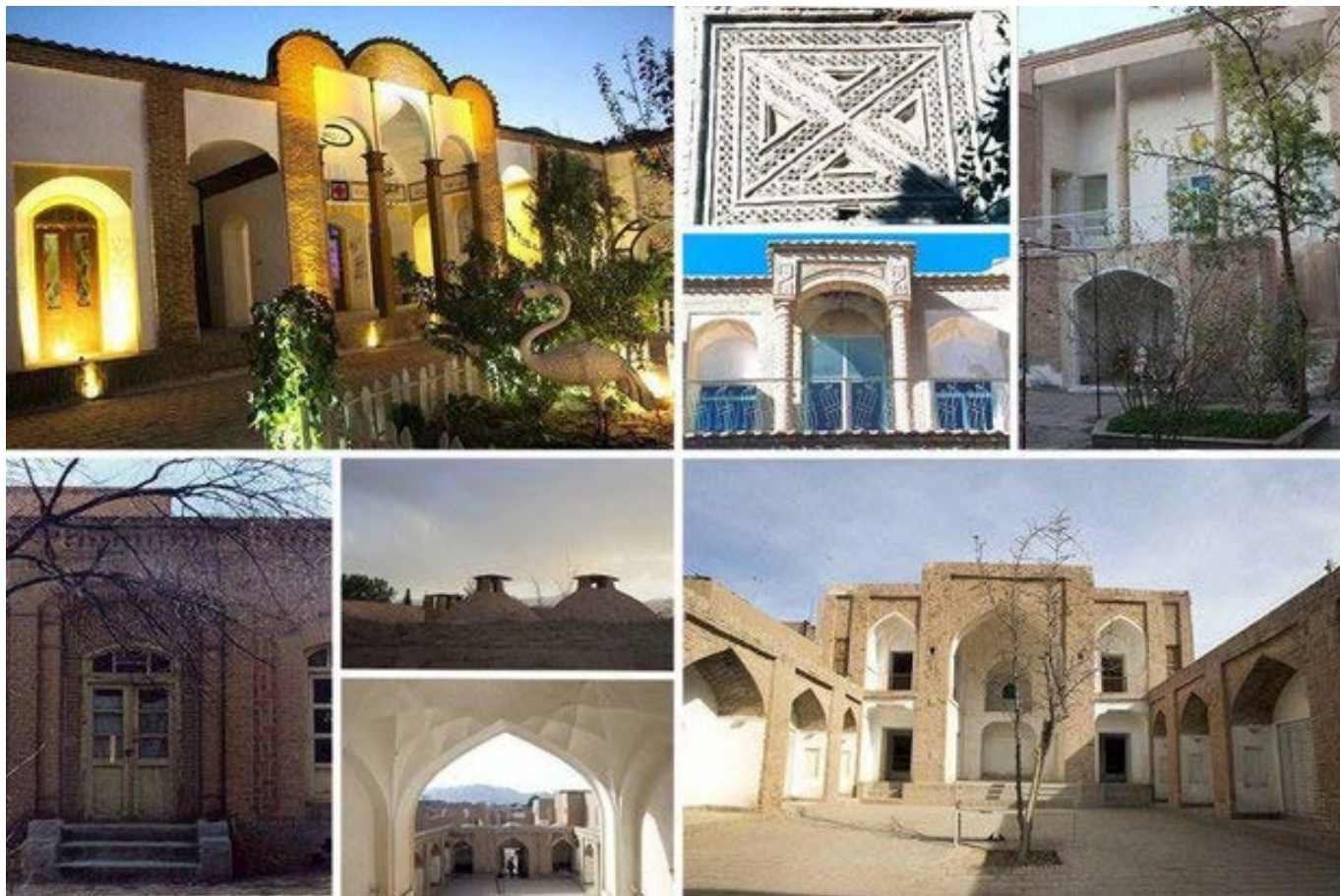
لزوم حصول مدیریت یکپارچه شهری

نماینده مردم شهریار، قدس و ملارد در خصوص راهکارهای مؤثر و مقتضی برای برون رفت از معماری های بیگانه فعلی که در حوزه ساخت و سازها لحاظ می شود، گفت: وزارت راه و شهرسازی و دانشگاه های ما باید با تلاش و دقت نظر هر چه بیشتر، ترویج و احیای معماری مذکور را با جدیت در دستور کار قرار دهند.

وی افزود: حفظ حریم خانواده، بهداشت، حجاب و عفاف در ابنیه، از ضروریاتی است که باید به نحوی عمیق، بنیادی و کالبدی مورد توجه قرار گرفته و در صورت تحقق مولفه های مرتبط با معماری ایرانی-اسلامی، آرامش روحی و روانی مضاعف و مطلوب تری در منازل و خانه ها ایجاد خواهد شد.

محمودی شاه نشین گفت: گام سازنده بعدی برای تحقق این امر خطیر، به پیاده سازی مدیریت یکپارچه شهری معطوف می شود و تا زمانی که شاهد مدیریت جزیره ای و برخی عملکردهای غیر همسو در حوزه شهری یا شهر سازی هستیم، حصول شایسته سبک معماری ایرانی-اسلامی غیر ممکن خواهد بود.

وی افزود: شهر به مثابه یک موجود زنده است که در کنار فیزیک، عکس العمل، حیات و الزامات و ضروریات خاصی را می طلبد تا به صورت همسو و یکپارچه در



روایتی از جریان زندگی در خانه‌های قدیمی / هنری که به تاریخ پیوست

قدم در دالان حیاط قدیمی خانه «حاج عباس» می‌گذارم.

زیبایی خفته در بنایی ۱۰۰ ساله

همه‌جا را به خوبی و روانداز می‌کنم. حیاطی بزرگ با اتاق‌های مدور، بیشترین خودنمایی را دارند. خانه‌ای که در میان کلاهی‌هایی بیضی‌شکل قرار دارد و از هر طرف نیز با پله‌هایی به حیاط متصل می‌شود. حوض آبی‌رنگ هم در میان باغچه‌های شش‌ضلعی و کوچک محاصره شده است. درخت‌های کوتاه‌قد زیبایی خاصی به حیاط قدیمی خانه «حاج عباس» هدیه داده است.

صدای زن جوان به گوش می‌رسد که می‌گوید: بسیاری از نماها مانند پنجره‌ها تعمیر شده چراکه گذشت زمان موجب تخریب آن شده بود.

سعی دارد برایم از تغییرات سخن بگوید اما پیرمرد درحالی که آرام بر پله‌ها نشسته است او را منع می‌کند و می‌گوید: بگذار این خبرنگار جوان به کارش برسد. حیاط کاملاً سنگ‌فرش است و در قسمتی از آن نیز خانه‌هایی تازه تأسیس بنا شده است. آن طرف تر هم در داخل دیوار، درست در زیر خانه‌ها، فرورفتگی به چشم می‌خورد.

از پنجره‌های چوبی خیری نیست و قاب‌های آهنی مربع شکل در وسط خانه‌های بیضی مانند خودنمایی می‌کنند اما از ظاهرشان پیداست که دو یا سه سال بیشتر از عمر این اتاق‌ها نگذشته است.

ورودی خانه هلالی شکل است و نقش‌های زیبایی دارد. دیدن هر منظره عطش کنجکاوی‌ام را بیشتر می‌کند و بالاخره وجود اتاقکی به‌دور از خانه‌ها مرا برای پرسش به‌طرف «حاج عباس» می‌کشاند.

به قاب و نگارهای قدیمی آراسته شده است. بعد از ۱۰ دقیقه‌ای پرس‌وجو، خانه را در دل کوچه‌ای طویل و تاریک، با شبی ملایم می‌یابم. اطراف کوچه را خانه‌هایی با دیوارهای بلند محاصره کرده است. گویا هنوز رد پای تاریخ در اینجا حضور دارد.

کلون‌هایی که بی صدا شدند

اما خانه «حاج عباس» اندکی رنگ و لعابش را تغییر داده است. تمام مشخصات مورد اشاره پیرزن را دارد. اما از کلون و یا در کوبی حلقه‌ای اثری به چشم نمی‌آید. سمت چپ در، زنگ سفیدی تعبیه شده است. هر چه در را می‌کوبم و یا زنگ را می‌فشارم کسی پاسخگو نیست.

شنیده بودم خانه‌های قدیمی از چندین در به بیرون راه دارد. به سراغ در دیگری برای ورود به خانه می‌گردم. کوچه را به سمت راستم دور می‌زنم و با دری سفیدرنگ روبه‌رو می‌شوم. نمای خانه نمایان است و نوری از پنجره‌ها دیده می‌شود. اما کسی جواب در زدن‌های مکرر را نمی‌دهد. بی‌شک باید در سومی هم در کار باشد.

راه‌رفته‌ام را برمی‌گردم و کوچه تنگ و باریک را به سمت بالا قدم‌زنان می‌روم. دیوارهای خاکی و خشتی خانه در هوای نمناک زمستانی فضایی دل‌نشین را ایجاد کرده است. در سمت چپ، در بزرگی با اندکی فرورفتگی در دیوار خودنمایی می‌کند. دری چوبی، کهنه، دولنگه و قدیمی همراه با در کوبی حلقه‌ای و کلونی آهنی. با شک و تردید با صدای در کوب سکوت کوچه را در هم می‌شکنم. این بار صدای زنی جوان از پشت در به گوش می‌رسد.

بافاصله چندثانیه‌ای، خانمی جوان در قاب آبی‌رنگ در ظاهر می‌شود. خودم را معرفی می‌کنم و با سلام و خوشامدگویی

خانه‌های اصیل ایرانی آثاری ماندگار و جذاب از معماران خوش‌ذوق است که سازه، معماری و حتی نوع مصالح آن متناسب با فرهنگ و اقلیم هر منطقه بوده اما امروز این معماری در مسیر نابودی است.



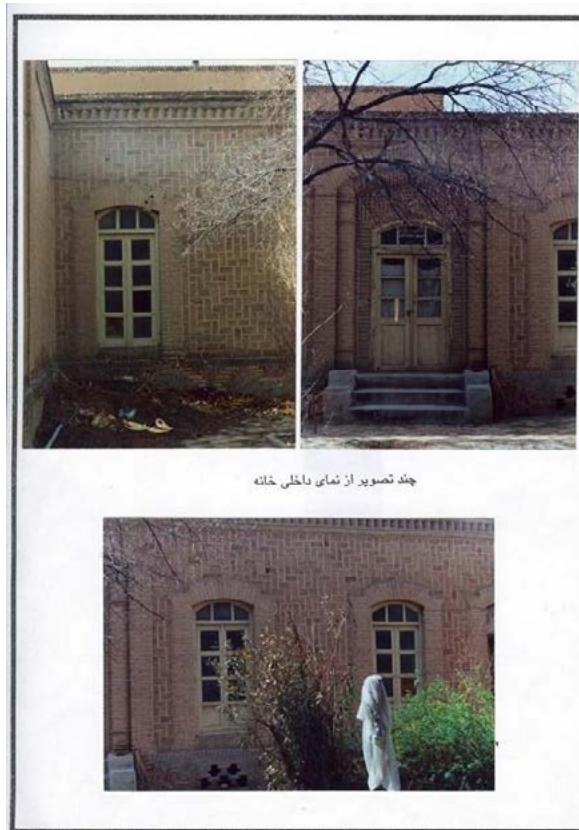
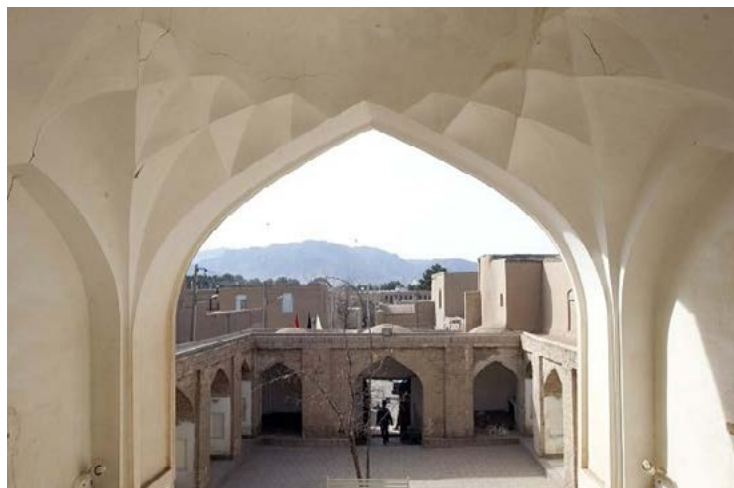
رقيه رحمتی راد

کوچه‌ها را یکی پس از دیگری به دنبال خانه‌های قدیمی جست‌وجو می‌کنم. هوا به‌شدت سرد است و آسمان هم چادر ابری‌اش را به تن کرده است. شمال و کلاهم را محکم‌تر می‌کنم و از کوچه‌های حکیم نزاری به‌طرف ۱۷ شهرپور به راه می‌افتم. می‌گویند می‌توان رد پای باستان را در آنجا یافت.

تمامی خانه‌های کاهگلی قدیمی جایشان را با نمای سنگی و آجری عوض کرده‌اند. دیگر از آن ایوان قدیمی چیزی به چشم نمی‌خورد. در هر خانه که اندکی رنگ و بوی قدیمی دارد را می‌کوبم. گویی زمان رنگ عوض کرده و مردمانش نیز از نسلی به نسل دیگر تغییر کرده‌اند. چراکه در هر خانه و «سرا» کسی از ایوان و بادگیر چیزی نمی‌داند.

پیرزنی در کوچه‌های تنگ و باریک خیابان ۱۷ شهرپور در حال عبور است. به‌طرفش می‌روم و با سلام و احوال‌پرسی سراغی از خانه‌هایی می‌گیرم که داستان باستان بر آن نقش بسته است.

مرا به سمت خانه‌ای به نام «حاج عباس» سراغی می‌دهد. بنا به گفته‌های پیرزن به دنبال خانه‌ای می‌گردم که دری آبی‌رنگ و چوبی دارد و دیواره‌هایش نیز



چند تصویر از نمای داخلی خانه

می‌کنم. پشت سرش آرام به داخل می‌روم. اتاق‌ها با معماری دایره‌ای و سقف‌های گنبدی در قاب نگاهم پدیدار می‌شود. هر اتاق به اتاقی دیگر وصل می‌شود و آن اتاقک نیز به اتاقی دیگر. در های اصلی نمایی جدید به خود گرفته‌اند اما درهای بین اتاق‌ها هنوز قدیمی و چوبی هستند.

با اجازه پیرمرد به داخل سومین اتاق که به گفته خودش «پستو» نام دارد، می‌روم. بوی کهنه‌ای به مشام می‌خورد. دیگ سیاه بزرگی در گوشه‌ای نهاده شده و اجاقکی در گوشه‌ای دیگر. صدای حاج عباس رشته افکار را پاره می‌کند.

بسته‌اند. نفسی تازه می‌کند و می‌گوید: شیوه زندگی در گذشته کاملاً متفاوت با شرایط امروزی بود. وی بایبان اینکه در گذشته حتی معماری خانه‌ها هم اسلامی بود، می‌افزاید: این در حالی است که در معماری امروزی سبک اسلامی به فراموشی سپرده شده و غربت و تشویش در اکثر خانه‌ها ورود پیدا کرده است.

حال دیگر هم صفا رفته وهم محبت‌ها قدیمی شده چراکه نه از خوش‌ویش کردن اعضای خانواده چیزی مانده و نه از خانه‌های قدیمی حاج عباس به دهلیز ورودی اشاره می‌کند و می‌گوید: این دالان را برای جلوگیری از نگاه دیگران به حیاط خانه ساخته‌ایم. وی می‌افزاید: در گذشته تمامی اعضای خانواده در یک‌خانه زندگی می‌کردند و هر کدام بعد از ازدواج در اتاقکی جدا که در دورتادور حیاط وجود دارد، زندگی می‌کردیم.

پخت‌ویز در «پستو»

این پیرمرد خوش‌صحت ادامه می‌دهد: حال دیگر هم صفا رفته وهم محبت‌ها قدیمی شده چراکه نه از خوش‌ویش کردن اعضای خانواده چیزی مانده و نه از خانه‌های قدیمی. مرا به داخل خانه دعوت می‌کند. برای دیدن بی‌تابی

«از هفت‌سالگی در این خانه زندگی می‌کردم و خاطرات زیادی دارم»

فضای اتاق‌ها کوچک اما مملو از مهربانی و عطوفت است. لیخنند بر صورت پیرمرد نقش بسته و گویی خاطرات کودکی‌اش را مرور می‌کند. «چای آماده است» این را دختر جوان می‌گوید و می‌افزاید: من اهل مشهد هستم و پنج سالی است که به‌عنوان عروس به این خانه آمده‌ام. مینا کدخدا زاده می‌گوید: شب‌های زیادی را با خاطرات پدرشوهرم سپری می‌کنیم و تمامی عوامل و عناصر این خانه، زندگی‌مان را جلا داده است. وی که از صحبت‌هایش پیداست آپارتمان‌نشینی را دوست ندارد، می‌گوید: هنوز هم مانند گذشته شادی در این خانه حضور دارد و اعضای خانواده برای صرف وعده‌های غذایی بر سر یک سفره می‌نشینند.

حفظ حریم خانه در معماری قدیم

یک معمار قدیمی هم می‌گوید: حال و هوای خانه‌های قدیمی بسیار جذاب و دوست‌داشتنی بود. محمولی فیاضی نسب که بنا به گفته خودش ۹۰ سال سن دارد و اولین خانه را در ۱۹ سالگی بنا نهاده است، ادامه می‌دهد: پدرم هم در کار معماری و بنایی بود و از بچگی در کنارش شاگردی کرده‌ام. وی ادامه می‌دهد: در گذشته برای حریم خانه‌ها و نگهداری زن و بچه از نگاه نامحرم، خانه‌هایی با دیوارهای بلند و مستحکم ساخته می‌شد. بنا به گفته این معمار قدیمی در گذشته دالان ارتباطی، ایوان، پستو، حیاط مرکزی، میانسراه ایوان‌ها و اتاق‌های متعدد لازمه ساخت هر خانه بود. وی با اشاره به دهلیز ورودی خانه‌های قدیمی می‌گوید: در معماری‌های قدیمی به زندگی و سبک معماری اسلامی توجه زیادی می‌شد. فیاضی نسب بایبان اینکه این دهلیزها برای جلوگیری از نگاه دیگران به داخل خانه ساخته می‌شد، افزود: در معماری

غربت سبک اسلامی در معماری‌های کنونی

این پیرمرد ۹۸ ساله می‌گوید: از بچگی‌ام در این خانه بزرگ شده‌ام و جشن دامادی را هم در همین خانه برپا کرده‌ام. حاج عباس صفوری بایبان اینکه نمای خانه سال‌به‌سال عوض می‌شود، افزود: تا دو سال پیش پنجره‌های چوبی با نقش و نگارهای زیبا داشت اما به دلیل حضور موربانه‌ها و خراب شدن الیاف‌های چوب مجبور شدم آن‌ها را عوض کنم. وی با اشاره به بادگیرهای بالای بام خانه می‌گوید: این بادگیرها در جهت باد و برای سرد کردن خانه در فصل تابستان به کار برده شده است. از اتاق‌هایی دور تا دور حیاط می‌پرسم، لیخنندی می‌زند و با لحنی شیرین و به‌یادماندنی می‌گوید: «عجله نکن دخترا همه را یک به یک توضیح می‌دهم». اندکی سکوت می‌کند. گویی خاطره‌ها بر ذهنش نقش

نوع معماری	کاربرد آن در سبک معماری ایرانی - اسلامی
دهلیز (دالان ارتباطی)	راهرویی مابین درب ورودی و حیاط خانه به طول حداقل ده متر برای جلوگیری فضای خانه از نگاه افراد بیرونی
گلبنه (کندوک)	برای نگهداری گندم و جو در برابر آفات / ساخت از گل مخصوص آغشته به مو و کاه
بادگیر	بادگیرها در جهت باد برای سرد کردن خانه در فصل سرما از نعمت‌های طبیعی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی
سیفه	پوششی بین دو اتاق برای حفاظت از کفش‌ها در مقابل باد و باران و یا اتاق کاری
پَرخو (در بند)	مکان‌هایی در داخل دیوار برای نگهداری از اجناس قیمتی و طلا
کلیددان	در کنار درب ورود و ساختن با چوب خزه‌ای توسط خراط برای امنیت خانه و قفل کردن
اجاق	در داخل خانه نشیمن برای پخت‌وپز غذا و سوختن آتش برای گرمی
درب‌های کوتاه‌قامت	این درها را کوتاه‌قامت می‌ساختند تا افراد باحالت تعظیم وارد خانه شوند که این نشان از احترام گذاشتن به صاحب‌خانه بود.
کلون‌های زنانه مردانه با شکل‌های متفاوت	کلون‌های مردانه را حلقه‌های شک و کلون‌های زنانه را ساده تعبیه کرده‌اند تا افرادی که در داخل خانه هستند از جنسیت افراد پشت در مطلع شوند.
مطبخ	محلی برای پختن نان دارای تنور خاکی و تختی برای خمیر و چانه آرد

کنونی، از در حیاط تا داخل آشپزخانه را می‌توان دید.

معماری جدید به سمت الگوهای غیربومی رفته است

این معماران بایمان اینکه معماری‌های جدید برگرفته از الگوهای غیربومی است، می‌افزاید: هر سازه، اتاق و آجر در معماری‌های گذشته با مفهوم و علتی نهاده می‌شد. فیاضی نسب بایمان اینکه در گذشته در خانه‌ها را کوچک و کوتاه‌قامت می‌ساختیم، می‌افزاید: دلیل این امر هم این است که افراد باحالت تعظیم به خانه وارد شوند و نشان‌دهنده حرمت و احترام صاحب‌خانه بود.

وی با اشاره به مصالح به کار رفته در معماری‌های قدیمی بیان می‌کند: در گذشته از امکانات ساده اما مستحکم استفاده می‌شد.

فیاضی نسب می‌افزاید: بام خانه‌ها را با کاهگل می‌پوشاندند تا در زمستان محافظ خوبی در برابر باران و ورود آب به داخل خانه باشد.

در گذشته درب خانه‌ها را کوچک و کوتاه‌قامت می‌ساختیم، دلیل این امر هم این است که افراد باحالت تعظیم به خانه وارد شوند و نشان‌دهنده حرمت و احترام صاحب‌خانه بود این معمار قدیمی می‌گوید: همچنین در ساخت حوض، خاک، مو و گاه را باهم مخلوط کرده و در نهایت نیز تخم مرغ به آن اضافه می‌کردند تا محکم شود و بتواند آب را در خود نگهداری کند.

وی بایمان اینکه برای نگهداری از غلات و آذوقه‌ها هم از خمره‌های گلی به نام «کلینه» استفاده می‌شد، گفت: برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و سرد کردن خانه از بادگیر و برای پخت غذا نیز از اجاق‌گاز استفاده می‌شد.

سبک اسلامی در معماری جدید ناپیداست

فیاضی نسب ادامه می‌دهد: همچنین در ساخت خانه‌ها تنها از خشت، سنگ و گل استفاده می‌شد و هزینه‌ها به نسبت امروز اعداد و ارقام بالایی نبود.

وی بایمان اینکه چهره اسلامی معماری در عصر کنونی در حال نابودی است، می‌افزاید: بسیاری از خانه‌ها دارای یک

اتاق بوده و فضای آن هم کاملاً قابل مشاهده برای هر کسی است.

فیاضی نسب خواستار زنده کرده معماری‌های قدیمی شده و می‌افزاید: باید مسئولان و نهادهای مربوطه نسبت به این امر همت و توجه داشته باشند.

این معمار ۹۰ ساله می‌افزاید: همچنین رسانه‌ها باید نسبت به بازگو کردن زیبایی‌ها و کاربردهای موثر معماری قدیم تلاش و توجه مردم را به سبک‌های معماری اسلامی-ایرانی جلب کنند.

خانه های امروز حکم خوابگاه را دارد

یک کارشناس مهندسی معماری بیان کرد: تحولات صورت گرفته در حوزه مسکن را می‌توان به دو بخش تحولات ناشی از تغییر نیازمندی‌ها و ارتقای سطح تکنولوژی تقسیم کرد.

مهدی حسین پور ادامه داد: عمده این تحولات برگرفته از الگوهای غیربومی بوده و پیامدهای منفی دارد.

وی با اشاره به معماری قدیمی خانه‌ها بیان کرد: در خانه‌های قدیمی به دلیل تفکیک اندرونی از محیط بیرونی، فضایی آرام برای ساکنان خانه فراهم می‌شد.

حسین پور ادامه داد: نوع معماری سازگار با محیط طبیعی در این خانه‌ها باعث می‌شد تا ساکنان کمتر در معرض تنش‌های اقلیمی قرار گیرند.

وی با اشاره به معماری جدید خانه‌ها بیان کرد: در خانه‌های جدید نبود تفکیک فضای اندرونی از محیط بیرونی باعث شده مسکن بسیاری از کارکردهای خود را از دست بدهد و تنها در قالب خوابگاه ایفای نقش کند.

حسین پور بایمان اینکه ساکنان این خانه‌ها ساعات کمتری را در خانه سپری می‌کنند، بیان کرد: در معماری قدیمی تناسب اجزاء با محیط فرهنگی، فضای خانه را برای ساکنان آرام‌بخش می‌کرد.

این کارشناس معماری بیان کرد: کمبود فضای مسکن در معماری جدید سرگرمی‌های بی‌تحرك را جایگزین فعالیت‌های بدنی کودکان در خانه کرده که پیامدهای روحی حاصل از آن نسل آینده را تهدید می‌کند.

وی ادامه داد: همچنین حذف برخی حریم‌های شخصی و کاهش فاصله میان فضای درونی و بیرونی از جمله پیامدهای منفی فرهنگی شکل جدید ساخت و سازهای مسکونی به شمار می‌رود.

لزوم احیای معماری قدیم در جامعه

مدیرکل تبلیغات اسلامی خراسان جنوبی هم انفکام فضای درونی از محیط بیرونی را از مهم‌ترین شاخص‌های

معماری اصیل ایرانی دانست. استفاده از نمادهای معماری اصیل ایرانی در ساختمان‌های عمومی، فضاهای تفریحی و اماکن مذهبی می‌تواند به معرفی معماری اصیل ایرانی کمک کند. حجت‌الاسلام کاظم لطفیان ادامه داد: این امر باعث می‌شود خانه به معنای واقعی محلی برای سکون و آرامش خانواده باشد.

وی بیان کرد: در شرایط امروزی به دلیل افزایش تراکم جمعیت و بالا رفتن قیمت زمین، نیازمندی‌های خانواده‌ها با مشکلاتی روبه‌رو است اما می‌توان با برنامه‌ریزی قسمت قابل توجهی از معماری قدیم را احیا کرد.

حجت‌الاسلام لطفیان بیان کرد: معماری اصیل ایرانی اسلامی دارای ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی است که هرگونه اظهارنظر در این خصوص نیازمند تخصص و تجربه در این حوزه است.

وی بیان کرد: استفاده از نمادهای معماری اصیل ایرانی در ساختمان‌های عمومی، فضاهای تفریحی و اماکن مذهبی می‌تواند به معرفی معماری اصیل ایرانی کمک کند.

معماری اسلامی - ایرانی در روستاها احیا می‌شود

معاون پشتیبانی و امور هماهنگی استان‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی هم بیان کرد: تلاش می‌کنیم در ساخت‌وسازهای روستایی، معماری بومی روستاها را حفظ و احیاء کنیم.

هادی درفشی با اشاره به اجرای طرح‌های بنیاد مسکن در روستاها بیان کرد: برای هر استان یک یا دو مشاور ارشد انتخاب شده که نوع معماری و طرح‌های روستایی را بررسی کنند.

وی بایمان اینکه برخی از روستاها ویژگی تاریخی دارند، افزود: باید معماری قدیمی روستاها که بیشتر بر مبنای اسلامی-ایرانی بوده، احیا شود.

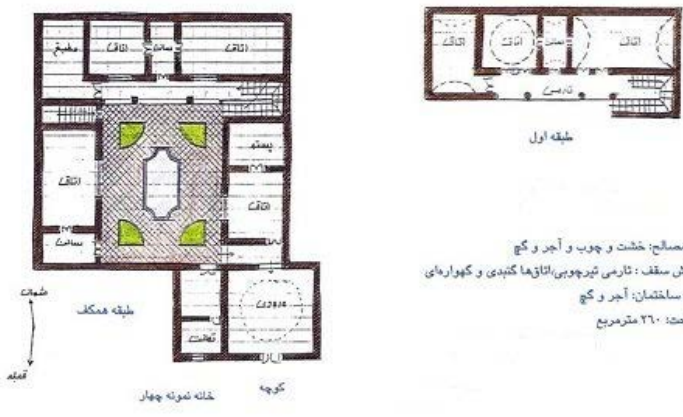
درفشی ادامه داد: برخی از روستاییان متأثر از سبک معماری جدید به سمت ساخت‌وسازهای شهری می‌روند که امید است با پذیرش مردم بتوانیم این فرهنگ را تغییر داده و آن‌ها را به سمت ساخت و سازهایی با نوع معماری قدیمی سوق دهیم.

وی بایمان اینکه فضای روستایی را باید خاص روستا بدانیم، گفت: تلاش ما مبنی بر این است که روستاهایی مدرن با امکانات خوب بسازیم مشروط بر اینکه معماری ایرانی-اسلامی آن حفظ شود.

این‌گونه که پیداست تاریخ و معماری ایرانی-اسلامی از کوچه‌های بیرجند رخت برسته و از بافت خانه‌های قدیمی هم چیزی به یادگار نمانده و این نشان‌دهنده ضعف مدیریتی برخی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط است. چراکه برخی از خانه‌ها که ارزش تاریخی داشته به مکان‌هایی خاص تبدیل شده و تنها قشر خاصی از جامعه می‌توانند در آن مکان‌ها حضور یابند.



نمونه‌هایی از تزیینات آجری



غربت معماری غنی ایرانی - اسلامی؛ سبک‌های اصیل از یادرفت

نشستن غبار فراموشی بر سبک غنی معماری ایرانی - اسلامی در ابنیه مسکونی به گونه‌ای است که دیگر نمی‌توان نام و نشانه‌ای از معماری اصیل ادوار گذشته در بناهای فعلی مشاهده کرد.



ناصر رمضان

«معماری ایرانی - اسلامی» عنوان و واژه غریبی در تاریخ این مرزوبوم به شمار نمی‌رود و همچنان نشانه‌هایی از شکوه، عظمت و جلال این سبک خاص از معماری را می‌توان در آثار و ابنیه به‌جای مانده از دوران گذشته در برخی نقاط کشور مشاهده کرد.

آثار و ابنیه متعدد، متنوع و متنوع معماری ایرانی - اسلامی در این مرزوبوم، مؤید تبحر، هوش و توانمندی برجسته و منحصر به فرد معمارانی است که با درآمیختن فن ساختمان‌سازی و الهام گرفتن از ارزش‌ها و مفاهیم ایرانی - اسلامی به خلق آثار و ابنیه‌ای مبادرت ورزیده‌اند که برخی از آن‌ها بعد از گذشت قرن‌ها، همچنان شکوه و عظمت خاص خود را حفظ کرده‌اند.

با تُوَرَقی در کتب تاریخی، به مطالب ارزشمندی از مورخان بزرگ و صاحب‌نام مواجه می‌شویم که شکوه معماری آن دوران را در قالب واژگان و عبارات به تصویر می‌کشند، تصویری که نمونه‌های عینی آن در برخی از شهرها و مناطق ایران زمین خودنمایی می‌کند، اما به‌ندرت می‌توان در سبک‌های معماری نوین دوران فعلی، میل و رغبتی از لحاظ کردن شیوه‌ها و طراحی‌های ساختمان‌سازی یا معماری آن دوران یافت کرد و

دلایل و عوامل مؤثر در فراموش شدن این سبک از معماری و راهکارهای لازم در این گزارش برای احیای معماری ایرانی - اسلامی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. برای بررسی دقیق‌تر موضوع ابتدا لازم است واژه معماری تعریف شود و در گام بعد به مختصات و نشانه‌هایی از معماری ایرانی - اسلامی اشاره خواهد شد. منیژه خاوندی دانش‌آموخته رشته معماری و در تعریف واژه معماری عنوان کرد: معماری هنر و دانش طراحی بناها و سایر ساختارهای کالبدی است که در تعریف جامع‌تر و کامل‌تر آن باید گفت، هنر طراحی تمامی محیط‌های مصنوع اعم از شهری، خرد، ساختمانی و حتی طراحی مبلمان شهری تحت عنوان معماری معنا می‌شود.

وی افزود: طراحی معماری در اصل، استفاده خلاقانه و هوشمندانه از فضا، توده، بافت، نور، سایه، مصالح به فراخور موقعیت طبیعی، جغرافیایی و فرهنگ حاکم بر جامعه یا محدوده و منطقه‌ای مشخص با لحاظ کردن قواعد علمی و مهندسی و ریاضیات به شمار می‌رود. دانش‌آموخته رشته معماری عنوان کرد: آثار معماری را می‌توان به نمادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک کشور یا جامعه تعبیر کرد که به‌نوعی محصولی از شرایط و باورهای فرهنگی و اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند.

ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی

خاوندی در تشریح ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی اظهار داشت: در این سبک از معماری فضای مقدس عبادت و بندگی خدا از مؤلفه‌های برجسته هنر مذکور محسوب می‌شود. این دانش‌آموخته رشته معماری گفت: در تلفیق معماری ایرانی با اسلامی نیز این وجه و القای ذهنی به مخاطبان

آنچه امروز در شیوه‌های معماری و ساخت‌وساز بناها، مورد استفاده قرار می‌گیرد، پیرو سبک و سیاق طرح‌ها، الگوها و معماری‌های بیگانه و غربی است. بدون تردید عناصر محیطی نقش بسزایی بر رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های انسان ایفا می‌کنند و از این رهگذر سبک زندگی عموم مردم نیز تحت‌الشعاع معماری‌های مرسوم قرار می‌گیرد که با ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی ایرانی - اسلامی سنخیت و سازگاری چندانی ندارد.

امروزه تأثیر معماری بر رفتارها و شیوه زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی غیرقابل انکار است و نفوذ معماری غربی در اندیشه‌های طراحان و فعالان حوزه ساخت‌وساز ابنیه مسکونی، موانعی جدی را در مسیر ترویج و تحقق سبک زندگی اسلامی ایجاد خواهد کرد و همین امر لزوم احیای معماری ایرانی - اسلامی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. امروزه تأثیر معماری بر رفتارها و شیوه زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی غیر قابل انکار است. واکاوی فرآیند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معماری بر الگوهای رفتاری جامعه موضوع پیچیده‌ای است که امکان پرداختن به آن در این گزارش فراهم نیست و در سلسله گزارش‌های بعدی به‌صورت مفصل‌تری به آن پرداخته خواهد شد. لذا در این گزارش تلاش می‌شود نشانه‌ها و شاخصه‌های معماری ایرانی - اسلامی و فزاه‌ها و فرودهای این سبک خاص از معماری با تکیه و تمرکز بر منازل و سکونتگاه‌ها (خانه) در شهرستان شهریار مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در ادامه، کنکاش و واکاوی در خصوص دو شهرستان ملارد و قدس نیز مدنظر قرار دارد که به زودی در قالب گزارش‌های مجزا منتشر خواهد شد.



منطقه شهریار به دلیل نزدیکی به پایتخت به تدریج با آبادانی قابل توجهی همراه و همین قرابت و نزدیکی به پایتخت ایران باعث شد تا تعداد نقاط آباد این خطه تا ۲۰۰ روستا افزایش یابد.

بر اساس قانون تقسیمات کشوری مصوب در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، ناحیه شهریار به عنوان یکی از بخش های شهرستان تهران تعریف و مرکزیت آن نیز منطقه ای با عنوان «علی شاه عوض» تعیین شد و سپس در بهمن سال ۱۳۳۳ ناحیه شهریار از تابعیت تهران خارج و به تابعیت شهرستان کرج درآمد و مرکزیت این محدوده (علی شاه عوض) نیز به عنوان شهری مستقل معین شد.

بعد از گذشت ده ها سال، شهریار دوباره به خطه ای از استان تهران تبدیل شد و قدس و ملارد نیز به عنوان شهرستان هایی مستقل از شهریار منفک شدند. شیوا موحد نیا کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ در تشریح و بررسی تاریخ این منطقه اظهار داشت: به تعبیری می توان گفت ساختار این منطقه از ابتدا به صورت شهری بنا نشده بود و علی شاه عوض به مجموعه ای از روستاها همچون کرشته و... اطلاق می شد که بعدها به شهریار تغییر نام داد که هنوز نیز برخی از اقشار و گروه های سنتی با همین عنوان از آن یاد می کنند.

وی افزود: امروزه شهرستان شهریار به عنوان یکی از مهم ترین مناطق استان تهران مطرح است و هم جواری آن با استان البرز، شهر تهران، ملارد، قدس، رباط کریم و اسلامشهر موقعیت خاصی را به این منطقه بخشیده است. کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ گفت: در بررسی تاریخی این منطقه، تفاوت جدی و معناداری با دیگر شهرستان های غرب استان تهران همچون ملارد و قدس مشاهده نمی شود، زیرا در گذشته نه چندان دور محدوده های مذکور همگی در قالب یک شهرستان واحد تحت عنوان (شهریار) قرار داشتند.

موحد نیا عنوان کرد: از منظر تاریخی، محدوده ملارد از قدمت بیشتری برخوردار است اما این به معنای فاصله جدی میان آثار، ابنیه و سبک و طراحی معماری های به کار گرفته شده در این منطقه نیست، زیرا تاثیر پذیری و تأثیر گذاری تنگاتنگی میان مناطق مذکور در کنش و واکنش های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی وجود داشته که با بررسی دقیق تر می توان عنوان کرد که به نوعی شهرستان های قدس و ملارد در طول سال ها و دهه های گذشته در سایه شهریار قرار داشته اند که هنوز نیز به نوعی این تفوق در برخی حوزه ها احساس می شود.

در خصوص سبک معماری بناهای مسکونی در این خطه، تحقیقات جامع و کامل چندانی مشاهده نمی شود وی افزود: از حیث تاریخی، آثار مکشوفه از این شهرستان به چهار هزار سال پیش بازمی گردد و آثار به جای مانده از شهریار (در دو دوره پیش از اسلام و پس از اسلام) شامل ابنیه تاریخی، قلعه ها، تپه ها، امامزادگان و ... می شود.

این کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ عنوان کرد: در خصوص سبک معماری بناهای مسکونی در این خطه، تحقیقات جامع و کامل چندانی مشاهده نمی شود و در حال حاضر نمی توان به صورت مشخص به ابنیه مسکونی اشاره داشت که شاخصه ها، زیبایی، جلال و شکوه معماری ایرانی و اسلامی (به کیفیت تعریف شده از سبک و سیاق احداث و بنای منزل در آن دوران) را به تصویر بکشد. وی افزود: در صورت عدم تمرکز به منزل مسکونی و فراخ و گسترده تر بدون دامنه بررسی آثار تاریخی این خطه، امکان بررسی ابنیه و آثار هر چه بیشتری میسر و فراهم می شود.



نمایشگاهی از هنرهای ایرانی - اسلامی

وی با اشاره به خشت به عنوان یکی از مصالح معمول و شایع به کاررفته در بناهای احداث شده در چارچوب معماری ایرانی و اسلامی عنوان کرد: با عنایت به مقاومت نه چندان مستحکم آن در برابر باد، برف و باران، بناهای خشتی چندانی از روزگاران گذشته باقی نمانده است و بخش قابل توجهی از آن ها دچار تخریب، ریزش و نابودی شده اند.

دانش آموخته رشته معماری عنوان کرد: استفاده از سنگ آهک، سنگ مرمر، چوب درختان سپیدار، چنار، کاج، گردو و شیشه از دیگر مصالح معمولی است که در آثار و ابنیه ایرانی و اسلامی مورد استفاده قرار می گرفته است. وی افزود: آمیخته شدن مصالح مذکور با سفالگری، خوشنویسی، نگارگری، تذهیب، پرتو پردازی، محوطه سازی، فضا آرای، ابنیه و معماری ایرانی - اسلامی را به نمایشگاهی از هنرهای ایرانی - اسلامی تبدیل می کرد، امری که متأسفانه در معماری های نوین امروزی کمتر نشانه ای از آن شکوه و عظمت ادوار گذشته را شاهد هستیم و به نوعی می توان گفت آن سبک و سیاق معماری دوران گذشته به بایگانی تاریخ سپرده شده است.

به طور طبیعی در این فراموشی تاریخی، استان تهران و غرب این خطه (شهریار، ملارد و قدس) از غبار فراموشی معماری اصیل و باشکوه آن دوران مصون نمانده که با تشریح بخشی از سیر تاریخی این مناطق، به واقیعت تلخ مذکور پی خواهیم برد.

در ذیل این گزارش به شهرستان شهریار پرداخته می شود و سپس شهرستان های ملارد و قدس مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نگاهی به شهرسازی در شهریار

بر اساس اظهارات مورخان و کارشناسان رشته تاریخ، شهریار در حدود دو قرن پیش از ۶۰ روستای آباد برخوردار بوده است. در بستان السیاحه (کتابی که توسط حاج زین العابدین شیروانی در دوران قاجار تألیف شد) از این خطه چنین یاد شده است: «شهریار بلوکی است فرخنده، آثار از بلوکات تهران و در یک منزلی آن است، قرب به شصت پارچه قریه معموره در اوست، آبش فراوان و هوایش مختلف و خاکش نیکوست، باغات فراوان و غلات ارزان دارد، فواکه سردسیرش ممتاز، سیما انگورش به امتیاز است و باد شهریار جان گداز است، مردمش گروه مختلفی از کرد، ترک و تاجیک (به معنای فارسی) و همگی شیعی».

متبادر می شود، زیرا ایرانیان از دیرباز به عنوان ملتی خدایپرست و معتقد به پروردگار شهره و مطرح بوده اند. وی افزود: این ذهنیت و احساس معنوی در بناهای مقدس و مذهبی همچون امامزادگان، مساجد و... متجلی می شود و در منازل مسکونی نمی توان با چنان برجستگی شاهد نفوذ این احساس بود، اما به هر ترتیب رگه هایی از این معماری خاص در ابنیه مسکونی نیز لحاظ شده که مؤید نگاه انسان و نگرش او به زندگی و بندگی پروردگار است.

ترتیبانی همچون آئینه کاری، آجرکاری، کاشی کاری، حجاری، منبت کاری، گچبری، نقاشی و... چون زنجیره ای به هم پیوسته، تقویت کننده ارتباط بین انسان و پروردگار بوده استخواندنی گفت: هنرهای والای اسلامی از هنرهای تزئینی و کاربردی تا احداث بزرگ ترین بناهای مذهبی، اهمیت و اعتبار ویژه ای دارد و ترتیبانی همچون آئینه کاری، آجرکاری، کاشی کاری، حجاری، منبت کاری، گچبری، نقاشی و... چون زنجیره ای به هم پیوسته، تقویت کننده ارتباط بین انسان و پروردگار بوده و سیر حرکتی از کثرت به وحدت مهم ترین ویژگی بارز معماری دوران ایرانی - اسلامی است.

دانش آموخته رشته معماری عنوان کرد: ساخت محراب برای عبادت پروردگار یکی از شاخصه های معماری ایرانی اسلامی به شمار می رود و با در نظر گرفتن حیاط و فضای سرسبز در ابنیه به این واقیعت پی می بریم که ارتباط انسان با طبیعت بخش دیگری از مختصات و ویژگی معماری مذکور محسوب می شود.

وی افزود: معماری مذکور، تأمین کننده مجموعه ای از نیازهای مادی و روحی انسان ها است و هیچ کدام برای دیگری نادیده گرفته نشده اند، زیرا در میانی اسلامی نیز دنیا پلی ارتباطی است برای آخرت که کیفیت و سرنوشت انسان در آن از گذر دنیای مادی و نحوه عملکرد وی در عرصه مادی عبور می کند.

خوانندی بایبان نقش مصالح و شیوه به کارگیری آن در گسترش احساس معنوی، الهی و مقدس به انسان گفت: آجرهای مربعی شکل، گچ به عنوان عنصری تأثیرگذار در سیما و زیبایی ابنیه، کاشی و رنگ آمیزی فیروزه های رنگ آن به عنوان رنگی الهی و معنوی از دیگر شاخصه و نشانه های این سبک از معماری به شمار می رود که به تدریج در ادوار اسلامی با تغییراتی همراه می شود که این امر در معماری دوران سلجوقی، صفوی، ایبختی، تیموری و... قابل فهم و درک است.

برخی از قوانین طرح تفصیلی برخلاف معماری ایرانی-اسلامی است

عضو شورای اسلامی شهر شهریار در خصوص نقش قوانین و مقررات در اجرای سبک معماری مذکور (ایرانی-اسلامی) عنوان کرد: به‌طور طبیعی تعریف، تدوین و اجرای قوانین مربوطه در این خصوص بی‌تأثیر نخواهد بود و در تسریع فرآیند اجرای معماری مورد اشاره مؤثر است.

وی افزود: با این اوصاف برخی از قوانین موجود نیز نه تنها کمکی به اجرای سبک مذکور نمی‌کند، بلکه در نقطه مقابل آن نیز قرار دارد.

رضایت عنوان کرد: به‌عنوان مثال حجاب و عدم اشراف بصری به منازل همسایه، یکی از ضروریات حائز اهمیت در این سبک از معماری (ایرانی-اسلامی) به شمار می‌رود، اما شاهد هستیم در قوانین لحاظ شده موجود در طرح تفصیلی، فاصله میان بلوک بسیار اندک و محدود قید و تعریف شده که این امر برخلاف معیارها و شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی به نظر می‌رسد.

عضو شورای اسلامی شهر شهریار گفت: این موضوع نمونه‌های کوچک از موارد و مسائلی است که می‌توان

خاص جغرافیایی و اقلیمی این ناحیه، به‌طور عمده از درختان میوه و گل و گیاه پوشیده می‌شد و این درختان، حیاط منازل را به باغچه‌هایی برخوردار از میوه ممتاز تبدیل می‌کرد.

در بخش دوم این گزارش عوامل مؤثر در فاصله گرفتن از معماری اصیل ایرانی-اسلامی و راهکارهای مقتضی برای احیای آن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

معماری ایرانی-اسلامی تحت‌الشعاع مشکلات متکثر و متعدد شهری

علیرضا رضایت عضو شورای اسلامی شهریار در خصوص علت عدم ترویج معماری ایرانی-اسلامی در این منطقه عنوان کرد: مشکلات متعدد، متکثر و انبوه شهری و دغدغه‌های روزمره باعث شده در طول سالیان و دهه‌های گذشته، مدیریت شهری مجال کمتری را برای تحقق و اجرای معماری ایرانی-اسلامی پیدا کند.

وی افزود: برای حصول این امر، ابتدا باید به تعریف مدون و مشخصی از معماری ایرانی-اسلامی بپردازیم و تردیدی وجود ندارد که بسیاری از قانون‌گذاران نیز در این خصوص از شناخت و آگاهی کافی برخوردار نیستند.



به‌عنوان نقطه مقابل و موانع پیش رو در حصول سبک معماری ایرانی و اسلامی مطرح کرد.

در صورت تعریف و در نظر گرفتن بسته‌های تشویقی، انگیزش بیشتری برای پرداختن به معیارها و شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی ایجاد خواهد شد وی در خصوص میزان نظارت مدیریت شهری شهریار برای اعمال طرح‌های مؤثر در راستای مصرف بهینه انرژی در اماکن و منازل مسکونی و بهره‌گیری از برخی شاخص‌ها و روش‌های احداث معماری بنا در گذشته گفت: متأسفانه در این خصوص، اقدام خاصی انجام نشده که بتوان در بُعد عملیاتی و اجرایی با جدیت بر روی آن تکیه کرد.

رضایت عنوان کرد: در شرایطی که مدیریت شهری در برخورداری از مهندس و کارشناس حوزه کنترل تأسیسات با کاستی‌ها و کمبودهایی مواجه است، به‌طور طبیعی امکان حصول چنین امری نیز وجود ندارد و این امر نیازمند نظارت و کارشناسی متخصصان است.

وی در ارتباط با نقش بسته‌های تشویقی، در هدایت و ایجاد انگیزه برای سازندگان بنا یا مالکان زمین‌ها و منازل مسکونی برای احداث و رعایت سبک معماری

رضایت عنوان کرد: پرداختن به معماری ایرانی-اسلامی مستلزم انجام تحقیقات جامع و کامل و سپس دستور کارهایی هدفمند، منسجم و جدی است.

بسیاری از منازل و واحدهای مسکونی موجود در شهریار از معیارها و ملاک‌های نزدیک به معماری ایرانی-اسلامی برخوردار نیستند

عضو شورای اسلامی شهریار عنوان کرد: بسیاری از منازل و واحدهای مسکونی موجود در شهریار از معیارها و ملاک‌های نزدیک به معماری ایرانی-اسلامی برخوردار نیستند.

وی افزود: به‌عنوان مثال در روایات اسلامی تأکید شده که مساحت خانه باید وسیع باشد و یا تفکیک محیط و اندرونی اختصاصی منزل از محل‌هایی که عموم مهمانان در آن مستقر می‌شوند از ضروریاتی است که متأسفانه در بسیاری از بناها و منازل مسکونی لحاظ نشده و نمی‌شود. رضایت گفت: در شرایطی که مساحت برخی از واحدهای مسکونی در شهر شهریار ۳۰ متر برآورد می‌شود، به‌طور طبیعی امکان حصول سبک معماری ایرانی-اسلامی بسیار دشوار و سخت خواهد بود.

معماری ابنیه مسکونی در شهریار

احمد وردی نژاد دانش‌آموخته رشته معماری هم و در تشریح سبک معماری منازل مسکونی در شهریار عنوان کرد: سبک معماری ایرانی و اسلامی دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است که امکان اعمال تمامی آن‌ها در منازل مسکونی وجود نداشت و به‌طور عمده معماری باشکوه و خیره‌کننده آن دوران در برخی ابنیه و ساختمان‌های سفارشی لحاظ می‌شد که امکان تعمیم آن به تمامی ابنیه میسر نبود و چنین انتظاری نیز چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

وی افزود: می‌توان گفت به‌طور عمده در شیوه‌های به کار گرفته‌شده در طراحی منازل مسکونی عموم مردم (فارغ از آن نقش و نگارها، خوشنویسی‌ها، تذهیب و...)، ملاحظات فرهنگی، باورهای اعتقادی و دینی در بناهای مسکونی رعایت شده و حداقل اینک تضاد چندان در طراحی بناهای مسکونی با ارزش‌های جاری و ساری در جامعه (از منظر اعتقادی) دیده نمی‌شد که این امر در خصوص منازل مسکونی احداث‌شده در ادوار دور و تاریخی شهریار، همچون دیگر مناطق کشور مصداق دارد.

وردی نژاد در خصوص مصالحی که برای ساخت و احداث منازل مسکونی در شهرستان شهریار به کار گرفته می‌شد، عنوان کرد: خشت و چوب، کاه‌گل و شن عناصر و مصالح اصلی مرسوم در ساختمان‌سازی این منطقه به شمار می‌رفت.

وی افزود: اتاق‌های گنبدی و سقف‌های چوبی (موسوم به تنه درختان تبریزی) از دیگر ویژگی معماری بناهای مذکور به شمار می‌رفته که البته نمی‌توان آن را چندان در قالب سبک معماری ایرانی-اسلامی تعریف کرد و به‌طور عمده بناها بر اساس معیارهای محلی و بومی این خطه جغرافیایی احداث می‌شده که نمونه‌های آن در بسیاری از روستاها و محلات دیگر کشور نیز رایج بوده است.

وردی نژاد گفت: سقف چوبی منازل، مکان و محلی مناسب برای نگهداری برخی خوراکی‌ها محسوب می‌شده و با آویزان کردن خوراکی‌ها از سقف به‌واسطه طناب یا ریسمان، آن را از گزند موش، گربه و... محافظت می‌کردند.

دانش‌آموخته رشته معماری عنوان کرد: مساحت اتاق‌ها عمدتاً ۱۲ متری بوده و دیوارها نیز با استفاده از خشت بنا می‌شده و سقف آن با قرار گرفتن تنه‌های درخت تبریزی و قرار دادن شاخه‌های ریزودرشت، گیاهان و یا حصیر پوشانده می‌شده و برخی سقف مورد اشاره را با شفت ریزی (خاک آغشته به شن) و خاکستر مستحکم می‌ساختند.

وی افزود: استفاده از ناودان‌های حلبی برای هدایت آب برف و باران به کوچه‌ها از دیگر شیوه‌های مرسوم در احداث سقف منازل مسکونی به شمار می‌رفته است. وردی نژاد گفت: آشپزخانه و یا مطبخ خانه‌های منازل نیز به‌دوراز اتاق‌های نشیمن طراحی می‌شد و با قرار دادن دو پنجره، دود ناشی از هیزمی که برای پخت غذا استفاده می‌شده را به بیرون از مطبخ خانه سوق می‌دادند.

دانش‌آموخته رشته معماری عنوان کرد: احداث حیاط، تعبیه حوض و آب‌انبار، بنای طویله و حفر چاه آب در برخی از خانه‌ها برای تأمین آب مورد نیاز از دیگر مشخصه‌های منازل مسکونی در این خطه محسوب می‌شده که مؤید شیوه زندگی و نحوه تأمین معیشت آن دوران است.

وی یادآور شد: حیاط خانه در منازل مسکونی این منطقه نشان‌دهنده گردهمایی‌های خانوادگی و میل به زندگی جمعی و تلاش برای حفظ آن بوده که به دلیل موقعیت



از ضعف‌های نظارتی تا خلأها و کاستی‌های پژوهشی

مدیر مجموعه عمران اندیشه در تشریح دیگر عوامل مؤثر در شیوع معماری غربی بایبان عدم اعمال نظارت کیفی و کافی در ساخت‌وسازها گفت: با غلبه اندیشه‌های غربی، برخی از ضروریات و مفاهیم ارزشی نیز کمرنگ شد و این موضوع به نظارت‌های کیفی نیز تسری پیدا کرد و بستری فراهم شد تا به‌نوعی حساسیت‌ها در خصوص برخی از الزامات و بایدهای ضروری در نحوه و سبک معماری تضعیف و کمرنگ شود.

وی افزود: به‌طور طبیعی در چنین شرایطی، عدم اشراف بنا به منازل همسایه و رعایت حریم‌ها آن‌چنان که باید جدی گرفته نشد و نظارت‌ها به سمت مؤلفه‌های کمی، همچون استحکام بنا سوق پیدا کرد که البته این به معنای بی‌اهمیت بودن استحکام بنا در این‌بینه نیست، بلکه آنچه در این فرآیند به‌عنوان یک ضعف مطرح است، به نادیده گرفته شدن مفاهیم ارزشی اشاره‌شده در کنار ابعاد کمی ساخت این‌بینه معطوف می‌شود.

آیینی گفت: برتری نگرش سوداگرانه و در اولویت قرار گرفتن آن برخلاف جهان‌بینی اسلامی و ارزشی و عدم همفکری و هم‌نوایی و همسویی میان نهادهای دانشگاهی و نهادهای اجرایی در حوزه‌های معماری و ساختمانی از دیگر عواملی به‌شمار می‌رود که در طول دهه‌های گذشته و دوران معاصر، اعمال و اجرای سبک معماری ایرانی-اسلامی را دچار چالش‌های جدی ساخت.

در عرصه معماری ایرانی-اسلامی شعاری عمل کرده‌ایم و مباحثی که در این خصوص مطرح‌شده مقطعی و گذرا بوده استندانش آموخته رشته شهرسازی عنوان کرد: در عرصه معماری ایرانی-اسلامی شعاری عمل کرده‌ایم و مباحثی که در این خصوص مطرح‌شده مقطعی و گذرا بوده است.

وی افزود: به‌عنوان نمونه در سال ۷۵، مباحثی در خصوص

تا از دهه ۳۰ به بعد، پدیده شهرنشینی با سرعت و شتاب محسوس و قابل توجهی رشد و تسری یابد و این گسترش آن‌چنان که باید با مفاهیم و جهان‌بینی ایرانی-اسلامی هم‌نشین و هم‌گام نشد.

بسیاری از فعالان حوزه شهرسازی و ساختمان‌سازی با مفاهیم و شاخصه‌های معماری ایرانی-اسلامی ناآشنا هستند و آگاهی و شناخت عمیقی از این امر وجود ندارد آیینی با اشاره به الگو قرار گرفتن تهران به‌عنوان مرکزیت و پایتخت کشور ایران در عرصه ساخت‌وساز عنوان کرد: سرسلسله و سرآغاز بسیاری از تغییرات، از این نقطه (تهران) کلید خورد و به‌طور طبیعی برای نائل شدن به شناختی کافی از روند تحولات شکل گرفته در حوزه معماری ایران، باید تغییرات و فرآیند و نشیب‌های تهران با دقت نظر مضاعف بررسی و واکاوی شود.

وی افزود: افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی و میل به مصرف‌گرایی از یکسو و نقش‌آفرینی سیاست‌مداران و صاحبان سرمایه از دهه ۳۰ به بعد، باعث بروز پدیده‌های نوظهور در زندگی جامعه ایرانی شد و معماری ایرانی-اسلامی نیز از این فرآیند تأثیر گرفت.

وی افزود: ارتزاق اندیشه‌های افراد و گروه‌های دست‌اندر کار از تفکرات غربی باعث شد تا مسیر پیمایش پدیده‌ها با اقتضات و فرهنگ و اندیشه‌های فردگرایانه هم‌گام شود که این موضوع در نقطه مقابل جهان‌بینی اصیل ایرانی-اسلامی (مبتنی بر جامعیت و روش و مکتب هیبتی و جمعی) قرار داشت.

آیینی در تشریح برخی از مختصات و نشانه‌های فرهنگ غربی عنوان کرد: مَنیت، فخرفروشی و تفاخر از اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ مذکور محسوب می‌شود و در سبک معماری نیز، این مفاهیم بر سبک معماری ایرانی-اسلامی غلبه کرد و احترام، تواضع و ترجیح دیگران بر خود، مفقود یا کمرنگ شد.

ایرانی و اسلامی گفت: بدون تردید در صورت تعریف و در نظر گرفتن بسته‌های تشویقی، انگیزش بیشتری برای پرداختن به معیارها و شاخص‌های معماری ایرانی-اسلامی ایجاد خواهد شد که لازمه حصول این امر، اجماع اعضای شورای شهر، تأیید نهادهای نظارتی و فرادستی همچون فرمانداری و استانداری است.

وی در خصوص تدابیر و اقدامات مدیریت شهری شهرداری برای پیاده‌سازی و ترویج سبک معماری ایرانی-اسلامی عنوان کرد: اقدام جدی و تعیین‌کننده عملیاتی را در این خصوص شاهد نبوده‌ایم، البته تلاش‌هایی در این خصوص انجام‌شده، اما به نتیجه و توفیق شایان و قابل توجهی نائل نشده‌ایم.

رضایت گفت: پیاده‌سازی و اجرای معماری ایرانی و اسلامی باید در احداث شهرها یا شهرک‌های جدید لحاظ شود، زیرا بسیاری از نقاط شهری و سکونتگاه‌ها در شهرداری از گذشته احداث و بنا شده‌اند و امکان ایجاد تغییرات ساختاری در حجم انبوهی از منازل و سکونتگاه‌ها بسیار دشوار، پیچیده و ناممکن است.

با قائل بودن به چنین اصلی، در غرب استان تهران شهر جدید اندیشه از مناطقی به‌شمار می‌رود که بنا بر اظهارات برخی از مدیران این منطقه، تلاش شده با تلاش و اهتمام وزارت راه و شهرسازی و مدیریت شهرهای جدید، در این مسیر (پیاده‌سازی سبک معماری ایرانی-اسلامی) گام‌های مؤثر و ثمربخشی برداشته شود.

تجلی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و مصادیق سبک معماری ایرانی و اسلامی را می‌توان در مجموعه بازار ایرانی و اسلامی مشاهده کرد.

این نشانه‌ها در بافت مسکونی شهر جدید اندیشه آن‌چنان که باید مشهود و برجسته به نظر نمی‌رسد که البته با عنایت به فراموشی و خلأ عمیق معماری مذکور در غرب استان تهران، نمونه اشاره‌شده به‌مثابه نقطه عطفی در پیاده‌سازی این سبک از معماری در چنین فراموشی عمیق ذهنی و تاریخی به‌شمار می‌رود.

بدون تردید با الگوپردازی و تأثیرپذیری از معماری بازار ایرانی-اسلامی، حصول نتایج مطلوب‌تر (با رعایت و تأمین دیگر الزامات نرم‌افزاری و نظری که به آن پرداخته خواهد شد) در عرصه ساخت‌وساز و شهرسازی دور از ذهن نخواهد بود.

در ذیل این گزارش در گفت‌وگو با محمد آیینی دانش‌آموخته رشته شهرسازی و مدیر مجموعه عمران شهر جدید اندیشه، دلایل و عوامل تأثیرگذار در فراموشی و مغفول ماندن از معماری ایرانی-اسلامی و راهکارهای مؤثر در احیا و پیاده‌سازی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

غلبه معماری غربی بر ایرانی-اسلامی

آیینی در تشریح عوامل مؤثر در فاصله گرفتن از معماری ایرانی-اسلامی گفت: یکی از اشکالات و ایرادات مهم در این حوزه به عدم شناسایی و تبیین اساسی معماری مذکور معطوف می‌شود و به‌واقع تا شناخت کافی از این سبک از معماری حاصل نشود، نمی‌توان تحقق و اجرای آن را انتظار داشت.

وی افزود: بسیاری از فعالان حوزه شهرسازی و ساختمان‌سازی با مفاهیم و شاخصه‌های معماری ایرانی-اسلامی ناآشنا هستند و آگاهی و شناخت عمیقی از این امر وجود ندارد.

دانش‌آموخته رشته شهرسازی گفت: از سوی دیگر رشد شهرنشینی به‌عنوان عرصه‌ای که اصلی‌ترین کانون و تجلی‌گاه سبک‌های معماری به‌شمار می‌رود، باعث شده

معماری ایرانی-اسلامی مطرح شد اما بعد از گذشت قریب به ۲۰ سال، همچنان ضوابط مرتبط با این موضوع به صورت کامل و جامع عرضه نشده است. آیینی گفت: در مقاطعی شورای عالی معماری در این قضیه ورود کرد و به این امر خطیر اشاراتی داشته است اما بعد از مدتی موضوعات مطروحه دچار سردی و فراموشی شد.

چه باید کرد

این دانش آموخته رشته شهرسازی در خصوص راهکارهای پیشنهادی برای برون رفت از وضعیت موجود گفت: در نظر گرفتن اصول اسلامی و مبانی فرهنگی این مرزوبوم به تناسب و فراخور موقعیت طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی کشور ایران و شهرستانها و استانهای تعریف شده در ساختار تقسیمات کشوری و فرهنگ سازی و آموزش صحیح در این ارتباط، از ضروریاتی است که حصول این امر را تسهیل و تسریع خواهد کرد.

آیینی عنوان کرد: با قائل بودن به این اصل که پایه و ریشه اصلی تمامی اقدامات ما، منشعب از اندیشه و مبانی فکری و اعتقادی ما خواهد بود، این واقعیت محرز می شود که تحقق هرگونه تغییر و تحولی در سبک معماری و تکنیک هایی که در حوزه ساختمان سازی و شهرسازی اعمال می شود، مستلزم فرهنگ سازی عمیق و اصولی است و باید این روش، منش و اندیشه ها برای معماران و شهر سازان کشور نیز تبیین و واکاوی شود.

وی افزود: در چنین عرصه ای نقش مراکز علمی، دانشگاهی و پژوهشی بسیار نافذ و تأثیر گذار است.

مدیر مجموعه عمران شهر جدید اندیشه عنوان کرد: فصل عدالت در جهان بینی

اسلامی یکی از فرازهای این مکتب به شمار می رود و چنین مؤلفه ای باید در معماری و شهرسازی ما نیز لحاظ شود تا از این منظر به سازمان دهی علانتهای در این عرصه نائل شویم که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی ما باشد.

وی افزود: با حصول چنین امری، عدم اختلاط نامناسب میان نامحرمان در سبک معماری نیز لحاظ می شود و در غیر این صورت با غلبه اختلاط گزایی و نادیده انگاشتن چارچوب های تعریف و تعیین شده در عرصه عفاف یا حجاب، از سبک اصیل و ارزشی معماری ایرانی-اسلامی نیز فاصله خواهیم گرفت.

آیینی عنوان کرد: ظهور و بروز مفاهیم و مبانی اسلامی در معماری ایرانی-اسلامی، ضرورتی حائز اهمیت به شمار می رود و فقط با احداث یا تعبیه نشانه های صرف از سبک معماری ایرانی-اسلامی نمی توان به نتایج شایسته ای در این خصوص نائل شد، زیرا هدف از پیاده سازی معماری ایرانی-اسلامی تنها ظاهری محض از این هنر نیست بلکه منظور نظر از لزوم احیای معماری ایرانی-اسلامی، جنبه های کاربردی و نتایجی است که در سبک و شیوه زندگی نیز حاصل می شود.

وی افزود: به عنوان مثال، اسراف در اسلام امری نکوهیده به شمار می رود و زمانی می توان در پسوند معماری، واژه اسلامی را به معنای حقیقی اعمال و لحاظ کرد که در مصالح ساختمانی و شیوه ساخت نیز چارچوب اشاره شده، لحاظ شود.

دانش آموخته رشته شهرسازی گفت: معماری ایرانی-اسلامی، تفاوت های قومی و قبیله ای را می پذیرد و قائل به تمایزات

میان اقوام، گروه ها و طوایف است و در هنر معماری ایرانی-اسلامی، دوقطبی محلی از اعراب ندارد و بدون تردید احداث محراب یا نمازخانه در بنای ایرانی-اسلامی ضرورتی غیر قابل انکار و غیر قابل اجتناب محسوب می شود. آیینی در خصوص خالهای قانونی موجود در حوزه ترویج معماری ایرانی و اسلامی گفت: به نظر بنده مشکل قوانین در این عرصه چندان جدی نیست و ضرورت اصلی به اندیشه و تفکر افراد و گروه های مسئول در بخش معماری معطوف می شود.

وی افزود: آنچه قابل توجه است، ناظر بر این امر می شود که در معماری ایرانی-اسلامی، واژه ایرانی پیش از اسلامی قید شده و این بدان معنا است که فرهنگ ایرانی منافاتی با اسلام نداشته، زیرا ایرانیان از ابتدا موحد و خداپرست بوده اند و بدون تردید در صورت نقش آفرینی افراد و گروه های آشنا به مبانی و اندیشه های ایرانی-اسلامی و لحاظ کردن آن در معماری مربوطه، بستر و زمینه مناسبی برای اجرای این امر فراهم خواهد شد.



طراحان و صاحبان سرمایه بازیگران اصلی ترویج معماری ایرانی و اسلامی

دانش آموخته رشته شهرسازی در خصوص گروه ها، دستگاه ها و نهادهای اثر گذار در ترویج و پیاده سازی معماری ایرانی-اسلامی گفت: سه قشر طراحان، مجریان و صاحبان سرمایه، بازیگران اصلی این شیوه و سبک از معماری هستند و بدون تردید باتربیت و آموزش افراد آشنا به اندیشه های ایرانی-اسلامی و توجه به مفاهیم نهان و آشکار این مکتب، بناهای مسکونی و فضاهای فیزیکی شهر در قالب معماری اشاره شده، احداث خواهند شد.

عرضه سیاست های تشویقی به عنوان مؤلفه های انگیزشی از دیگر عوامل تأثیر گذار در ترویج معماری ایرانی-اسلامی محسوب می شود که به عنوان عوامل ثانویه مؤثر و قابل توجه به نظر می رسد. تشویقی به عنوان مؤلفه های انگیزشی از دیگر عوامل تأثیر گذار در ترویج معماری ایرانی-اسلامی محسوب می شود که به عنوان عوامل ثانویه مؤثر و قابل توجه به نظر می رسد.

آیینی گفت: این سیاست ها زمانی کارآمد خواهد بود که پایه فکری و فرهنگی لازم ساخته و ایجاد شود و در چنین شرایطی با لحاظ کردن بسته های تشویقی و مالیاتی، فرآیند حصول، تحقق و ترویج سبک معماری ایرانی-اسلامی نیز تسریع خواهد شد.

آیینی با اشاره به نقش نما و سیمای بصری ساختمان ها و ابنیه و تأثیر گذاری آن بر هدایت ذهنی انسان گفت: وقتی سخن از نمای ساختمان به میان می آید، به نوعی وارد فضای شهری می شویم که می توان آن را به مثابه

دعوت ذهنی انسان به موضوعی خاص قلمداد کرد. مدیر مجموعه عمران شهر جدید اندیشه عنوان کرد: به عنوان نمونه، قرار گرفتن انسان در برابر فضای گنبدی یا مسجد زیبای فیروزه ای احساس متفاوتی را نسبت به مواجهه انسان با ساختمانی بلند در پی خواهد داشت. وی افزود: قرار گرفتن انسان در مقابل گنبدی فیروزه ای رنگ، او را از عالم مادی خارج می کند و به سمت عالم معنا و معنویت سوق می دهد اما مواجهه انسان در برابر ساختمانی بلند، حس حقارت را به انسان القا می کند و این دو برداشت ذهنی متفاوت است که در پی تأثیر پذیری از سیمای بصری محیط در ذهن فرد یا مخاطب تداعی و پدیدار می شود.

آیینی افزود: این امر در خصوص ابنیه مسکونی و یا نمای منازل نیز صادق است و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری مذکور نشان دهنده اهمیت نما و سیمای ساختمان در برداشت ذهنی و احساس مخاطب یا انسان است.

دانش آموخته رشته شهرسازی گفت: در ترویج معماری ایرانی-اسلامی، نما هم از حیث نمود بیرونی تأثیر گذار است و اگر چه نمی توان تأثیر گذاری ۱۰۰ درصدی برای آن قائل بود، اما از زاویه نقش آن در ترویج معماری ایرانی-اسلامی در کنار مجموعه های از حلقه های یک زنجیره به هم پیوسته، می توان اثر گذاری قابل توجهی را برای چنین مؤلفه ای در نظر گرفت.

بازار ایرانی-اسلامی از مصادیق تلاش برای حرکت در مسیر معماری ایرانی-اسلامی است

مدیر مجموعه عمران شهر جدید اندیشه در خصوص میزان تلاش انجام شده برای تحقق معماری ایرانی-اسلامی در این منطقه (شهر جدید اندیشه) گفت: آنچه در سبک معماری ایرانی و اسلامی بسیار حائز اهمیت به شمار می رود، جنبه های کارکردی آن است و با چنین نگاهی نباید محیط کار، عبادت، تفریح و... انسان از زندگی روزمره وی حذف یا نادیده گرفته شده و می طلبد به تمامی جنبه های زیستی انسان در کنار خانه یا منزلگاه او توجه شود.

آیینی عنوان کرد: با چنین نگاهی بازار ایرانی اسلامی شهر اندیشه را می توان به عنوان یکی از دستاوردهای برجسته معماری اصیل ایرانی-اسلامی مطرح کرد.

وی افزود: شهر جدید اندیشه انسان گرا است، مساجد زیبا دارد، دعوت کنندگی آن به سمت معنویت است و تلاش ما بر این امر استوار بوده تا حتی المقدور در این راستا گام برداریم. آیینی عنوان کرد: به واقع منطقه مذکور (شهر جدید اندیشه) نخستین شهری محسوب می شود که تلاش شده ارزش های معماری ایرانی و اسلامی در بازار موسوم به همین نام (ایرانی-اسلامی) احیا شود.

دانش آموخته رشته شهرسازی گفت: حرکت آب در ساختمان، تلفیق ساختمان ایرانی با آب همچون باغ فین کاشان، تلاش برای سوق دادن انسان به سمت معنویت و تجارت (توامان با یکدیگر) و توجه به زندگی مادی و اخروی انسان از مؤلفه های حائز اهمیت به شمار می رود که سعی شده در بازار ایرانی-اسلامی لحاظ شود.

وی یادآور شد: شهر جدید اندیشه نمونه ای موفق از حرکت در مسیر احیا و ترویج معماری ایرانی-اسلامی است اما ادعا نمی کنیم که در این عرصه توفیق ۱۰۰ درصدی حاصل شده، لذا تلاش شده نوک پیکان و جهت حرکت در این مسیر طی شود.

غفلت از معماری ۵ هزار ساله سیستان و بلوچستان / کپر نشینی نشانه فقر نیست

جریانات رودخانه‌های در این منطقه به‌صورت موقتی و فصلی است و در نتیجه منابع آب زیرزمینی نیز با محدودیت مواجه است.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه وجود مخروط آتش فشانی تفتان با ارتفاع ۳۹۴۱ متر در شمال بلوچستان شرایط اقلیمی تعدیل یافته‌ای را در این منطقه به وجود آورده است. بررسی گذشته و پیشینه استان نشان می‌دهد که روستاها در این استان مجتمع‌های پویایی بوده‌اند که ضمن خودگردانی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و غیره بسیاری از نیازهای فضایی خود را نیز با استفاده از امکانات و منابع موجود در محیط فراهم می‌کرده‌اند.

دیرزمانی است که ارزش‌های کهن معماری این مرزوبوم به‌طور کلی دستخوش فراموشی شده است، اما روستاهایی که نمونه غنی از فرهنگ معماری گذشته است و شیوه‌های معیشت و سنت سکونت و هنر بومی را حفظ کرده‌اند هنوز یافت می‌شود که می‌توانند در برنامه‌ریزی و ساماندهی معماری شهرها و روستاهای امروزی راهنمای طراحان باشند، لذا از همین روزه علیرضا خسروی کارشناس میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، خصوصیات معماری این استان را جویا شدیم.

الگوها از نوع پوشش مردم گرفته تا معماری از خارج مرزها وارد شده است

علیرضا خسروی اظهار داشت: با مراجعه به تاریخ استان سیستان و بلوچستان دستاوردهای مختلفی را می‌توان دید به‌عنوان مثال دست -آورد‌های شهر سوخته متعلق به ۵ هزار سال قبل است.

وی افزود: این یعنی ۵ هزار سال پیشینه تاریخ و معماری در این منطقه وجود دارد و طبیعتاً تمدن بسیار بزرگی مثل حوضه رود هیرمند باید آفرینش‌های فرهنگی و هنری خاص خود را داشته باشد.

وی گفت: اما سؤال اینجاست که آیا در حال حاضر حمایتی برای راهاندازی دوباره این تمدن و معماری وجود دارد.

این کارشناس میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان تصریح کرد: در حوضه میراث فرهنگی ما از پیشینه‌ای که داشته‌ایم می‌توانیم یک سری تجربیات و نکات را برداشت کنیم و به‌عنوان یادمان و تجربه ذخیره شود اما مشکل آنجایی است که حلقه‌ای که می‌خواهد این مسیر را ادامه دهد وجود ندارد.

ایرانی‌ها در طول تاریخ همیشه علاقمند بوده‌اند که با دنیا ارتباط داشته باشند اما با تمام ارتباط و پیوندهایی که داشته‌اند، فرهنگ خودشان را حفظ کرده‌اند.

وی افزود: همان‌طور که مشاهده می‌کنید در حال حاضر الگوها به‌کلی تغییر کرده از نوع پوشش مردم گرفته تا معماری و الگوهای جدیدی که از خارج مرزها وارد شده جای آن را گرفته است.

این کارشناس میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان گفت: ایرانی‌ها در طول تاریخ همیشه علاقه‌مند بوده‌اند که با دنیا ارتباط داشته باشند اما با تمام ارتباط و پیوندهایی که داشته‌اند، فرهنگ خودشان را حفظ کرده‌اند، مثلاً وقتی که اعراب به ایران می‌آیند مقاومتی نمی‌کنند و زبان و پوشش خود را از دست می‌دهند.

خسروی افزود: ما اسلام را پذیرفتیم ولی زبان، پوشش، غذا و معماری خود را حفظ کردیم چون اراده بسیار بزرگی وجود داشت الان هم همان است اگر خودمان اراده بزرگ را برای حفظ و نگهداری شاخص‌های معماری داشته باشیم این امکان پذیر است اما اگر اراده سست باشد اینجا دچار مشکل می‌شویم.

وی گفت: بنده از سال ۱۳۷۴ در میراث فرهنگی هستم و در این ۲۰ سال اراده‌ای ندیده‌ام به دنبال این باشد که معماری نوین را با معماری سنتی تلفیق کند.



بناهای خشت و گلی با سابقه طولانی در آن یافت می‌شود. از نظر اقلیمی در حال حاضر دشت سیستان در تپه اقلیم خشک بیابانی قرار دارد و متوسط بارندگی سالیانه آن کمتر از ۶۵ میلی‌متر است، در عین حال میزان تبخیر در آن قریب به ۵۰۰۰ میلی‌متر در سال است، با توجه به خشک‌سالی‌های دو دهه اخیر و کاهش آب ورودی هیرمند و یا خشکی رودخانه و قطع کامل آب، خشک‌سالی‌های مخربی در آن به وقوع پیوسته است.

همچنین ورزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان از اواخر بهار تا اواخر تابستان در تشدید نیاز آبی منطقه مؤثر بوده و بر خشکی محیط نقش دارد.

لازم به ذکر است که همه این موارد بر سبک زندگی و معماری مردم منطقه هم تأثیر فراوانی گذاشته است به‌گونه‌ای که عنصر باد در جهت معماری خانه‌ها و همچنین شکل ساخت این خانه‌ها مؤثر بوده است و علاوه بر همه این‌ها استفاده از بادگیرها نیز جایگاه ویژه‌ای در معماری این منطقه دارد.

در جنوب استان و در منطقه بلوچستان نیز با توجه به خصوصیات زندگی قبیله‌ای و اتکا بر دامداری تنوع در شکل و ساختار مسکن دیده می‌شود که البته با توجه به وسعت فراوان منطقه بلوچستان که از مناطق کوهستانی خاش تا سواحل دریای عمان ادامه دارد در مجموع می‌توان گفت این منطقه دارای طبیعتی کوهستانی و خشک است، البته نواحی جنوبی استان با توجه به مجاورت با دریای عمان و متأثر شدن از بادهای باران‌های موسمی اقیانوس هند، دارای اقلیم متفاوتی است.

به‌صورت کلی می‌توان گفت بالا بودن میانگین دما و پایین بودن نوسانات آن از جمله مشخصه‌های اساسی اقلیم منطقه بلوچستان است که باین وجود در جنوب بلوچستان شاهد شرایط آب‌وهوای گرم و مرطوب، در مرکز خشک و در شمال معتدل و خشک هستیم.

وجود مخروط آتشفشانی تفتان با ارتفاع ۳۹۴۱ متر در شمال بلوچستان شرایط اقلیمی تعدیل یافته‌ای را در این منطقه بوجود آورده است.

البته با توجه به پایین بودن نزولات جوی (متوسط کمتر از ۱۱۵ میلی‌متر) و عدم وجود منابع برف کوهستانی، اکثر

معماری غنی سیستان و بلوچستان قدمتی به درازای تاریخ ۵ هزار ساله منطقه دارد که متأسفانه مغفول مانده و معماری بی‌هویت غربی جای آن را گرفته است.



جواد قهبری

از قدیم‌الایام مسکن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و شاید اولین نیازهای بشر مطرح بوده است و طبق تعریف کوچک‌ترین عنصر سکونتگاه‌ها را تشکیل می‌دهد، مسکن زائیده مهم‌ترین نیاز انسان‌ها و یکی از پدیده‌های جغرافیایی هر منطقه است.

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرق ایران با وسعتی حدود ۱۸۷ هزار و ۵۷۸ کیلومتر مربع، معادل ۱۱.۴ درصد از کل مساحت کشور را تشکیل داده و یکی از وسیع‌ترین استان‌های کشور است که تنوع اقلیمی و بافتی متفاوتی دارد، این تنوع اقلیمی سبب تنوع شکلی و ساختاری در مسکن این استان شده است زیرا طبق رویه اکثر مناطق کشور اساس اندیشه ساخت مسکن در این منطقه هم کاهش هزینه‌های مربوط به ساختمان و پرهیز از حمل‌ونقل بی‌جا و استفاده از مصالح بومی است.

این استان از شمال با استان خراسان جنوبی و کشور افغانستان، از شرق با مرز خاکی حدود ۱۲۶۰ کیلومتری با کشورهای پاکستان و افغانستان، از جنوب با مرز آبی ۳۰۰ کیلومتری به آب‌های آزاد دریای عمان و بالاخره از غرب با استان‌های کرمان و هرمزگان هم‌مرز است، به‌طور کلی این استان به لحاظ طبیعی به دو ناحیه جغرافیایی سیستان در شمال و بلوچستان در جنوب قابل تفکیک است.

به همین سبب با توجه به تفاوت اقلیم و پهناور بودن این استان نوع مسکن نیز در آن متفاوت است به‌گونه‌ای که در شمال استان با توجه به اینکه در گذشته رودخانه هیرمند در آن جاری بوده و بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین ایران (دریاچه هامون) را در خود جای داده است، شغل اصلی مردم این منطقه کشاورزی بوده و سبک زندگی آن‌ها یکجانشینی و ساخت خانه‌های گنبدی و گلی در این منطقه مرسوم بوده است و با توجه به اینکه دشت سیستان قدمت زیادی دارد



وی خاطر نشان کرد: همه می‌دانند دقیقاً نمی‌شود از معماری ۲۰۰ سال گذشته استفاده کرد به دلیل اینکه با توجه به مقتضیات زمان دیوارهای آن زمان ۶۰ یا ۷۰ سانتی متر بوده و یا سقف گنبدی بوده اما خیلی از این شاخه‌ها می‌توانند در معماری جدید پیاده‌سازی و تلفیق شوند.

کارشناس میراث فرهنگی سیستان و بلوچستان افزود: بسیاری از خصوصیات معماری گذشته با توجه به اقلیم و شرایط زمان بوده پس می‌توان به نحو احسن از آن استفاده کرد به شرط اینکه اراده آن وجود داشته باشد. البته معماری استان سیستان و بلوچستان در گذشته با توجه به اقلیم و شرایط آن از خصوصیات منحصر به فردی همچون بادگیرها، سقف گنبدی، خارخانه‌ها و غیره برخوردار بوده است که اگر بخواهیم به همه آن‌ها بپردازیم نیازمند سال‌ها تحقیق و پژوهش است از همین رو در این گزارش بیشتر سعی شده است تا نقش این نوع معماری را بر سبک زندگی و شاید هم بر عکس یعنی تأثیر سبک زندگی بر معماری بررسی شود.

تغییرات جغرافیایی عامل تنوع گسترده در گونه‌های معماری سیستان و بلوچستان است

با توجه به اینکه در منطقه بلوچستان شغل اکثر مردم منطقه دامداری بوده و علاوه بر آن با توجه به زندگی قبیله‌ای در این مناطق، این سبک زندگی در معماری آن‌ها تأثیر گذار بوده به گونه‌ای که در مناطق مختلف منطقه با توجه به مصالح موجود انواع معماری که گاهی حتی به عنوان سکونت‌گاه‌های موقتی استفاده می‌شود، وجود دارد از همین رو با فرزانة دادگر عضو هیئت‌علمی گروه معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان مصاحبه‌ای انجام شد تا بیشتر با خصوصیات معماری این منطقه آشنا شویم. فرزانة دادگر اظهار داشت: مصالح، فرم و نحوه ساخت مسکن سنتی استان سیستان و بلوچستان به اقلیم و شرایط زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی و معیشتی آنان بستگی دارد زیرا با توجه به تغییرات جغرافیایی استان از شمال تا جنوب استان شاهد تنوع گسترده‌ای از گونه‌های معماری در این منطقه هستیم.

وی افزود: در مناطق کوهستانی واقع در شمال بلوچستان به دلیل آن که اکثریت روستائینان به دامداری اشتغال دارند، ضرورت سهولت در جابجایی مسکن سبب رواج گدام (سیاه‌چادر) شد، گدام نوعی سازه چادری است که پوشش آن از موی بز بافته می‌شود و سازه نگه‌دارنده آن ترکیبی از اجزای فشاری نظیر تیر و ستون‌های چوبی و اجزای کششی مانند طناب است، پوشش مزبور عایق

همه‌جانبه و همیشگی از درخت نخل که در گویش محلی به آن مُک (mok) یا مَج (mach) گفته می‌شود تا به امروز هم کم‌وبیش تداوم دارد.

وی با اشاره به اینکه نخل منبع الهام قوم بلوچ است، گفت: در واقع همه‌جا می‌توان ردپای آن را دید از کارهای هنری مانند طراحی زیورآلات گرفته تا هندسه‌ای که در برخی نقوش سوزن‌دوزی بکار رفته و سینه‌به‌سینه و نسل به نسل حفظ شده است.

وی افزود: یکی از مهم‌ترین صنایع دستی منطقه انواع و اقسام وسایلی است که با برگ‌های درخت نخل یا همان «پیش‌ها» ساخته می‌شود.

وی بیان کرد: کودکی قوم بلوچ با اسباب‌بازی‌هایی سپری شده که از مُک برایشان ساخته بودند، مجموعه‌ای انتزاعی از حیوانات و وسایل دور و اطراف، فرفره و غیره که در همه آن‌ها نقش درخت خرما به‌خوبی دیده می‌شود. عضو هیئت‌علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان تصریح کرد: در زمینه معماری نیز بسیاری از گونه‌های ساختمانی به کمک تنه و شاخ و برگ خرما به وجود آمده است که توضیح همه آن‌ها از حوصله این بحث خارج است لذا یکی از مهم‌ترین این نوع بناها «کپر» است که قدمتی برابر با تاریخ معماری یکجانشینی بشر دارد.

وی افزود: این نوع معماری یا ساخت سکونت‌گاه در جای‌جای جهان به اشکال کم‌وبیش متفاوت وجود دارد و در بلوچستان نیز «کپر» یا «کاپار» دارای پلان ساده مستطیل و یا دایره شکل است که جداره‌های آن با شاخه‌های درخت خرما پوشانده می‌شود.

یکی از علل محبوبیت کپر در گذشته امکان خنک‌سازی آن بوده است

وی گفت: اجزا تشکیل‌دهنده کپر، کَرز (karz) یا شاخه درخت خرما، تَگرد (tagerd) یا (حصیر)، چیلُک (chilok) (طناب بافته‌شده از برگ درختان خرما) است که اغلب در روستاها و یکجانشینی‌هایی که طوایف به مدت نسبتاً طولانی در آنجا سکونت دارند احداث می‌شود. وی اذعان کرد: از دیگر دلایل عمده محبوبیت کپر در گذشته امکان خنک‌سازی آن بوده به نحوی که با پاشیدن مکرر آب بر سطح بیرونی آن، تگردها مرطوب می‌شد و عبور نسیم به کاهش دمای درون کپر کمک شایانی می‌کند.

دادگر افزود: از مزایای دیگر کپر که در عصر حاضر نیز امتیاز برای ساختمان‌های مدرن امروزی محسوب می‌شود مواردی از قبیل سبک بودن سازه و یا به‌عبارتی دیگر ضد زلزله بودن آن، ساخت سریع، استفاده از مصالح قابل بازیافت

رطوبت است و رنگ تیره آن به گرمایش فضای داخلی کمک می‌کند.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان خاطر نشان کرد: برای مردم یکجانشین و کشاورز همان منطقه نیز مصالح عمده برای ساخت بنا، سنگ‌هایی است که از اطراف جمع‌آوری می‌کنند، به بیانی دیگر مانند سایر بافت‌های قدیمی روستایی استفاده از مصالح «بوم‌آورد» و «خودبستگی» حرف اول را می‌زند.

وی افزود: به سمت جنوب استان که حرکت کنیم برای همین قشر از مردم، خشت و خاک جای سنگ را می‌گیرد که تزیینات زیبای نمای ساختمان‌ها به کمک چیدمان متفاوت خشت و سایه‌اندازی آن‌ها روی یکدیگر چشم‌نوازی می‌کند.

وی گفت: تغییر اقلیم منطقه از سرد و خشک در شمال به گرم و خشک در جنوب استان پای درختان خرما را به میان می‌آورد و به جرات می‌توان گفت که در کنار آب که همواره مایه حیات بوده، نقش نخل در زندگی و هویت بلوچستان تردیدناپذیر است.

نخل منبع الهام قوم بلوچ است، و در واقع همه جا می‌توان ردپای آن را دید از کارهای هنری مانند طراحی زیورآلات گرفته تا هندسه‌ای که در برخی نقوش سوزن‌دوزی بکار رفته و سینه به سینه و نسل به نسل حفظ شده است.

خانم دادگر تصریح کرد: نکته مثبت آن که استفاده



شهردار بندر چابهار افزود: این معماری در سرتاسر بلوچستان و به ویژه مناطقی که درخت نخل وحشی رشد می کند، قابل استفاده است.

تلفیق معماری کپری و جدید می تواند بر مسائل کلان شهرسازی تأثیر بگذارد

وی اشاره کرد: در چابهار و منطقه دشتیاری به علت کمبود منابع آبی در گذشته و عدم دسترسی به درختان نخل وحشی که در دشتیاری و چابهار کمتر در دسترس است کم تر از این معماری استفاده شده است.

وی تأکید کرد: قطعاً توجه به این نوع معماری و تلفیق آن با معماری جدید علاوه بر اثری که بر زیباسازی منظر شهری دارد می تواند در مسائل کلان شهرسازی نیز تأثیرگذار باشد. تقریباً همه کارشناسان و مسئولان بر این عقیده هستند که استفاده از معماری بومی و تلفیق آن با معماری نوین بسیار مهم و حائز اهمیت است و باید از این ظرفیت به خوبی استفاده شود اما اینکه چرا این کار انجام نمی شود سؤال بزرگی است که هیچ کس پاسخی نمی دهد.

البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که هنوز در مناطقی از این استان خصوصاً در برخی از روستاها که به عنوان مقصد گردشگری نیز انتخاب شده اند معماری سنتی استان قابل مشاهده است به عنوان مثال می توان به روستای قلعه نو در شمال استان و یا برخی مناطق در جنوب استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد.

در برخی مناطق حاشیه ای شهر چابهار هم در کنار منطقه آزاد مجلل چابهار هنوز نشانه هایی از نوع زندگی حاشیه نشینی دیده می شود که صد البته نمی توان به آن معماری کپری گفت اگر در جنوب بلوچستان به برخی از روستاها مراجعه شود هنوز معماری کپری مشاهده و از این ظرفیت به خوبی استفاده می شود که قطعاً دلیل آن نوع زندگی مردم در این مناطق است که هنوز این نوع معماری را می طلبد.

البته متأسفانه در برخی مناطق حاشیه ای شهر چابهار هم در کنار منطقه آزاد مجلل چابهار هنوز نشانه هایی از نوع زندگی حاشیه نشینی دیده می شود که صد البته نمی توان به آن معماری کپری گفت که البته متأسفانه اشتباهی گاهی با این نام به آن اشاره می شود.

اگر از همه این مسائل بگذریم نکته ای که بیشتر از همه ناراحت کننده است این است که معماری بومی استان سیستان و بلوچستان با این همه فرصت و ظرفیت واقعاً مغفول مانده است و کمتر به آن توجه شده است.

دلیل این مدعا هم این است که برای تهیه این گزارش تقریباً با همه اعضای هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان و مسئولان ذی ربط تماس گرفته شد اما متأسفانه اکثری یا پاسخگو نبودند و یا پاسخگویی را به وقت دیگری موکول کردند و این در حالی است

که برخی از اساتید دانشگاه سیستان و بلوچستان رتبه های مهم و حائز اهمیتی در بحث معماری نوین در کشورهای خارجی کسب کرده اند. نکته آخر اینکه با توجه به اینکه سال ۹۶ استان سیستان و بلوچستان به عنوان مقصد گردشگری ایرانیان انتخاب شده است اگر به این ظرفیتها توجه شود و سبک زندگی مردم این خطه از ایران اسلامی به گردشگران به خوبی معرفی شد قطعاً باعث جذب بیشتر گردشگران خواهد شد، زیرا صنایع دستی، معماری، سبک زندگی و حتی غذاهای بومی این خطه از کشور واقعاً ظرفیت عظیمی است که مغفول مانده است.



باز هم پاسخگو نبودند از همین رو با توجه به اینکه معماری کپری بیشتر در جنوب استان رواج دارد مصاحبه ای با شهردار بندر چابهار انجام شد.

مهندس داد کریم بلوچ در گفتگو با خبرنگار مهر، اظهار داشت: تأکید بیشتر بر معماری کپری در این خطه از کشور به این علت است که معماری بلوچستان بر بوم آوری استوار است و وجود درختان نخل و نخل وحشی که در تمامی مناطق بلوچستان به صورت خودرو رشد می کند، یکی از دلایل رواج این نوع مسکن در این منطقه است.

وی افزود: مردمان بلوچ از دیرباز برای سقف خانه یا بناهایی که می ساختند از چوب درختان نخل و شاخ و برگ آن برای پوشش سقف استفاده می کردند که در هر منطقه به شکلی متفاوت استفاده شده است.

وی گفت: علاوه بر سهل الوصول بودن و در دسترس بودن درختان خرما و نخل وحشی شاید انعطاف پذیر بودن این نوع معماری در فصل های مختلف سال که در تابستان با برداشتن شاخ و برگ درختان داز از اسکلت بندی اصلی کپر و بندی سازه به صورت مشبک با چوب درختان با ایجاد پنجره هایی شبکه مانند باعث تهویه فضای داخل آن می شد و در پاییز و زمستان با پوشش با شاخ و برگ و حصیرهای بافته شده از برگ درختان نخل وحشی بنا را عایق بندی می کردند از دیگر دلایل استفاده از این نوع معماری است.



و کم انرژی (low energy) بودن بنا است که همه این موارد در کنار هم باعث می شود در محث معماری پایدار نیز کپر جایگاه قابل قبولی داشته باشد.

اگرچه امروزه با گسترش ارتباطات و سهولت دسترسی به مصالح نوین و وسایل سرمایشی اقبال کمتری به زندگی در کپر وجود دارد ولی وجود کپر همیشه نشانه فقر ساکنان و زاغه نشینی نیست، چرا که ویژگی های مثبت آن سبب می شود در کنار ساختمان های مدرن امروزی باز هم در گوشه ای از حیاط حضور داشته باشد.

وی گفت: البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که اگرچه امروزه با گسترش ارتباطات و سهولت دسترسی به مصالح نوین و وسایل سرمایشی اقبال کمتری به زندگی در کپر وجود دارد ولی وجود کپر همیشه نشانه فقر ساکنان و زاغه نشینی نیست، چرا که ویژگی های مثبت آن سبب می شود در کنار ساختمان های مدرن امروزی باز هم در گوشه ای از حیاط حضور داشته باشد.

وی افزود: این قضیه از نظر من خاستگاه فرهنگی هم دارد و مربوط به خاطرات جمعی مردم می شود و نشانی از پیوند آن ها با گذشته است.

عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان تصریح کرد: این سازه می تواند نقش یک فضای نیمه باز که خود برگرفته از طبیعت است را نیز به خوبی ایفا کند و همچنین از بعد اجتماعی نیز کپر می تواند مکانی برای گردهمایی

نزدیکان تلقی شود و در مجموع می توان گفت: جمع سایه و نسیم خنک، کپر را تبدیل به فضایی مطلوب در حیاط های اقلیم گرم می کند.

از همین رو با توجه به اینکه خصوصیات این نوع معماری کمتر در معماری جدید استان سیستان و بلوچستان دیده می شود به سراغ تعدادی از مسئولین استان رفتم تا نظر آن ها را در این خصوص جویا شویم.

در ابتدا با رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان سیستان و بلوچستان چندین بار تماس گرفته شد که ایشان پاسخگو نبودند و حتی با دفتر این سازمان در زاهدان نیز تماس گرفته شد و حتی با توجه به اینکه قبول همکاری داده شد اما متأسفانه